

عَبْدُ اللَّهِ



محمّد کے ہر سید بہان

علیرضا کر بندی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
مهدی
خورشید پنهان

به اهتمام: علیرضا کر بندی

انتشارات دامینه - واسع

۱۳۸۷

سرشناسه	: کربندی، علیرضا، ۱۳۳۱ -
عنوان و پدیدآور	: مهدی (عج) خورشید پنهان / اثر علیرضا کربندی.
مشخصات نشر	: مشهد: نشر دامینه: واسع، ۱۳۸۷.
مشخصات ظاهری	: ۱۶۸ ص.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۵۸۰۵-۶۱-۴
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: محمد بن حسن (عج) امام دوازدهم، ۳۵۵ ق.
موضوع	: زندگانی حضرت مهدی (عج)
رده بندی کنگره	: ج ۶ م ۲۷ / BP ۲۲۳
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۳۶۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۵-۳۷۶۵۳ م

انتشارات واسع

انتشارات دامینه

همراه: ۱۹۶۲، ۱۱۰۱۱۵۰۹

مشهد مقدس - بلوار وکیل آباد ۸ - ارشاد ۱ - پلاک ۲۵

مهدی (عج) خورشید پنهان

به اهتمام: علیرضا کربندی

ناشر: دامینه

نوبت چاپ: اول ۱۳۸۷

شمارگان: ۲۰۵۰ نسخه

لیتوگرافی: سپهر

چاپ: دقت

قطع: رقعی

قیمت: ۲۴۰۰ تومان

حروفچینی و صفحه پردازی: خدمات نشر علاقه مند

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۸۰۵-۶۱-۴

ISBN 978-964-5805-61-4

حق چاپ محفوظ و مخصوص ناشر است.

فهرست مطالب

۹	مقدمه مؤلف
۱۱	ميلاد مسعود
۲۱	معرفت خود را نسبت به امام زمان <small>عجل الله فرجه</small> بیشتر کنیم
۲۵	همیشه و در همه امور به امام زمان <small>عجل الله فرجه</small> توسل جوییم
۲۹	در نصرت و یاری امام زمان <small>عجل الله فرجه</small> بکوشیم
۳۰	هر روز به نیابت از امام زمان <small>عجل الله فرجه</small> صدقه بدهیم
۳۱	در همه حال برای تعجیل در فرج حضرت دعا کنیم
۳۲	در احیای امر امام زمان <small>عجل الله فرجه</small> بین دوستانش بکوشیم
۳۴	برای مظلومیت و مفارقت از حضرت ندبه سر دهیم
۳۵	همواره منتظر قدم مبارک حضرت باشیم
۳۷	وعده دیدار
۳۸	امام مهدی <small>عجل الله فرجه</small> در قرآن
۳۹	امام مهدی <small>عجل الله فرجه</small> در سخن پیامبر <small>ص</small>
۳۹	امام مهدی <small>عجل الله فرجه</small> در سخن فاطمه <small>ع</small>
۴۰	امام مهدی <small>عجل الله فرجه</small> در سخن امامان <small>ع</small>

- ۵۳ شنیدن مناجات امام عصر علیه السلام
- ۵۴ حضرت ولی عصر علیه السلام کتاب را به پایان می‌رسانند
- ۵۷ فرزندم مهدی علیه السلام در مسجد کوفه است
- ۶۰ حکومت الهی در جهان
- ۶۱ طول عمر
- ۶۲ غیبت
- ۶۷ انتظار فرج
- ۷۰ از کتب اهل سنت
- ۷۱ کلمات قصار از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم
- ۷۲ پدری پاکتر از پاک
- ۷۴ نوزاد مقدس
- ۷۵ کودک و معجزات
- ۷۶ طلا کردن سنگریزه
- ۷۸ روایات ائمه اطهار علیهم السلام در مورد امام زمان علیه السلام
- ۸۰ برخی از حقوق حضرت ولی عصر علیه السلام و نیز محبت‌های آن بزرگوار
- ۸۲ حق ادامه حیات در دنیا
- ۸۲ حق قرابت با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم
- ۸۳ تحمل ناراحتی‌های ما توسط حضرت مهدی علیه السلام
- ۸۴ جمع کردن همه سخن‌ها بر مسیر توحید و اسلام
- ۸۴ حبّ حضرت مهدی علیه السلام نسبت به ما

- ۸۶ رفع بلا و عذاب از مردم به واسطه امام زمان علیه السلام
- ۸۷ راحتی مردم در زمان ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام
- ۸۸ شفاعت آن بزرگوار
- ۸۹ عدالت امام زمان علیه السلام
- ۹۰ فصل و جدایی بین حق و باطل
- ۹۱ قتل شیطان به دست امام عصر علیه السلام
- ۹۲ داستانی بسیار مشهور نزد اهل نجف
- ۹۳ ندای امام عصر علیه السلام به عنوان درخواست از مردم
- ۹۳ آزمون خلق
- ۹۶ از امام غایب چگونه بهره می‌بریم؟
- ۹۷ انتظار در روایات و سنت
- ۹۹ حکومت فراگیر و جهانی مستضعفان
- ۱۰۰ بحث و مناظره
- ۱۰۳ تشکیل مجالس در حفظ شعائر
- ۱۰۵ تاریخچه مسجد جمکران
- ۱۱۷ اسامی مقدس امام زمان علیه السلام
- ۱۱۸ اکنون روایتهای مختلف را درباره ولادت حضرت مهدی علیه السلام بیان می‌کنیم
- ۱۲۰ کسانی که آن حضرت را در خردسالی دیده‌اند
- ۱۲۳ سنّ حضرت مهدی علیه السلام در آغاز امامت
- ۱۲۴ عقیده علمای اهل سنت درباره وجود مقدس امام زمان علیه السلام

- آیاتی از قرآن کریم که دلالت بر علم امام زمان علیه السلام دارند ۱۲۷
- مقام و پاداش کسانی که در اعتقاد خود به امام زمان راسخ هستند ۱۳۱
- آگاهی حضرت مهدی علیه السلام از اعمال شیعیان ۱۳۲
- علائم حتمی ظهور حضرت مهدی علیه السلام در آخرالزمان ۱۳۴
- محل ظهور و دعوت امام زمان علیه السلام ۱۳۷
- ویژگی‌های یاران امام قائم علیه السلام ۱۴۰
- امام مهدی علیه السلام در عینیت تاریخ ۱۴۴
- چرا باید درباره دولت حضرت سخن گفت؟ ۱۴۶
- تفاوت دولت پیامبر صلی الله علیه و آله و دولت امام منتظر علیه السلام ۱۴۷
- نفوذ سیاسی جهان شمول امام منتظر علیه السلام ۱۴۸
- سیره حمیده آن حضرت ۱۵۰
- حکومت طولانی حضرت مهدی علیه السلام ۱۵۷
- مهدی علیه السلام سختگیر و قاطع در عین داشتن ۱۶۰
- رحمت و مهربانی به مردم ۱۶۰
- حاکمیت عشق و محبت الهی ۱۶۱
- انجیل و کلیه کتب آسمانی در دست مهدی علیه السلام است ۱۶۴
- نقش حضرت عیسی علیه السلام در ظهور حضرت مهدی علیه السلام ۱۶۶

مقدمه مؤلف

اینک نامه دیگر در نام و یاد تو گشوده می شود ای مهدی!
در حالی که تو همچنان در غیبت هستی
و ما همچنان در هجران تو، در سوز و گداز،
و دفتر همچنان باقی است، و در انتظار، انتظاری تلخ، بی شکیب و
بس سخنان که ناگفته و شعرها که ناسروده و جملات ناتمام
مانده اند، اشکهای جوشان و زبان خروشان و صحنه تاریخ در پیش
و منتظران پیوسته در انتظار.
شود که دفتر هجران را بسته و کتاب وصال را به قدمت
بگشایی و جهانی را که هماره در انتظارت نشسته با ظهور پیروزت
منور سازی، به امید آن روز.

خاک پای مولا علی رضا کربندی

میلااد مسعود

ماه دامن‌کشان میدان آسمان را ترک می‌کرد و تاریکی، سایه سنگین خود را به ماورای افقها می‌کشید. نسیم بامدادی بوسه بر لب دجله و بر چهره و گونه نخلهای پیر و جوان می‌زد، گویا دنیا می‌خواست بار دیگر شکوه و جلال و صف‌ناپذیری به خود گیرد. با صدای مؤذن دروازه صبح گشوده شد و اندکی پس از آن، در یکی از خانه‌های شهر سامرا، مولودی خجسته و مبارک چشم به جهان گشود، مولودی که تولدش شکوهمند و تبارش پاک و اصیل است.^۱

نامش، نام رسول خدا ﷺ، کنیه‌اش، کنیه رسول خدا ﷺ معروف به مهدی است، او قائم است و منتظر. حکیمه خاتون، دخت امام جواد علیه السلام ولادت آن مولود مبارک را

۱ - جَلُّ مَوْلِدُهُ وَ كَرَّمُ مَحْتِدُهُ

۲ - نام رسول خدا محمد صلی الله علیه و آله و کنیه او ابوالقاسم است.

این‌گونه بیان می‌کند: در نیمه شعبان (سال ۲۵۵ هـ.ق) یادگار گران‌مایه برادرم، امام حسن عسکری علیه السلام برایم پیغام فرستاد، عمّه جان! امشب نزد ما افطار کن. بعد از این که خدمت امام رسیدم آن حضرت فرمود: خداوند در این شب فرخنده حجّت خود را به دنیا خواهد آورد.

با شگفتی پرسیدم: سرورم! مادرش کیست؟

فرمود: نرجس.

گفتم: فدایت شوم، من که هیچ اثر و نشانی از بارداری در او نمی‌بینم، فرمود: واقعیت همان است که گفتم. با امید فراوان به اتاق آن بانو رفتم. بر او سلام کردم و خواستم بنشینم، نرجس پیش آمد و با دنیایی از وقار و ادب به من احترام کرد، در حالی که می‌خواست کفشهایم را درآورد، به من گفت:

بانوی من! چگونه‌ای! حالت چطور است؟

گفتم: بانوی من و بانوی خاندانم تو هستی.

نرجس سخنم را قطع کرد و گفت: این چه گفتاری است عمّه جان؟

گفتم: دخترم! امشب خداوند به تو پسری گران‌قدر عطا خواهد

فرمود که سرور و آقای هر دو جهان خواهد بود.

او با شنیدن این خبر شادمان گردید.

من پس از افطار و ادای نماز عشا خوابیدم، ساعتی از نیمه شب

گذشته بود که برای نماز شب برخاستم، و پس از نماز به نرجس

نگاه کردم، دیدم آرام و آسوده در خواب است و از آنچه من در انتظارش لحظه شماری می‌کردم هیچ نشانی نیست. پس از تعقیب نماز، دوباره خوابیدم و پس از لحظه‌ای با اضطراب بیدار شدم، دیدم نرجس بیدار شده و کمی وحشت زده است. او برخاست و نماز شب گزارد و باز به رختخوابش بازگشت و مشغول استراحت شد.

از اطاق بیرون آمدم تا طلوع فجر را جستجو کنم. دیدم صبح کاذب دمیده است و نرجس خاتون مشغول استراحت است. در دلم دچار تردید شدم، که امام حسن عسکری علیه السلام از اطاق مجاور فرمودند: عمّه جان! شتاب مکن که امر نزدیک است.

پس نشستم و به تلاوت سوره‌های سجده و یس پرداختم، هنوز مشغول تلاوت بودم که نرجس وحشت زده بیدار شد، به سویش دویدم و گفتم: دل خود آرام دار، که وعده خدا نزدیک است.

آن گاه لحظه‌ای بر من غفلت عارض شد (گویی پرده‌ای بین من و او آویخته شد) و بعد از سپری شدن آن لحظه، احساس کردم که حجّت خدا به دنیا آمده است. ولیّ خدا را دیدم که با هفت عضو سجده، به سجده افتاده است. آن ماه پاره را در آغوش گرفتم، او را (برخلاف نوزادان دیگر) پاک و پاکیزه یافتم. در همان لحظه صدای امام را شنیدم که فرمود: عمّه جان! پسر من را پیش من بیاور.

مولود مسعود را به محضر امام علیه السلام بردم، حضرت نور دیده‌اش را بغل کرد و در حالی که با یک دست از پشت مولود و با دست دیگر

از زیر رانهایش گرفته بود، کف پاهای مولود نازنین را بر سینه خود چسبانید و در گوش راست او اذان، و در گوش چپش اقامه خواند. آن گاه زبان مبارک خود را در دهان او قرار داد، گویی از زبان خود به او شیر می داد. سپس دست مبارکش را بر دیده‌ها، گوشها و دیگر مفاصل بدنش کشید و کامش را برداشت، سپس فرمود: پسر من! سخن بگو!

حجت خدا بی درنگ سخن آغاز کرد:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ...

آن گاه بر امیرمؤمنان و یکایک امامان صلوات و سلام فرستاد تا به پدر بزرگوارش رسید، به ایشان هم سلام گفته، و ساکت شد. آن گاه امام حسن عسکری علیه السلام به من فرمودند: عمه جان! او را نزد مادرش ببر. پس او را نزد مادرش بردم.

حکیمه خاتون می فرماید: صبح همان روز به محضر امام رسیدم و عرض ادب نمودم، پرده را کنار زدم که مولود مبارک را یک بار دیگر زیارت کنم، او را در گهواره خود نیافتم. عرضه داشتم:

سرورم! فدایت شوم، سید و مولای من چه شد؟!

فرمود: اسْتَوْدَعْنَاهُ الَّذِي اسْتَوْدَعَتْ أُمَّ مُوسَىٰ إِنَّهَا.

«او را به کسی امانت سپردم که مادر موسی علیه السلام، پسرش را به او

جناب حکیمه همچنین می فرماید:

چهل روز بعد، خدمت امام حسن عسکری علیه السلام رسیدم، دیدم مولا صاحب الزمان علیه السلام راه می رود. صورتی نیکوتر و زبانی فصیح تر از زبان او ندیده بودم. خدمت امام عرض کردم: آقا این طفل دو ساله است! امام تبسمی نمود و فرمود: رشد فرزندان انبیا و اولیا که دارای منصب امامت و خلافت هستند، با دیگران فرق دارد. کودکان یک ماهه ما مانند بچه یک ساله می باشند، کودکان ما در شکم مادر حرف می زنند و قرآن می خوانند و در عالم خود، خدا را پرستش می کنند. در ایام شیرخوارگی، فرشتگان به پرستاری آنها می پردازند، و هر صبح و شام برای اطاعت فرمان آنها فرود می آیند. شیخ صدوق روایت کرده است که به میمنت این میلاد خجسته امام عسکری علیه السلام امر فرمود که ده هزار رطل^۱ نام و ده هزار رطل گوشت به عنوان عقیقه حضرت مهدی علیه السلام میان شیعیان و مستمندان تقسیم نمایند.

امام حسن عسکری علیه السلام برای این که شیعیان در ولادت حضرت حجّت علیه السلام و در وجود مبارک آن حضرت دچار شک و تردید نشوند، آن مولود مسعود را در مناسبتهای گوناگون در جمع شیعیان خالص و افراد مورد اعتماد حاضر می نمود، تا حضرت مهدی علیه السلام را

۱ - وزن و پیمانهای است که اندازه آن در شهرها مختلف است اما در بیشتر آنها برابر با ۸۴ مثقال است.

با چشم خود ببینند، و سخن دشمنان را درباره آن حضرت که همواره سعی می‌کردند و لادتش را انکار کنند، باور نکنند.

یکی از اصحاب امام عسکری علیه السلام^۱ می‌گوید: به محضر امام حسن عسکری علیه السلام شرفیاب شدم. امام بر فراز سگویی در صحن خانه نشسته بود و در کنار آن حضرت پرده‌ای آویخته بود. عرض نمودم: مولای من! صاحب این امر (بعد از شما) کیست؟ فرمود: پرده را کنار بزن، پرده را کنار زدم، کودکی بیرون آمد و روی زانوی پدر بزرگوارش نشست. امام علیه السلام خطاب به من فرمود:

این (فرزندم) صاحب این امر است، آن گاه خطاب به فرزند عزیزش فرمود: تا وقت تعیین شده، داخل خانه شو، حجت خدا در برابر دیدگان من وارد خانه شد. آن گاه امام علیه السلام خطاب به من فرمودند:

ای یعقوب! نگاه کن بین چه کسی در خانه هست؟ وارد شدم، اما کسی را در آن جا نیافتم؟

امام عسکری علیه السلام این گونه شیعیان را به غیبت حضرت بقیه الله علیه السلام تمرین می‌داد تا آنان را برای دوران غیبت امام مهدی علیه السلام آماده سازد. آن حضرت از آنها دوری می‌کرد، احکام شریعت را از پشت پرده برای شیعیان بیان می‌فرمود، هدیه‌ها و بخشش‌های خود را با

۱ - به نام یعقوب بن منقوش.

واسطه به مردم می‌رساند تا بدین گونه زمینه را برای غیبت فرزندش مهدی علیه السلام فراهم آورد. بیش از پنج سال از عمر بابرکت آن حجّت خدا نگذشته بود، که با شهادت پدر بزرگوارش امام حسن عسکری علیه السلام، مردم درباره ولادت وجود مقدّس حضرت مهدی علیه السلام دچار شک و تردید، و اختلاف شدند. تا این که حضرت بعد از نماز گزاردن بر پیکر مطهر پدر بزرگوارش حضرت عسکری علیه السلام و خاکسپاری آن حضرت بنا به حکمت الهی در برابر چشم همگان، به یکی از غرفه‌های بیت امامت بازگشت و همان گونه که خورشید در پس ابرها قرار می‌گیرد از نظرها نماند.

و از این جا غیبت صغرای امام عصر علیه السلام آغاز گردید و تا سال ۳۲۹ هـ ق ادامه داشت. در این مدت از طریق چهار وکیل^۱ خود با مردم ارتباط داشتند.

۱ - چهار وکیل (نایب) خاص حضرت به ترتیب عبارتند از:

عثمان بن سعید عمری، که در سال ۳۰۰ هـ ق وفات کرد.

محمد بن عثمان، پنج سال عهده‌دار نیابت خاص حضرت بود و در سال ۳۰۵ هـ ق درگذشت.

حسین بن روح نوبختی، در شعبان سال ۳۲۶ وفات کرد.

علی بن محمد سمری، که در نیمه شعبان ۳۲۹ وفات کرد.

لازم به ذکر است در بیشتر کتب به جای لفظ وکیل کلمه نایب به کار رفته است. در حالی که نایب امام معصوم، امام معصوم می‌تواند باشد نه غیر. بنابراین امام زمان علیه السلام آنها را با عنوان وکیل خود انتخاب کرده بود، نه نایب خود.

فرمان انتصاب این نواب از طرف وجود مقدس حضرت مهدی علیه السلام صادر می‌گشت، و آنان برای اثبات این مسئله برای شیعیان، هر کدام به اجازه حضرت، صاحب معجزه و دلیلی بودند، و هر کدام قبل از وفات خود، جانشین خویش را تعیین می‌نمودند. تا این که امام علیه السلام به وکیل چهارم خود چنین فرمودند: ای علی بن محمد سمیری! خداوند پاداش برادرانت را در مرگ تو بزرگ گرداند. چرا که تو تا شش روز دیگر رحلت خواهی کرد، پس به کارهای خود رسیدگی کن و هیچ کس را به عنوان جانشین خود وصیت ننما که غیبت کامل واقع شده، و من آشکار نمی‌شوم مگر بعد از اذن پروردگار عالم، و این بعد از گذشت زمانها، و قساوت دلها، و پر شدن زمین از ستم خواهد بود. به زودی در میان شیعیان کسانی پیدا می‌شوند که ادعا می‌کنند مرا دیده‌اند، آگاه باش که هر کس پیش از خروج سفیانی و صیحه آسمانی ادعا کند که مرا دیده است،^۱ دروغگو است و افترا می‌بندد. و لا حول و لا قوة الا بالله.^۲

بعد از وفات وکیل چهارم آن حضرت، دوران غیبت کبرای آغاز شد. این غیبت که از نیمه شعبان سال ۳۲۹ هـ ق شروع شد، تا فرا رسیدن روز موعود ادامه خواهد داشت.

۱ - براساس قرائن موجود در فرمان حضرت، معلوم می‌گردد که منظور از ادعای مشاهده و دیدن، ادعای ارتباط و یا نایب است.

۲ - بحار الانوار، ترجمه ج ۵۱، ص ۴۳۷.

حضرت مهدی علیه السلام دربارهٔ علت غیبت کبرای در نامهٔ خود به محمد بن عثمان چنین می نویسد:

... اما در مورد علت غیبت، خدای تبارک و تعالی می فرماید: (ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هرگز نپرسید از مسائلی که اگر فاش شود شما را اندوهگین سازد...) هر یک از پدران من، بیعتی از طاغوت‌های زمان به گردن داشت، ولی من به هنگامی ظهور خواهم نمود که بیعت احدی از طاغوت‌ها به گردنم نباشد.

و اما چگونگی بهره بردن مردم از من در زمان غیبتم، مانند استفاده از خورشید است، هنگامی که ابرهای تیره آن را بپوشاند. و من برای اهل زمین امان هستم، چنان که ستارگان، امان اهل آسمان هستند. در مورد چیزهایی که به شما سودی نخواهد داشت پرسش نکنید، و در مورد آنچه به شما بیان نشده، خود را به زحمت نیندازید، و در رابطه با تعجیل فرج، بسیار دعا کنید که فرج شما نیز به آن بسته است و سلام بر کسی که از هدایت پیروی کند.^۱

بدیهی است این تشبیه حضرت ولی عصر علیه السلام از غیبت خود به خورشید در پشت ابر معنای دقیقی دارد، که استفاده و بهره‌های ما را از آن خورشید فروزان در دوران غیبت بیان می‌کند.^۲

۱ - مجموعه فرمایشات حضرت بقیه الله علیه السلام، ص ۱۲۰، محمد خادمی شیرازی.

۲ - زیرا خورشید فایده‌های فراوانی دارد که حتی هنگام نمان شدن در پشت ابرهای تیره نیز این فایده به ما و همهٔ جانداران می‌رسد، به گونه‌ای که همهٔ موجودات زندهٔ جهان به نور و حررات آن نیاز دارند، اگر چه در پشت ابر باشد.

وجود مبارک امام زمان علیه السلام نیز چنین است که خود در پشت پرده غیبت نهان است، ولی در جمع ما حاضر و ناظر است و ما را هدایت می‌کند و برای اشتباهات ما طلب آمرزش می‌کند، رفع گرفتاریها را از خدا می‌خواهد و به برکت دعاهاى او بسیاری از بلاها دفع می‌شود و به یمن وجود مبارکش مشمول عنایات حضرت حق قرار می‌گیریم، اگرچه از دیده‌ها پوشیده است.

خدایا از تو می‌خواهیم ولّی امرت را آشکارا به ما بنمایانی در حالی که فرمانش جهان را مسخر ساخته، و ما را از آنانی قرار ده که به دیدار حضرتش چشمشان روشنی یافته است و ما را به خدمتش بگمار، و بر آیین او بمیران، و ما را در زمرة یاران او به محشر آور.

معرفت خود را نسبت به امام زمان علیه السلام بیشتر کنیم

هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است.^۱ روایات زیادی از معصومین علیهم السلام در اهمیت شناخت و معرفت نسبت به امام و پیشوایان زمان وارد شده است، به گونه‌ای که بعضی از روایات کسب معرفت را شرط پذیرش عبادات می‌دانند. همان گونه که امام صادق علیه السلام در بیان آیه **وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فِدْعُوهُ بِهَا،** فرمود: به خدا قسم! ما آن اسماء حسناى الهى هستیم که خداوند هیچ عملی را از بندگان نمی‌پذیرد، مگر با شناخت و معرفت ما.^۲

امام باقر علیه السلام نیز در همین زمینه می‌فرمایند: به خدا سوگند! اگر کسی از شرک توبه کند، و به خداوند در روز قیامت ایمان بیاورد، و اعمال شایسته انجام دهد، اما به ولایت و محبت و شناختن فضل ما

۱- اصول کافی، ج ۱، ص ۲۷۱ و ۲۷۷. ۲- ترجمه مکیال المکارم، ج ۱، ص ۲۱.

هدایت نیابد، آنها هیچ فایده‌ای به او نمی‌بخشد.^۱
 سلیم بن قیس از امیر مؤمنان علی علیه السلام پرسید:
 کمتر چیزی که آدمی به آن گمراه می‌شود چیست؟
 حضرت فرمودند: آن است که نشناسد کسی را که خداوند
 اطاعت او را امر کرده، ولایت و محبت او را واجب گردانیده، او را
 حجت خود در زمین قرار داده، و گواه خود بر خلق نموده است، و
 فرمودند: کسانی هستند که خداوند اطاعت آنها را مقرون به اطاعت
 خود و پیغمبرش نموده، و فرموده است: اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و
 اولی الامر منکم.^۲

پس سلیم سر مبارک حضرت را بوسید و گفت: برای من (مطلب)
 را واضح کردی، و غم از دل من برداشتی، و هر شگی که در دل من
 بود برطرف نمودی.^۳

نکته بسیار مهمی که باید به آن توجه داشت این است که شناخت
 و معرفت نسبت به حجت خدا جز با عنایت خداوند حاصل نمی‌شود،
 لذا باید از درگاه الهی توفیق شناخت و معرفت امام زمان علیه السلام را
 درخواست کنیم، همان گونه که در دعایی که خواندن آن نیز در
 عصر غیبت تأکید شده است آمده است:

اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ رَسُولَكَ

۱- امالی شیخ طوسی، ص ۲۵۹. ۲- نساء/ ۵۹.

۳- معانی الاخبار، ص ۳۹۲.

اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِن لَّمْ تُعَرِّفَنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ
 اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِن لَّمْ تُعَرِّفَنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي اللَّهُمَّ
 لَا تُمِثَّنِي مِثَّةَ جَاهِلِيَّةٍ وَلَا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي...^۱

بار الها! خودت را به من بشناسان که اگر خود را به من
 نشناسانی، پیغمبرت را نخواهم شناخت، پروردگارا! پیغمبرت را به
 من بشناسان که اگر پیغمبرت را به من نشناسانی، حجت تو را
 نخواهم شناخت.

بارها! حجت خود را به من بشناسان که اگر حجت را به من
 نشناسانی، از دینم گمراه می‌گردم.

خداوندا! مرا به مرگ جاهلیت نمیران و دلم را (از حق) پس از آن
 که هدایت فرمودی، منحرف مگردان.

از آن جا که همه ائمه علیهم السلام نور واحد هستند، بدون تردید همچنین
 است اظهار محبت نسبت به مولایمان حضرت صاحب الزمان علیه السلام،
 پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرمایند:

هر کس از روی معرفت به رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام، امام
 قائم علیه السلام را دوست بدارد، خداوند او را از هر فتنه‌ای حفظ نماید و در
 بهشت بر او باز خواهد بود و مثل او در آسمان، مثل ماه نورانی
 است و مثل او در زمین مثل مشک است که عطر آن هیچ از بین

۱ - مفاتیح الجنان، دعا در غیبت امام زمان علیه السلام.

نمی‌رود.^۱

از طرفی یکی از دستوراتی که خداوند متعال نیز به آن سفارش نموده است و آن را اجر رسالت و زحمات طاقت‌فرسای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌داند، موَدّت و دوستی نسبت به خاندانش است، می‌فرماید: قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ^۲
بگو (ای پیامبر) من از شما مزدی برای رسالت نمی‌خواهم مگر موَدّت و دوستی خاندانم.

بنابراین دوستی و موَدّت اهل بیت علیهم السلام تکلیف و وظیفه شرعی است، بدین معنا که دوستی با خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله بر همه واجب است. تفسیر قمی در معنای موَدّت و اجر رسالت چنین می‌نویسد: اجر نبوت آن است که آنان (یعنی خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله) را اذیت نکنید، حق آنها را به ناحق نگیرید، با آنان پیوند و ارتباط داشته باشید، و عهد و پیمان الهی را در حق آنها نشکنید.^۳

۱ - کمال‌الدین، ج ۱، ص ۲۶۸ - ذیل حدیث ۱۱، باب ۲۴.

۲ - تفسیر قمی، ج ۲، ص ۵۰۷.

۳ - شوری/۲۳.

همیشه و در همهٔ امور به امام زمان علیه السلام توسل جوییم

کجاست آن درگاه الهی که از آن به حریم خدا درآیند.^۱
کجاست آن وسیله‌ای که فیوضات آسمان را به اهل زمین
می‌رساند؟^۲ همان گونه که در این فقرات از دعای ندبه مشاهده
می‌شود، ولی زمان حضرت صاحب‌الزمان علیه السلام هم واسطهٔ رساندن
فیض‌ها و برکات الهی به موجودات و انسانها است؛ و هم درگاهی
است که باید از آن به پیشگاه پروردگار وارد شد.

او اسم الله است که بنا به گفتهٔ قرآن کریم باید به آن متوسل شد.

فرمود: **وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا**^۳

برای خداوند نامهای نیکی است او را به آن نامها بخوانید.

امام رضا علیه السلام در مورد آیهٔ مذکور می‌فرمایند:

۱- **أَبْنُ بَابِ الَّذِي مِنْهُ يُؤْتَىٰ.**

۲- **أَيُّنَ السَّبَبِ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ.**

۳- **اعراف / ۱۸۰.**

هر گاه سختی و گرفتاری به شما روی آورد، به وسیله ما از خدای عزوجل کمک بخواهید، این است معنای آیه شریفه^۱.

همانا خدای عزوجل می فرماید: ای بندگان من! آیا چنین نیست که هر کس حاجت‌های بزرگی از شما بخواهد آنها را برای او برآورده نمی‌سازید، مگر این که به وسیله محبوب‌ترین افراد نزد شما واسطه بیاورد، که آن حاجت را به احترام شفاعت کننده برایش برآورید؟

توجه کنید و بدانید که گرامی‌ترین و برترین مخلوق نزد من، محمد صلی الله علیه و آله و برادر او علی علیه السلام و بعد از او امامانی هستند که به سوی من وسیله هستند. همانا هر کس حاجتی برایش اهمیت دارد که نفع آن را می‌خواهد یا حادثه‌ای بزرگ بر او پیدا شده که می‌خواهد ضرر آن از او دفع شود، باید مرا به (وسیله) محمد صلی الله علیه و آله و خاندان معصوم او بخواند تا این که حاجت او را برآورده سازم، بهتر از کسی که عزیزترین کسانش را نزد او شفیع می‌برید و آن را بر می‌آورد.^۲

یکی از استغاثه‌های به امام زمان علیه السلام دعایی است که خود حضرت به ابوالحسن محمد بن احمد بن ابی‌اللیث در خواب تعلیم نموده است. ابوالحسن (مذکور) از ترس کشته شدن به قبرستان قریش گریخته بود که آن حضرت این دعا را به ایشان تعلیم نمودند و به برکت این دعا از کشته شدن نجات یافت. متن دعا این است:

۱- ترجمه مکیال المکارم، ج ۲، ص ۲۲۸۵- ترجمه مکیال المکارم، ج ۲، ص ۲۸۵.

اللَّهُمَّ عَظْمَ الْبَلَاءِ وَ بَرِحَ الْخَفَاءِ وَ انْقَطَعَ الرَّجَاءُ وَ انكشَفَ الْغَطَاءُ وَ ضَاقَتِ الْأَرْضُ وَ مُنِعَتِ السَّمَاءُ وَ إِلَيْكَ يَا رَبَّ الْمُشْتَكِي وَ عَلَيْكَ الْمَعْوَلُ فِي الشَّدَّةِ وَالرَّخَاءِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أَوْلَى الْأَمْرِ الَّذِينَ فَرضتَ عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ فَعَرَفْتَنَا بِذَلِكَ مَنزِلَتَهُمْ فَفَرِّجْ عَنَّا بِحَقِّهِمْ فَرجاً عاجلاً قريباً كلِّمَحِ الْبَصَرَ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ اكْفِيَانِي فَإِنكُمَا كَافِيَانِ وَ انصُرَانِي فَإِنكُمَا نَاصِرَانِ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ الْغَوْثَ الْغَوْثَ الْغَوْثَ أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي.

همچنین در استغاثه به امام زمان علیه السلام این دعا که بسیار مجرب است وارد شده است: یا صاحب الزمان ادرکنی ولا تهلکنی.^۱
در کتاب شریف کافی از امام صادق علیه السلام روایات متعددی ذکر شده است که عهد الهی ولایت علی علیه السلام و امامان بعد از او است، آن حضرت می فرماید:

.... ما عهد الهی هستیم، پس هر که به پیمان ما وفا کند، عهد الهی را وفا نموده و هر کس آن را بشکند، حرمت عهد الهی را شکسته است.^۲

صاحب کتاب مکیال المکارم می گوید:

وفای به عهد با شش امر تحقق پیدا می کند:

۱- یقین قلبی به امامت و ولایت ائمه علیهم السلام و تسلیم در برابر آنچه از

۱- دارالسلام، ص ۳۱۶، در باب کسانی که حضرت را دیده و شناخته اند.

۲- کافی، ج ۱، ص ۲۲۱.

آنها وارد شده است.

۲- موَدّت قلبی نسبت به آنان

۳- بغض نسبت به دشمنان آنها

۴- اطاعت و پیروی از آنان در تمام اوامر و نواهی

۵- اظهار اعتقاد قلبی به آنان، به وسیله زبان و اعضای بدن

۶- یاری کردن آنها در هر حال.^۱

دعاهای مشهوری که جهت تجدید پیمان با مولایمان حضرت

صاحب الزّمان علیه السلام وارد شده است عبارتند از:

۱- دعای عهد (اللهم رب النور العظیم...)^۲

۲- زیارتی که هر روز بعد از نماز صبح خوانده می شود (اللهم

بلغ مولای صاحب الزّمان...)^۳

۱- ترجمه مکیال المکارم، ج ۱، ص ۲۵۶-۲. زادالمعاد، ص ۲۸۹، مفاتیح الجنان.

۳- مفاتیح الجنان، زیارتی که بعد از دعای ندبه آورده شده است.

در نصرت و یاری امام زمان عجل الله فرجه بکوشیم

مرا به پرهیزکاری، کوشش، پاکدامنی و درستکاری یاری کنید.^۱ همان‌گونه که امیرمؤمنان علی علیه السلام از یاران و دوستداران خود می‌خواهد او را به پرهیزکاری و دوری از کارهای ناشایست یاری نمایند، شیعیان و محبتین مهدی موعود عجل الله فرجه نیز باید با تهذیب نفس و آرایش خود به اخلاق نیکو، آن حضرت را یاری کنند. چنانچه امام صادق علیه السلام نیز به این امر تصریح کرده است، می‌فرماید:

هر کس دوست دارد از یاران حضرت قائم عجل الله فرجه باشد، باید که منتظر باشد و در این حال به پرهیزکاری و اخلاق نیکو رفتار نماید. پس چنانچه بمیرد و پس از مردنش حضرت قائم عجل الله فرجه به پا خیزد، پاداش او مانند کسی است که آن حضرت را درک نموده است. پس کوشش کنید، و در انتظار بمانید، گوارا باد شما را ای شامل شوندگان رحمت خداوند!^۲

۱ - نهج البلاغه فیض الاسلام، نامه ۲۲۵ - کافی، ج ۱، ص ۲۰۰.

هر روز به نیابت از امام زمان علیه السلام صدقه بدهیم

یکی از اموری که علمای شیعه به آن بسیار تأکید کرده‌اند، صدقه دادن به نیابت از امام زمان علیه السلام به جهت سلامتی وجود مقدّس آن حضرت است، و آن را به عنوان یکی از وظایف شیعیان در زمان غیبت آن حضرت به شمار می‌آورند.

چنانچه یکی از وصایای سید بن طاووس رحمة الله علیه به فرزندش (محمد) همین موضوع بوده است. ایشان فرموده است: ... و ابتدا کن (یعنی روز خود را آغاز کن) به صدقه دادن برای آن حضرت قبل از این که برای خودت و عزیزانت صدقه بدهی.^۱

تردیدی نیست که امامان معصوم علیهم السلام به مقتضای وضع انسانی خود و به عبارتی از این جهت که آنها نیز از نوع بشر هستند به بیماریها، غمها و اندوهها مبتلا می‌شوند که برای رفع آنها وسایلی

۱ - سید جعفر رفیعی، امام زمان و سید بن طاووس، ص ۱۱۰.

وجود دارد. از مهمترین وسایلی که بلا و گرفتاریها را رفع می‌کند صدقه است. بنابراین قصد ما از صدقه به نیابت امام زمان علیه السلام سلامتی وجود مقدّس آن حضرت از هر بلایی است. وجود اقدسی که اصلاح تمام امور دنیوی و اخروی ما به دست او و متوقف به سلامتی وجود مبارکش می‌باشد. ما با صدقه دادن علاوه بر این که محبت و علاقه خود را نسبت به آن حضرت ابراز می‌کنیم، از طرف دیگر نیز نفوسمان را پاک و پاکیزه می‌سازیم. چرا که صدقه یکی از عوامل سازنده انسان نیز به شمار می‌آید. همان گونه که خداوند عزّوجلّ می‌فرماید: ای رسول ما! تو از مؤمنان صدقات را دریافت کن تا بدین وسیله نفس آنها را پاک و پاکیزه سازی.^۱

در همه حال برای تعجیل در فرج حضرت دعا کنیم

به درستی که دعا، قضا را بر می‌گرداند و پیچیدگی آن را باز می‌کند، چنان که رشته تابیده شده نخ، باز شود، هر چند که محکم تابیده شده باشد.^۲

امام زمان علیه السلام خود نیز به شیعیان تأکید زیادی جهت دعا کردن در امر فرجشان نموده‌اند، در توقیع شریفی که از آن حضرت روایت شده چنین آمده است: برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید به درستی

که در این دعا فرج شما می باشد.^۱

امام صادق علیه السلام فرمودند:

شما هم مثل بنی اسرائیل در درگاه خداوند عاجزانه به گریه و زاری بپردازید، خداوند فرج ما را نزدیک خواهد کرد. اما اگر چنین نباشد، این سختی تا پایان مدتش ادامه خواهد داشت.^۲

در احیای امر امام زمان علیه السلام بین دوستانش بکوشیم

یکی از راههای احیای امر حضرت بقیة الله علیه السلام اشاعه چیزهایی است که به معرفت و شناسایی امر امامت و ولایت ایشان بیانجامد، و نیز بیان فضایل، مناقب و معارف آن حضرت به طرق مختلف. به عنوان مثال تألیف کتاب، می تواند تا حدودی در این مسیر مفید واقع شود. همان گونه که امام صادق علیه السلام می فرماید: دل (و قلب انسان) به نوشته اطمینان حاصل می کند.^۳

و در جای دیگر به مفضل می فرماید:

بنویس و علم خود را در میان دوستان منتشر ساز و چون مرگت فرارسد، آنها را به پسرانت میراث ده، برای مردم زمان فتنه و آشوب می رسد که آن هنگام جز با کتاب انس نگیرند.^۴

۱- احتجاج طبرسی، ص ۴۷۱. ۲- ترجمه مکیال المکارم، ج ۱، ص ۴۴۱.

۳- ترجمه کافی، ج ۱، نشر فرهنگ اهل البيت علیهم السلام، ص ۶۷.

۴- همان، ص ۶۷.

بنابراین تألیفات گوناگون، مدیحه سرایی در قالب قصیده و شعر، برپا کردن مجالس به طور کلی هر امری که به گونه‌ای موجب شناخت امر ولایت امام زمان علیه السلام گردد، راهی جهت احیای امر آن حضرت محسوب می‌گردد.

روایات زیادی جهت تأکید و فضیلت احیای امر ائمه علیهم السلام وارد شده است. امام صادق علیه السلام در این زمینه می‌فرماید:
ای فضیل بن یسار! آیا می‌نشینید و با هم در امر ما اهل بیت حدیث می‌کنید؟

ایشان عرض کرد: بلی، فدایت شوم.
امام فرمودند: همانا من این مجالس را دوست دارم، احیا کنید امر ما را. خدایش رحمت کند هر که امر ما را احیای کند.^۱

امام رضا علیه السلام نیز می‌فرمایند:
هر کس در مجلسی که امر ما احیا می‌شود بنشیند، دلش نمی‌میرد روزی که دلها می‌میرد.^۲

برای مظلومیت و مفارقت از حضرت ندبه سر دهیم

بلبل این شور و نوایی که به بستان دارد
در نهاد آتش عشقی است که سوزان دارد

حزن و اندوه شیعه برای امام زمان علیه السلام یا به جهت محبت قلبی و باطنی اش نسبت به آن حضرت است، که در اثر این محبت شدید برای جدایی و مظلومیت و مصیبت‌های آن حضرت که بی حد و اندازه است، گریان می‌شود، یا اندوه و اشکش به علت مشاهده فتنه‌های بسیار و بدعت‌هایی است که در دین خدا صورت گرفته، و نیز هتک حرمت‌هایی که به اهل حق و اولیای الهی وارد شده است. چنین حزن و اندوه و ندبه‌ای در پیشگاه خداوند فضیلت بسیار دارد. همان گونه که امام صادق علیه السلام در این زمینه می‌فرمایند:

هر کس دل او برای ما به درد بیاید، پس در وقت مردن او، خداوند فرح و خوشحالی به قلبش عطا فرماید که در قبر و در طول برزخ و جمیع مواقع قیامت، فرحناک و خوشحال باشد تا کنار حوض کوثر

بیاید و از آن بیاشامد.^۱

در جای دیگر می فرماید: کسی که برای ما مهموم و غمگین باشد و به سبب مظلومی ما دلگیر باشد، نفس کشیدن او ثواب تسبیح دارد.^۲

یکی از دلایل مظلومیت امام زمان علیه السلام از سیاق روایتی که امام حسین علیه السلام بیان کرده است، فهمیده می شود. آن حضرت می فرماید: قائم علیه السلام این امت، نهمین فرزند، از فرزندان من است، و اوست صاحب غیبت، و او کسی است که در حالی که زنده است، میراثش تقسیم می گردد.^۳

همواره منتظر قدوم مبارک حضرت باشیم

انتظار فرج که عبارت از ایمان استوار به امامت و ولایت ولی عصر علیه السلام است، همه اعتقادهای اساسی انسان اعم از توحید، نبوت و پیشوایی امامان معصوم علیهم السلام را در بر می گیرد. بر این اساس انتظار فرج شرط قبولی اعمال محسوب می شود. روایات بسیاری به این امر تصریح کرده اند، از جمله: امام صادق علیه السلام به اصحاب خود می فرماید: آیا شما را خبر ندهم به آنچه خدای عزوجل هیچ عملی را جز به آن از بندگان نمی پذیرد؟ گفتند: چرا. فرمود: شهادت به لا اله

۲- اصول کافی، ج ۳، ص ۳۲۰.

۱- بحار، ج ۸، ص ۲۲.

۳- ترجمه مکیال المکارم، ج ۱، ص ۱۴۴.

إِلَّا اللَّهُ، و این که محمد صلی الله علیه و آله بنده و رسول اوست، و اقرار به آنچه خداوند به آن امر فرموده، و ولایت ما امامان، و بیزاری از دشمنان ما، و تسلیم در برابر ما امامان، و پرهیزگاری، کوشش و اطمینان، و انتظار قائم علیه السلام.^۱

انتظار فرج از تمام مستحبات و اعمال صالحه در نزد خداوند دوست داشتنی تر است. همان گونه که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ^۲ محبوب ترین و خوشایندترین اعمال نزد خداوند انتظار برای فرج (مهدی علیه السلام) است. البته باید گفت که انتظار فرج تنها ابراز به زبان نیست، بلکه کیفیتی نفسانی است، یعنی تا وقتی در اعماق جان انسان، شوق دیدار امام زمان (ارواحنا فداه) و آن حالت چشم به راهی نباشد، اظهار انتظار با زبان، سودی ندارد. به قول شاعر: آب کم جو، تشنگی آور بدست، سید بن طاووس رحمة الله علیه در این زمینه می گوید: من به شخصی که به شدت اظهار علاقه و شوق به ظهور آن حضرت می نمود، گفتم: اگر امام زمان علیه السلام پیغام دهد که از ناحیه پدرانم از رسول صلی الله علیه و آله به من خبر رسیده که هر زمان ظهور کنم به مجرد آن که تو مرا ببینی خواهی مُرد، اما اگر ظهور من به تأخیر افتد، بیست سال با خوشی و خرمی در کنار خانواده زندگی خواهی کرد، آیا

۱ - کافی، کتاب غیبت، ص ۲۰۰. ۲ - بحار، ج ۵۲، ص ۲۵.

برای ظهور امام عجل الله ترجیح نمی‌دهی حیات فانی را فدا کنی؟
 بنابراین انسان باید امر ظهور حضرت را بر هر خواسته‌ای مقدم
 بدارد، و در عمل نیز نشان دهد از منتظرین واقعی حضرت است.

وعدۀ دیدار

غم مخور ایام هجران رو به پایان می‌رود
 این خماری از سر ما می‌گساران می‌رود
 پرده را از روی ماه خویش بالا می‌زند
 غمزه را سر می‌دهد غم از دل و جان می‌رود
 بلبل اندر شاخسار گل هویدا می‌شود
 زاغ با صد شرمساری از گلستان می‌رود
 محفل از نور رخ او نورافشان می‌شود
 هر چه غیر از ذکر یار از یاد رندان می‌رود
 ابرها از نور خورشید رخس پنهان شوند
 پرده از رخسار آن سرو خرامان می‌رود
 وعدۀ دیدار نزدیک است یاران مژده باد
 روز وصلش می‌رسد، ایام هجران می‌رود

امام مهدی علیه السلام در قرآن

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ، مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ، أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ
الصَّالِحُونَ»^۱

ما در زبور داوود، از پس ذکر (تورات)، نوشته‌ایم که سرانجام،
زمین را بندگان شایسته ما به ارث می‌برند (و بر همه کسره زمین
حاکم می‌شوند).

طبق فرموده پیشوای پنجم حضرت امام محمد باقر علیه السلام، این
بنندگان شایسته که وارثان زمین شوند، اصحاب مهدی علیه السلام در
آخر الزمان هستند.^۲

۲- تفسیر مجمع البیان، ج ۷، ص ۶۶

۱- انبیاء/۱۰۵.

امام مهدی علیه السلام در سخن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

... خداوند از فرزندان حسین علیه السلام امامانی قرار داده است که راه و روش و آیین مرا برپا می‌دارند. نهمین آنان قائم خاندان من (مهدی علیه السلام) امتم می‌باشد.

او شبیه‌ترین مردمان به من، در سیما و گفتار و کردار است. پس از غیبتی طولانی و سرگردانی و سردرگمی مردم، ظاهر می‌شود. آن گاه آیین خدا را آشکار می‌سازد... پس زمین را از عدل و داد پُر می‌کند، پس از آن که از ستم و بیداد لبریز شده باشد.^۱

امام مهدی علیه السلام در سخن فاطمه علیها السلام

جابر می‌گوید:

خدمت حضرت فاطمه علیها السلام رفتم، لوحی نزد آن بانو نهاده بود که در آن نامهای امامان نوشته شده بود، از آن جمله دربارهٔ دوازدهمین امام چنین آمده بود:

«پس از امام یازدهمین (امام حسن عسکری علیه السلام) راه امامت را کامل می‌کنم با فرزندش که رحمت برای همهٔ جهانیان است. او (امام دوازدهم) دارای کمال موسی علیه السلام و شکوه عیسی علیه السلام و شکیبایی

ایوب علیه السلام است... در زمان (غیبت) این امام، دوستان من (دینداران راستین) به مشکلات گرفتار شوند...
 آنان به حق دوستان منند (چون در دینداری پایداری می‌کنند)
 درود و رحمت خداوند بر آنان باد. آنان (مردمان در دوران غیبت) هدایت شدگان و راه یافتگانند.»

امام مهدی علیه السلام در سخن امامان علیهم السلام

۱- امام علی علیه السلام:

اصبغ نباته که از شاگردان و یاران آن حضرت است می‌گوید:
 روزی نزد امیرمؤمنان علیه السلام رفتم، دیدم در فکر فرو رفته است و با انگشت بر زمین خط می‌کشد. گفتم: ای امیرمؤمنان! چه شده است که در فکر فرو رفتید؟...

امام فرمودند: «به مولودی می‌اندیشم که از نسل من است و او (مهدی علیه السلام) است که زمین را از عدل و داد پُر می‌کند، پس از آن که از ستم و بیداد پُر و لبریز شده باشد...»^۱

۲- امام حسن علیه السلام:

«... (امام) قائم که (هنگام ظهورش)، حضرت عیسی علیه السلام از آسمان،

فرود می آید و پشت سر او نماز می گزارد...
 تولدش از مردمان پنهان است و از چشمها غایب می شود..
 او نهمین فرزند برادرم حسین علیه السلام است و فرزند بهترین زنان.
 عمری طولانی دارد و خداوند او را (در زمین) آشکار می سازد در
 سیمای انسانی چهل ساله، تا همگان بدانند که خداوند بر هر کاری
 قادر است.»^۱

۳- امام حسین علیه السلام:

«اگر از دنیا یک روز (بیشتر) باقی نمانده باشد، خداوند آن روز را
 دراز گرداند، تا مردی از فرزندان من قیام نماید و زمین را از عدل و
 داد لبریز کند، پس از آن که از ستم و ظلم پُر شده باشد. این چنین از
 پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم.»^۲

۴- امام سجاده علیه السلام:

بی تردید، مردم زمان غیبت مهدی علیه السلام، که امامت او را باور دارند
 و منتظر ظهور اویند، از مردمان دیگر زمانها برترند، چون خدای
 بزرگ به آنان عقل و درک و فهمی داده است که غیبت برایشان چون
 ظهور است، خداوند آنان را در آن زمان، همپایه مجاهدان
 شمشیرزن زمان پیامبر صلی الله علیه و آله قرار داده است و اینانند اخلاص

۲- همان، ج ۱، ص ۳۱۸.

۱- کمال الدین، ج ۱، ص ۳۱۶.

گزاران واقعی، و شیعیان راستین ما، و دعوت کنندگان مردم به خدا
(و به دین خدا)، آشکار و پنهان.^۱

۵- امام باقر علیه السلام:

محمد بن مسلم (از شاگردان امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام)
می گوید: از امام باقر علیه السلام درباره قائم پرسیدم که هر گاه قیام کند چه
روشی در پیش می گیرد؟

امام فرمودند: «روش پیامبر صلی الله علیه و آله تا اسلام را حاکم سازد.»

گفتم: روش پیامبر صلی الله علیه و آله چه بود؟ امام فرمودند:

«آنچه در (نظامها و آیین) جاهلیت بود باطل کرد، و عدالت میان
مردمان حاکم ساخت. و چنین است (امام) قائم علیه السلام آن گاه که قیام
کند آنچه را (از راه و روشها میان مردم) در زمان پیش از ظهور رایج
بوده است، زیر پا می نهد و آیین دادگری را برپا می دارد.»^۲

۶- امام صادق علیه السلام:

«کسانی که در حالت انتظار دولت قائم علیه السلام، از جهان درگذرند،
مانند کسانی اند که در خدمت (امام) قائم باشند.» امام، پس از این
سخن مکثی کرد، سپس گفت: «بلکه مانند کسانی اند که در رکاب
(امام) مهدی علیه السلام شمشیر زده باشند.» سپس فرمود:

۲- تهذیب، ج ۶، ص ۱۵۴.

۱- منتخب الاثر، ص ۲۴۴.

«نه به خدا سوگند، اینان مانند آن کسانی هستند که در خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله به شهادت رسیده باشند.»^۱

چشم به راه امر (قیام و انقلاب) امام خود باش، در هر شب و هر روز، زیرا که خدا در هر روز کاری کند و کاری، او را از کاری دیگر باز ندارد...»^۲

۷- امام کاظم علیه السلام:

«... خداوند برای دوازدهمین (امام) از خاندان ما هر دشواری را آسان می گرداند، و به دست او هر جبار و زورگویی سرسختی نابود می شود، و هر شیطان سرکشی نابود می گردد.»^۳

۸- امام رضا علیه السلام:

دِعْبِلُ خُرَاعِي (شاعر نامدار شیعی) می گوید:
قصیده خود را در حضور امام رضا علیه السلام خواندم،
چون به این شعرها رسیدم: امامی از آل محمد صلی الله علیه و آله به یقین،
خروج خواهد کرد، او به تأیید اسم اعظم الهی و برکت نصر آسمانی
به پا می خیزد، و حق و باطل را از هم جدا می کند و همه را بر
شادخواری ها و کین تیزی ها کیفر می دهد.

(در این هنگام) امام رضا علیه السلام به شدت گریست، آن گاه فرمود: «ای

۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۶. ۲- مکیال المکارم، ج ۲، ص ۱۵۷.

۳- کمال الدین، ج ۲، ص ۳۶۹.

دِعْبَل! رُوْحُ الْقُدُسْ به زبان تو سخن گفته است. آیا می دانی این امام چه کسی خواهد بود؟ گفتم: نه شخص او را نمی شناسم، لیکن شنیده‌ام که امامی از شما خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله خروج می کند و زمین را از عدل و داد لبریز می سازد.

امام رضا علیه السلام فرمودند: «پس از من فرزندانم محمدجواد علیه السلام امام است. پس از محمد فرزندانش علی علیه السلام، امام است پس از علی (هادی) فرزندانش حسن علیه السلام امام است و پس از حسن (عسکری)، فرزندانش، حجت قائم علیه السلام خواهد بود.

«اوست که در زمان غیبت (مردمان) چشم به راه اویند، و در زمان ظهور همه مطیع او گردند، او زمین را پر از عدل و داد می کند، پس از آن که پر از ظلم و ستم شده باشد.»^۱

۹- امام جواد علیه السلام:

عبدالعظیم حسنی (که از یاران آن امام است) می گوید: به امام جواد علیه السلام گفتم: امیدوارم شما قائم خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله باشی که زمین را از عدل و داد آکنده می کند... امام فرمودند:

«همه ما قائم به امر خدای بزرگیم... لیکن آن قائمی که خداوند به دست او زمین را از کافران و منکران پاک می گرداند و سراسر گیتی را از عدالت سرشار می سازد، او کسی است که تولدش از مردم

پنهان خواهد بود و خود او از چشمها غایب می شود...»^۱

۱۰- امام هادی علیه السلام:

«امام پس از من، فرزندانم حسن علیه السلام است و پس از حسن فرزندش (امام) قائم علیه السلام است که زمین را از عدل و داد پُر می کند، پس از آن که از ظلم و بیداد لبریز شده باشد.»^۲

۱۱- امام حسن عسکری علیه السلام:

«سپاس خدایی را که پیش از مرگم جانشینم را به من نمایاند، جانشینی که شبیه ترین انسانها در خلقت و اخلاق، به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است، خداوند او را در دوران غیبت (از بلاها) حفظ می کند، سپس او را آشکار می سازد. او سراسر زمین را از عدالت پُر می کند، پس از این که از ظلم و ستم لبریز شده باشد.»^۳

«روزی همه عالمیان، دست برادری و مساوات به هم خواهند داد و آن روز است که بدبختی و تیره روزی بر عرصه جهان یافت نخواهد شد.»^۴

۲- همان، ج ۲، ص ۳۸۳.

۱- کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۸.

۳- همان، ج ۲، ص ۴۰۹.

۴- ویکتور هوگو: بینوایان، ج ۱، ص ۸۸: ترجمه حسینی مستعان.

۱- عدالت اجتماعی

امام صادق علیه السلام:

مهدی علیه السلام، عدالت را، همچنان که سرما و گرما وارد خانه می شود، وارد خانه های مردمان می کند، و دادگری او همه جا را فرا می گیرد.^۱ گسترش عدالت در سراسر جهان و ریشه کنی بیداد از همه آبادیهای زمین، از نخستین برنامه های انقلاب امام مهدی علیه السلام می باشد و از هدفهای اصلی آن امام بزرگ و نجات بخش است. این موضوع در بشارتها و احادیثی که درباره آن حضرت رسیده، خیلی روشن یاد شده است.

۲- در سایه شمشیر

امام باقر علیه السلام:

... قائم آل محمد صلی الله علیه و آله شباهتهایی با پنج تن از پیامبران دارد. اما شباهت او به جدّ خود (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله) قیام با شمشیر است و کشتن دشمنان خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله، و جباران و سرکشان...^۲ از کارهای حتمی امام موعود علیه السلام جنگ با تمام انسانهای ظالم و خون آشام است.

۲- کمال الدین، ج ۱، ص ۲۲۷.

۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۲.

۳- یک دین و یک آیین

امام صادق علیه السلام:

... مفضل! سوگند به خدا، (امام قائم علیه السلام) از میان ملتها و آیینها اختلاف را بر می دارد، و یک دین بر همه حاکم می گردد...»^۱

۴- رفاه اقتصادی و بهبود زندگی

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله:

در امت من مهدی علیه السلام قیام کند... و در زمان او مردم به نعمتهایی دست می یابند که در هیچ زمانی دست نیافته باشند.
(همه) نیکوکار و بدکار، آسمان بر آنان بیارد و زمین چیزی از رویدنیهای خود را پنهان ندارد.^۲
از برنامه ها و اقدامهای امام مهدی علیه السلام، پدید آوردن رفاه و آسایش در کل جامعه بشری است.
در این دوران، جامعه بشری واحدی تشکیل می گردد که در آن همه مانند خانواده ای در کنار هم زندگی می کنند.

۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۴.

۲- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۸.

۵- مساوات و برابری

امام باقر علیه السلام:

امام قائم علیه السلام (اموال را) برابر تقسیم می کند و میان (همه) مردم نیکوکار و بدکار به عدالت رفتار می نماید...^۱

یکی از برنامه های امام مهدی علیه السلام اجرای اصل مساوات است.

اسلام دین مساوات و برابری است، مساوات در مسائل

گوناگون و زمینه های مختلف، تا جایی که اسلام به دین مساوات

مشهور شده است.

امام مهدی علیه السلام این برابریها و مساوات را در جامعه بشری اجرا

خواهد کرد.

۶- حاکمیت فراگیر جهانی

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله:

... سوگند به آن که مرا به حق به پیامبری برانگیخت، اگر از دنیا

جز یک روز باقی نماند، آن روز را خداوند می گستراند تا فرزندانم

مهدی علیه السلام قیام کند، پهنه زمین به نور او روشن گردد و حکومت او

شرق و غرب گیتی را فراگیرد.^۲

از برنامه های امام مهدی علیه السلام حکومت فراگیر جهانی است، که در

۲- کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۰.

۱- بحار الانوار، ج ۵، ص ۲۹.

آن همه جوامع از یک مرکز پیروی می‌کنند و با یک سیاست و برنامه اداره می‌شوند. در آن دوران جامعه بزرگ بشری و خانواده انسانی تشکیل می‌شود، و دوستی و محبت سراسر آبادی‌ها را فرا می‌گیرد، و آرزوی همه پیامبران، امامان و مصلحان و انسان دوستان تمام دوران تاریخ برآورده می‌شود.

۷- حکومت مستضعفان

امام علی علیه السلام:

ایشان (مستضعفان میراث بر زمین)، خاندان پیامبرند، که خداوند پس از سختیها، مهدی ایشان را برانگیزد، و به آنان عزت بخشد و دشمنانشان را خوار سازد.^۱

از برنامه‌های اصلی امام مهدی علیه السلام تشکیل دولت مستضعفان و محرومان است. مستضعفان کسانی‌اند که توسط زورمندان ضعیف نگهداشته شده‌اند و حقوق آنان پایمال شده است. این هدف تمام پیامبران و انسانهای بزرگ بوده و اسلام نیز، چنین هدفی داشته است.

۸- رشد علم و فرهنگ

امام باقر علیه السلام:

در زمان حکومت مهدی علیه السلام به همه مردم، حکمت و علم بیاموزند، تا آن جا که زنان در خانه‌ها، با کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، قضاوت کنند.^۱

از آغاز تاریخ، انسان به کارهای فرهنگی و علمی پرداخته و تجربه‌ها و دانش‌هایی به دست آورده است که در میان این آموخته‌ها، آموزشها و دستورات پیامبران جایگاهی ویژه دارد. یکی از اصول و هدفهای اصلی انبیا، گسترش علم و دانایی است.

۹- امنیت اجتماعی

امام صادق علیه السلام:

در تفسیر آیه شریفه «خدا به کسانی از شما که ایمان آورده‌اید... وعده داد که به یقین ایشان را بر روی زمین خلیفه کند... و حتیشان را به امنیت بدل سازد...»^۲ می‌فرماید: این آیه درباره (امام) قائم علیه السلام و یارانش نازل شده است.^۳

امام مهدی علیه السلام امنیت اجتماعی به وجود می‌آورد، امنیتی که بشریت تا کنون مانند آن را ندیده است. او نگرانی و ترس را نابود

۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۲. ۲- نور/ ۵۵.

۳- غیبت نعمانی، ص ۲۴۰.

می‌کند و همچنین کسانی را که در جامعه ایجاد نگرانی و ترس می‌کنند، کنار می‌زند. او قانون و عدل را اجرا می‌کند و احترام به حقوق و ارزش انسان را در روابط اجتماعی استوار می‌سازد.

۱۰- رشد تربیت انسانی

امام باقر علیه السلام:

هنگامی که قائم قیام کند، خداوند قوای فکری مردمان را تمرکز دهد... و اخلاق آنان را تکامل بخشد.^۱

یکی از برنامه‌های امام مهدی علیه السلام رشد تربیتی و بلوغ روحی انسان است.

انسان که جزء اصلی تشکیل جامعه صالح و سالم است، محور اصلی برنامه ریزیها، قوانین، علوم و دیگر مسائل جامعه می‌باشد، انسان برای اصلاح جامعه و تشکیل اجتماعی سالم باید نخست، اصلاحات و تحولات را از درون خود آغاز کند، زیرا تمام مسائل اقتصادی، سیاسی، جنگ، صلح، نظم، بی‌نظمی، نیکی، زشتی و... در اجتماع به انسان مربوط است.

پس انسان با ایجاد انقلابی در درون خود، می‌تواند در جامعه انقلاب و تحوّل به وجود آورد.

امام مهدی علیه السلام نخست به تربیت انسانها می پردازد تا سایر برنامه های اجتماعی خود را به شایستگی انجام دهد، و عدالت، دادگری، قانون شناسی، دیگر دوستی، ایثار و... را در سطح جامعه پایدار سازد.

۱۱- سامان یابی زندگی

امام حسین علیه السلام:

در خاندان ما دوازده مهدی است... آخر آنان نهمین فرزند من است که به حق قیام کند، و خداوند زمین مرده را به دست او زنده کند...^۱

۱۲- روش زندگی امام موعود مهدی علیه السلام

امام صادق علیه السلام:

به چه جهت درباره خروج قائم علیه السلام عجله دارید؟
به خدا سوگند، او جامه های درشت می پوشد، و خوراک خشک، و ناگوار می خورد...^۲

امام مهدی علیه السلام بسیار ساده زیست است، لباسهای درشت و کم بها می پوشد، و خوراک خشک و ناگوار می خورد. اهل آسایش و

۲ - غیبت نعمانی، ص ۲۳۳.

۱ - کمال الدین، ج ۱، ص ۳۱۷.

تن آسایی نیست. چون سایر پیامبران از هر گونه تعظیم و بزرگداشت و ستایش پرهیز دارد. او به معنای واقعی زاهد است و جز به ضروریات زندگی تن نمی‌دهد، و در سطح پایین‌ترین طبقات، بلکه دشوارتر از آنان زندگی می‌کند.

شنیدن مناجات امام عصر علیه السلام

علامه مجلسی رحمه الله علیه از ملحقات کتاب انیس العابدین نقل می‌فرماید: «سید بن طاووس قدس الله سره می‌فرماید که در یک سحرگاه در سرداب مطهر از حضرت صاحب الامر اروحنا فداه این مناجات را شنیده‌اند:

اللَّهُمَّ إِنَّ شَيْعَتَنَا خُلِقَتْ مِنْ شُعَاعِ أَتْوَارِنَا وَ بَقِيَّةِ طَيْبَتِنَا وَ قَدْ مَعَلُو ذُنُوبًا كَثِيرَةً اِتِّكَالًا عَلَى جُبْنَا وَ وِلَايَتِنَا، فَإِنْ كَانَتْ ذُنُوبُهُمْ بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُمْ فَاصْفَحْ عَنْهُمْ فَقَدْ رَضِينَا وَ مَا كَانَ مِنْهَا فِيْمَا بَيْنَهُمْ فَاصْلِحْ بَيْنَهُمْ وَ قَاصِبِهَا عَنْ خَمْسِنَا وَ ادْخِلْهُمْ الْجَنَّةَ وَ زَجِرْهُمْ عَنِ النَّارِ وَ لَا تَجْمَعْ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ أَعْدَائِنَا فِي سَخَطِكَ»^۱

اگر جز همین عبارات مبارکه، عبارات دیگری از جانب مولایمان حضرت مهدی علیه السلام صادر نشده بود، همین جملات بر جوشندگی دریای عطوفت و مهر و کرامت این پدر بزرگوار امت و امام مهربان

۱- «جنة العاوی» حکایت ۵۵، «نجم ثاقب» حکایت ۱۹.

شریعت کفایت می نمود. شرح حالات دیگر آن شیفته و ارسته (یعنی سیدبن طاووس رحمه الله علیه و ادعیه و کراماتی را که از حضرت صاحب الزمان اروحنا قداه نقل نموده است، شیفتگان آستان ولایت، خود دنبال خواهند نمود. خود را در دریای معرفت امام طاهر کردن و ذره ذره وجود از عشق او انباشتن و این خون را در رگ و پوست فرزند دواندن و او را بر این قیاس تربیت کردن، این شیوه مشتاقان منتظر است!

حضرت ولی عصر علیه السلام کتاب را به پایان می رسانند

علامه حلی (۷۲۶-۶۴۸) رضوان الله تعالی علیه^۱ یکی دیگر از مفاخر تاریخ شیعه است که از لحاظ مرتبت علمی و عظمت نفس و تقوا و فضیلت در روزگار خویش بی نظیر بوده و نامش در میان انبوه دانشمندان اسلامی پیوسته درخشان و آراء فقهی و اصولی و نظرات کلامی و فلسفی و منطقی وی در کتب علمی موج می زند. درباره آن بزرگوار و عنایات حضرت ولی عصر علیه السلام به ایشان، حکایتی است که در بین خاص و عام شهرت به سزایی یافته است و ما در این جا آن داستان را از قول عالم شهید قاضی نورالله شوشتری در کتاب مجالس المؤمنین می آوریم:

«از جمله مقاماتی که علامه به آن ممتاز است، آن است که در زمان او یکی از مخالفان مذهب، کتابی در ردّ طریقه تشیع نگاشته و در مجالس عمومی و خصوصی خویش از آن بهره گرفته و افراد زیادی را نسبت به طریقه امامیه بدبین و گمراه می نموده است. از طرفی کتاب را هم در اختیار کسی نمی گذاشته تا در دست دانشمندان شیعه قرار نگیرد و جوابی بر آن ننویسند و ایرادی وارد نکنند.

علامه حلّی با آن عظمت قدر و جلال علمی، به دنبال وسیله‌ای برای به دست آوردن آن کتاب به مجلس درس آن مخالف می رود و برای حفظ ظاهر خود را شاگرد او می خواند و بعد از مدتی، علاقه و رابطه استاد و شاگردی را بهانه می کند و تقاضای دریافت آن کتاب را می نماید.

آن شخص در یک حالت عاطفی قرار می گیرد و چون نمی تواند دست رد بر سینه او بزند، لاجرم می گوید: «من نذر کرده‌ام که کتاب را جز یک شب به کسی واگذار نکنم».

علامه به ناچار می پذیرد و همان یک شب را غنیمت می شمرد. آن شب با یک دنیا شعف و خرسندی به رونویسی کتاب می پردازد. نظر او این بود که هر چه مقدور شد از آن کتاب یادداشت نموده و سپس در فرصتی به پاسخ آن اقدام نماید. اما همین که شب به نیمه می رسد، او را خواب فرا می گیرد. در همین هنگام میهمانی

جلیل‌القدر داخل اطاق او می‌شود و با او هم صحبت می‌گردد و پس از صحبت‌هایی می‌فرماید: «علامه، تو بخواب و نوشتن را به من واگذار.»

علامه بی‌چون و چرا اطاعت می‌کند، و به خواب عمیقی فرو می‌رود، چون از خواب بر می‌خیزد، از میهمان نورانیش اثری نمی‌بیند. چون به سراغ نوشته‌اش می‌رود، کتاب را می‌بیند که به صورت تمام و کمال نوشته شده است و در پایان آن، نقشی را به عنوان امضا چنین مشاهده می‌کند:

«كَتَبَهُ الْحُجَّةُ: حَجَّتِ خِدا آن را نگاشت.»^۱

آری پاسداران حریم مقدس امامت این چنین مورد عنایت مولایشان قرار می‌گیرند و به توجّهات مخصوص آن حضرت مفتخر می‌گردند.

جای آن است که از خود بپرسیم: «آیا ما چنین پاسداری از حریم مقدسشان نموده‌ایم تا به این گونه عنایات نایل گردیم؟!»

آنچه تاریخ ضبط کرده، این است که یک بار دیگر جناب حضرتش، علامه را به عنایات دیگری مورد لطف قرار داده و سئوالات علمی وی را که برایش لاینحل مانده بود، پاسخ می‌گویند.^۲

۱- روضات الجنات، ج ۲، ص ۲۸۲ و جنة الماوی حکایت ۲۲ و نجم ثاقب حکایت ۱۵.

۲- الزام الناصب، ج ۲، ص ۳۱.

فرزندم مهدی علیه السلام در مسجد کوفه است

از جمله کسانی که به فیض ملاقات صاحب الامر (ارواحنا فداه) نایل آمده و پاسخ اشکالات علمی خود را از آن وجود مقدس دریافت کرده است: عالم بزرگوار مقدّس اردبیلی^۱ (متوفی ۹۹۳) رضوان الله تعالی علیه است. رادمرد بزرگی که در تقوا و عبادت به مقامی رسیده بود که هر که را بخواهند در قدس و تقوا مثال زنند، به او تشبیه می‌کنند، مشهور است که گاهی در بعضی مسائل دشواری که برایش پیش می‌آمده که از حلّ آن عاجز می‌گشته، خود را به کنار ضریح مقدّس حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌رسانیده و از آن حضرت سؤال می‌نموده و آن حضرت نیز پاسخش را می‌داده‌اند. شگفتا از چنین یقینی در دین نسبت به امامت و چنان رتبه‌ای در تقوا و زهدات!

یکی از شاگردان خاصّ آن مرحوم که از دانشمندان زمان خویش بوده و بر اسرار زندگی استاد نیز واقف بوده است، می‌گوید:^۲

«یکی از شبها در صحن مطهر حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام در

۱ - بخش سرگذشتها، شماره ۵.

۲ - این داستان در اغلب کتب رجالی که سرگذشت مقدس اردبیلی رحمة الله علیه را آورده آمده است از جمله: «ریحانة الادب» ج ۵، ص ۳۷۰-۳۶۶ - فوائدالرضویه، ص ۲۸-۲۳ مقدمه «حديقة الشیعة» و «روضات الجنات» ج ۱، ص ۸۶-۷۹.

حالی که شب از نیمه گذشته بود و خسته از مطالعات علمی قدم می‌زدم، ناگهان در آن فضای نورانی، شبیحی را دیدم که به سوی حرم شریف روان است، در حالی که همه درهای حرم مطهر قفل بودند. با کنجکاوی او را تعقیب کردم. دیدم که او چون به در حرم نزدیک شد، قفلها باز شدند و در حرم گشوده گشت.

او به هر دری که دست می‌گذارد، باز می‌شد تا این که با کمال وقار و سنگینی کنار حرم مطهر حضرت امیر علیه السلام ایستاد و سلام نمود.

من جواب سلام او را شنیدم و سپس با همان صاحب صدا شروع به صحبت کرد. هنوز از آن گفتگو چیزی نگذشته بود که آن مرد خارج شد و از شهر بیرون رفت و به سوی مسجد کوفه سرازیر شد، من نیز به لحاظ کنجکاوی او را تعقیب کردم. آن شخص در مسجد داخل محراب گردید و با کسی گفتگو را آغاز نمود.

سخنانش که به اتمام رسید، از مسجد خارج گردید و به سوی شهر مراجعت نمود. نزدیک دروازه نجف که رسید، تازه سپیده صبح دمیده بود و خفتگان آرام آرام سر از بستر بر می‌داشتند و آماده نیایش سحرگاهی می‌شدند. ناگهان در طول راه مرا عطسه‌ای فرا گرفت که نتوانستم جلوی آن را بگیرم و آن مرد متوجه من شد و برگشت. چون به چهره‌اش نگریستم، دیدم استادم آیه‌الله مرحوم مقدّس اردبیلی رحمة الله علیه است. پس از سلام و انجام مراحل ادب

به ایشان عرض کردم: «من در طول شب از لحظه ورود به حرم مطهر تاکنون همراه شما بوده‌ام، لطفاً بفرمایید که در حرم مطهر و در محراب مسجد کوفه با چه کسی سخن می‌گفتید؟»

مرحوم مقدّس اردبیلی ابتدا از من قول گرفتند که این راز را تا زمانی که ایشان در قید حیات هستند فاش نکنم، سپس فرمودند: «فرزندم، گاه می‌شود که حل مسائل بر من دشوار می‌گردد و چون از گشودن آن عاجز می‌شوم، خدمتِ حلال مشکلات حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام شرفیاب شده و جواب آن را از آن مولا می‌گیرم. اما شب گذشته حضرت امیر علیه السلام مرا به سوی حضرت صاحب‌الزمان علیه السلام راهنمایی کردند و فرمودند:

«فرزندم مهدی علیه السلام در مسجد کوفه است، او امام زمان تو است، نزد او برو و مسائلت را از وی فرا گیر.»

و من به امر آن حضرت داخل مسجد کوفه شدم و از حضرتش که در محراب ایستاده بودند، یعنی مولایم حضرت مهدی ارواح العالمین له الفداء مشکلاتم را پرسیدم.^۱

۱ - همان مدارک به اضافه «چهره‌هایی که در جستجوی قائم علیه السلام پیروز

حکومت الهی در جهان

تأسیس حکومت الهی و دوام آن، روزی است که بشر لیاقت آن را داشته باشد و بعد دوم و سوم عدالت را دارا باشد و قرآن از آن خبر می‌دهد و از آن به «عباد صالحون» تعبیر می‌کند:

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ
الصَّالِحُونَ»^۱

عباد صالحون - که وارث زمینند - همان مردمی هستند که دارای بعد دوم و سوم عدالت هستند. در نتیجه، حکومت الهی سه بعدی و عدل عالمگیر در جهان برپا می‌شود و ابدی و جاویدان می‌گردد.

از لفظ ارض، استفاده می‌شود که نخستین حکومت الهی در جهان که پس از توفان نوح علیه السلام تشکیل گردید، حکومت حضرت یوسف علیه السلام در مصر بود. این حکومت، محبوب‌ترین و پاکیزه‌ترین حکومت‌های سرزمین مصر بود.

طول عمر

حضرت عسکری علیه السلام در سال ۲۶۰ قمری از دنیا رفت و باید فرزند بزرگوارش، پیش از این سال، ولادت یافته باشد. سال ولادت حضرت مهدی علیه السلام، سال نور است که سال ۲۵۶ هجری است. و آن حضرت، هنگام وفات پدر بزرگوارش، چهار ساله بوده است.

اکنون (۱۴۲۹) عمر شریف حضرت مهدی علیه السلام ۱۱۷۳ سال است، که عمری دراز و طولانی است و این خود معجزه‌ای است از معجزات و خرق عادت است از خرق عادات و دلیلی بر ارتباط مستقیم حضرتش با ذات مقدس حضرت احدیت است. رابطه تکوینی که حضرتش ارتباط وجودی با وجود حضرت حق دارد. البته طول عمر، برخلاف طبیعت نیست و با طبیعت انسان سازگار است و خواسته فطری بشر نیز هست و شاید در آینده روزی برسد که این خواسته فطری بشر، تحقق یابد.

حیات، نه تنها محبوب انسانهاست، بلکه محبوب حیوانات نیز هست. هر بشری، ناخودآگاه از جان خود دفاع می‌کند؛ چنانچه هر حیوانی نیز از حیات خود، دفاع می‌کند.

فطری بودن حبّ حیات، مستلزم فطری بودن دوام حیات است که به جز طول عمر چیز دیگری نیست و طول عمر، امری واقعی و حقیقی، چون دیگر فطریات بشر است که خطا ندارد.

غیبت

ذات مقدّس حقّ، غیبت مهدی علیه السلام را ضامن طول عمر آن حضرت قرار داده است. پدران بزرگوارش، چون غیبت نداشتند، همگان کشته شدند، و یا با زهر جفا، مسموم گردیدند.

یکی از راههای محفوظ ماندن از شرّ دشمنان خون آشام، غیبت است. چون مقصود از غیبت حضرت مهدی علیه السلام ناشناخته بودن حضرتش در میان خلق است که در زبان خودش و پدرانش، از آن به غیبت تعبیر شده است. در حالی که پدران بزرگوارش در میان خلق، شناسا بوده‌اند.

آری، مقصود از غیبت آن حضرت، آن نیست که حضرتش در یکی از قله‌های حصین و یا در غاری از مغارات ارض پنهان است و یا آن که با رویی آهنین گرداگرد حضرتش کشیده شده است. و هیچ قدرتی توانایی گذشتن از آن را ندارد، بلکه

مقصود از غیبت، چنانچه یاد شد، ناشناخته بودن حضرتش است. در حالی که میان خود مردم قرارداد، همگان حضرتش را می بینند، ولی نمی شناسند.

در عبادت بزرگ حج، شرکت می کند. مزارهای مقدس پدرانش را زیارت می کند. در مراسم عزاداری جدش امام حسین علیه السلام تشریف فرما می شود، خلق، حضرتش را می ببینند و با آن حضرت سخن می گویند و کلمات حضرتش را می شنوند، ولی نمی دانند که او چه کسی است.

از این سخن، روشن شد که چرا آن حضرت غیبت کرده و ناشناس، به زندگی ادامه می دهد.

نگاهی کوتاه به زندگانی کوتاه و حیات پدرانش، بهترین تأیید است. حضرتش دهمین فرزند علی علیه السلام و دوازدهمین خلیفه و وصی رسول خدا صلی الله علیه و آله و حجّت بر خلق است و رابط منصوب میان خلق و خالق است.

پدرانش، همگان حجّت خدا بر خلق بوده اند و هیچ کدام از عمری دراز بهره مند نشدند، زیرا دشمنان، آنها را با تیغ تیز و یا زهر شهید کردند. در حالی که کار آنها هدایت و تعلیم و تربیت بود و هیچ یک از آن بزرگواران زمینه و شرایط قیام برای گرفتن حکومت از دست ندان نداشتند.

«ابوسلمه خَلَّال»^۱ ملقب به وزیر آل محمد سیاستمدار بزرگ و مغز متفکر حکومت عباسیان، هنگامی که زمینه را مساعد برای قیام بنی هاشم دید، از حضرت صادق علیه السلام خواست حکومت را در دست بگیرد، ولی حضرت صادق علیه السلام نپذیرفت و دست ردّ به سینه اش گذارد. او هم حکومت را به دست عباسیان داد.

دوستان دیگر آن حضرت، آمادگی خود را برای شهادت در راه آن حضرت اعلام داشتند و از حضرتش تقاضای قیام کردند، ولی حضرتش نپذیرفت، چون می دانست شرایط فراهم نیست.

«مأمون» خلیفه عباسی با اصرار خواست خلافت را تسلیم حضرت رضا علیه السلام کند، آن حضرت نپذیرفت، چون دروغ و نیرنگ مأمون را می دانست با این حال، دشمنان، قدرت دیدن آنها را نداشتند، یکایک ایشان را کشتند، چون هیچ یک غیبت نداشتند و در میان خلق، شناسا بودند.

پس از آن که دشمنان، پدر بزرگوار حضرت مهدی علیه السلام را مسموم کرده و به شهادت رساندند، بی درنگ برای کشتن حضرتش به درون خانه ریختند، با آن که پسر داشتن حضرت عسکری علیه السلام برای آنها قطعی نبود. حمله به درون خانه به مجرد احتمال بود، چون به

۱ - حفص بن سلیمان خَلَّال (م ۱۳۲ ق) از توانگران و بزرگان شیعه در کوفه به شمار می رفت شهرت وی به خَلَّال (سرکه فروش) به جهت نزدیکی خانه وی به محله سرکه فروشان بود.

گوششان رسیده بود که حضرت عسکری علیه السلام پسری دارد.
 «منصور دوانیقی» خلیفه عباسی، پس از مسموم کردن حضرت
 صادق علیه السلام به امیر مدینه دستور داد که هر کس را حضرت صادق علیه السلام
 وصی خود قرار داد بکشند. ولی پیش‌بینی حضرت صادق علیه السلام با
 وصیتی که حضرت کرد، این خطر فوری را از حضرت موسی بن
 جعفر علیه السلام دور ساخت.

«هارون رشید» پس از کشتن حضرت کاظم علیه السلام به امیر مدینه
 دستور داد که هر کس پس از آن حضرت بار امامت را بر دوش
 کشید، بکشد، ولی پیش‌بینی حضرت رضا علیه السلام این خطر را از آن
 حضرت دفع کرد. از این نظر کوتاه، روشن شد که بهترین محافظ
 طبیعی و پاسبان عادی حیات حضرت مهدی علیه السلام، ناشناخته بودن آن
 حضرت است که (غیبت) نامیده شده است.

و اگر این غیبت، تبدیل به حضور گردد و ناشناخته بودن این
 ذخیره الهی مبدل به شناخت گردد، حیات آن حضرت به شهادت
 مبدل می‌شود، و این ذخیره الهی و امید بشری از جهان رخت
 می‌بندد.

در این صورت، بدبختی و سیه روزی، سراسر جهان را فرا
 می‌گرفت.

پس غیبت حضرت مهدی علیه السلام، بزرگترین رحمت الهی بر خلق است
 و نعمت عظیمی است که نظیر و مانند ندارد و از بالاترین نعمتهای

خالق بر خلق است. غیبت است که حضرتش را امید امیدواران و پناه بی پناهان و چاره بیچارگان قرار داده است.

غیبت است که حضرتش را برپا کننده حکومت عدل جهانی ساخته است، غیبت است که روزگار تلخ را سپری می سازد و روزگاری شیرین به جامعه بشریت، ارزانی می دارد.

اگر حضرتش دارای غیبت نبود، دشمنان حضرت را به شهادت می رساندند و شهادت آن حضرت مساوی بود با ناامید شدن امیدها، با بدبخت شدن خلق برای ابد، با جاویدان شدن ظلم و ستم در جهان، با از میان رفتن حق و حقیقت، چه بسیار مردمانی که در اثر شهادت آن حضرت، از رسیدن به حق خود محروم می شدند، و این ظلم بزرگ بشری به شمار می رفت.

رحمت الهی، اقتضا کرد که حضرتش غیبت داشته باشد تا بزرگترین سعادت و خوشبختی بشر تأمین گردد...

فوایدی دیگر نیز برای غیبت آن حضرت موجود است.

غیبت آن حضرت مانند غیبت خورشید در پس ابر است که گیاهان و انسانها و همه موجودات از وجودش استفاده می کنند؛ ولی خودش را نمی بینند، حضرتش در پشت پرده غیبت، تشنه کامان حقیقت را سیراب می سازد، پویندگان راه حق را رهنماست، به فریاد بیچارگان می رسد، گمراهانی را راه نشان می دهد، گرفتاری گرفتارانی را برطرف می سازد.

انتظار فرج

فرج به معنای گشایش است؛ گشایش که امید امیدواران است و به یقین، تحقق‌پذیر است و ناامیدی در آن راه ندارد و ممکن است که طول بکشد. و طول کشیدن تحققِ مطلوب از لوازم امیدهای بزرگ است. امیدهای کوچک به زودی تحقق پذیرند و امید، هر چه بزرگتر باشد، تحقق دیرتر و دراز مدت‌تری دارد.

بخصوص اگر بزرگترین امیدها باشد که مقصود از فرج است. و آن گشایش برای همهٔ خلق و سیادت عدل و داد برای همیشه، در جهان است. انتظار فرج، مشتمل بر یقین به تحقق مقصود است که غم را می‌زداید و سرور می‌زاید.

مقصود از انتظار، نشستن و خوابیدن نیست، بلکه ادای وظیفه‌ای است که در تسریع ظهور حضرت مهدی علیه السلام دخالت دارد.

چنانچه مقصود، انتظار شخصی نیست، بلکه وظیفه‌ای است اجتماعی، چون انجام مقاصد اجتماعی، قدمهای اجتماعی لازم دارد. مقصود از انتظار، آمادگی است و آن دو مرتبه دارد:

نخستین مرتبهٔ آن، انتظار روحی است و خوشدل بودن برای تحقق امید در آینده، و آن عبارت است از آمادگی برای قبول دعوت و زدودن مقاومت روحی برای رسیدن کسی که انتظار آمدنش هست. دومین مرتبه آن، انتظار عملی است که اضافه بر انتظار روحی است. انتظار عملی، مانند آمادگی برای آمدن مهمان و پذیرایی از او، که

غذا باید آماده باشد و با مقام مهمان و شخصیت او تناسب داشته باشد. محل نشستن او تمیز و آماده، خوابگاه و استراحتگاهش مرتب باشد.

کشاورز، وقتی انتظار باران را دارد که کشتی کرده باشد، بازرگان، وقتی انتظار سود دارد که کالای خود را آماده کرده و در معرض فروش گذارده باشد، و این انتظار، انتظار کامل خواهد بود.

هر دو مرتبه انتظار، باید برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام فراهم باشد تا فرج همگانی تحقق پذیر شود.

از حضرت صادق علیه السلام چنین نقل است:

«من سرّه ان یكون من اصحاب القائم، فلینتظر و لیعمل بالورع و محاسن الأخلاق، و هو منتظر.^۱»

کسی که دوست می دارد از یاران قائم علیه السلام باشد، باید آماده باشد و در حال آمادگی، به پارسایی و محاسن اخلاق، عمل کند.» این راهنمایی، حاوی چند نکته فردی و اجتماعی است:

۱- امر قلبی، که امید به قیام حضرت قائم علیه السلام داشته باشد و یأس و نومیدی را از خود بزداید.

۲- دوست داشته باشد که از یاوران آن حضرت باشد تا در ایجاد

۱- غیبت نعمانی، ص ۲۰۰، چاپ مکتبه الصدوق.

عدل جهانی شرکت کند و از این سعادت جاودانی، برخوردار شود.

۳- دارای ورع باشد و از گناه اجتناب کند.

۴- از حُسن اخلاق برخوردار باشد.

حُسن اخلاق، نشانهٔ انسان شدن و دعوت عملی به انسان شدن دیگران است تا از فردِ صالح، اجتماعِ صالح به دست آید و در تسریع قیام حضرت قائم علیه السلام تأثیر داشته باشد.

از کُتب اهل سنت

رسول خدا ﷺ فرمودند:

۱. «زمین از ظلم و جور پر می شود. سپس مردی از عترت من خروج خواهد کرد و زمین را از عدل و داد پُر خواهد ساخت.»^۱
۲. «قیامت برپا نخواهد شد، تا وقتی که یگانه مردی از اهل بیت من زمین را از عدل پر سازد، چنانچه پیش از او از ظلم و جور پر شده باشد.»^۲
۳. «مهدی عجل الله فرجه از من است، زمین را از عدل و داد پر خواهد ساخت، چنانچه از ظلم و جور پر شده است.»^۳
۴. «یکتا مردی از امت من خروج می کند، و به سنت من سخن

۱ - حاکم نیشابوری، المستدرک، ج ۳، ص ۵۵۵.

۲ - احمد بن حنبل، المسند، ج ۳، ص ۱۶، ۱۷.

۳ - ابوداؤد سجستانی، السنن، ج ۴، ص ۱۵۳، ابوداؤد سجستانی، السنن، ج ۲،

ص ۴۲۲، ط مصطفی البابی الحلبي و اولاده بمصر.

می گوید. خدای عزوجل، باران را از آسمان نازل می کند و زمین را به خاطر او می رویاند و از برکت وجودش زمین از عدل و داد پر می شود، چنانچه از ظلم و جور پر شده است.»^۱

۵. «مردی از اهل بیت من بر امت من فرمانروا می شود، عدل را بر زمین می گستراند؛ چنانچه پیش از او ظلم در آن گسترده شده بود.»^۲

کلمات قصار از رسول خدا ﷺ

۱. «کسی که منکر خروج مهدی عجل الله فرجه شود کافر است.»^۳
۲. «مهدی عجل الله فرجه از فرزندان من است، مشرقها و مغربها به دست او فتح شود.»^۴
۳. «دین را برقرار نمی سازد، مگر مهدی عجل الله فرجه.»^۵
۴. «قیامت به پا نخواهد شد، تا وقتی که مهدی عجل الله فرجه خروج کند.»
۵. «امامتی که با نزول عیسی علیه السلام همراه است، ویژه مهدی عجل الله فرجه است.»^۶
۶. «مهدی عجل الله فرجه کسی است که عیسی علیه السلام پشت سرش نماز می خواند.»^۷

۱- ابن حجر هیثمی، مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۳۱۷.

۲- التدوین، ج ۲، ص ۸۳. ۳- لسان المیزان، ج ۵، ص ۱۳۰.

۴- ینابیع المودة، ص ۴۲۲.

۵- مودة القری، ص ۴۴۵، ینابیع المودة، ص ۴۴۵.

۶- الصحیح، ج ۱، ص ۹۴.

۷. «مهدی علیه السلام صلیب را خرد خواهد کرد و عیسی علیه السلام در کنار او ست.»^۱
۸. «مهدی علیه السلام از سروران اهل بهشت است.»^۲
۹. «مهدی علیه السلام طاووس اهل بهشت است.»^۳
۱۰. «هنگامی که قائم آل محمد علیهم السلام قیام کند، خداوند شرقیان و غربیان را جمع می کند.»^۴
۱۱. «نام مهدی علیه السلام نام رسول خدا صلی الله علیه و آله است و از اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله است.»^۵

پدری پاکتر از پاک

حضرت ابو محمد الحسن العسکری علیه السلام روز دهم ربیع الاول سال ۲۳۲ هجری قمری از بانویی طاهره و مطهره به نام «سلیل» در مدینه ولادت یافت و در سال ۲۶۰ در سامره به شهادت رسید و مادر را داغدیده ساخت.

۷ - متقی هندی، منتخب کنز العمال، ج ۶، ص ۳۰.

۱ - المعجم الصغير، ص ۱۵۰.

۲ - منتخب صحیح بخاری و مسلم، ص ۲۱۹.

۳ - شبلنجی، نورالابصار، ص ۱۵۷، دیلمی، فردوس الاخبار، ج ۴، ط، دارالکتاب

العربی، بیروت، ص ۴۹۷. ۴ - الصواعق المحرقة، ص ۹۸.

۵ - مقرس، البدأ و التاريخ، ج ۲، ص ۱۸۰.

گویند حضرتش به مادر فرموده بود که سال ۲۶۰ را نکبتی است. مادر، این سخن را به خاطر سپرده بود و در ماه صفر آن سال پریشان خاطر بود. پی در پی از فرزند دور افتاده‌اش سراغ می‌گرفت و جویای حال او می‌شد. از خانه بیرون می‌رفت و در پی کسب خبر از حیات فرزند عالی مقامش بود، تا خبر وفاتش رسید و امیدش ناامید شد.

مدت عمر حضرت عسکری علیه السلام ۲۸ سال، دو روز کم بود و مدت امامتش شش سال بود. حضرت عسکری علیه السلام را خلیفه وقت به سامره آورده بود تا تحت نظر مستقیم دولت باشد،

گاه حضرتش را به زندان می‌انداخت و گاه آزاد می‌کرد.

در این عمر کوتاه، حسن اخلاق و معجزات و کرامات بسیار از آن، حضرت دیده شده بود، به طوری که عظمتش در نظر دشمنان برقرار بود و دوستان بر خود می‌بالیدند.^۱

۱- اگر کسی بخواهد اطلاع کاملی از معجزات و کرامات و محاسن اخلاقی و علوم و معارف آن حضرت پیدا کند، به یکی از سه کتاب زیر مراجعه کند:

۱- بحار الانوار، علامه مجلسی

۲- اثبات الهداة، شیخ حرّ عاملی

۳- حلیة الابرار، علامه سید هاشم بحرانی

نوزاد مقدّس

سربازان، هجوم آوردند و خانه حضرت امام حسن عسکری علیه السلام را احاطه کردند و سپس چند مأمور زن و قابله به درون خانه رفتند و بانوان و کنیزکان خانه را یکایک با دقت معاینه کردند تا اگر بانوی بارداری پیدا شود، به دست دژخیمان خلیفه بسپارند تا شکمش بدرند و جنین را بیرون آورند و پاره پاره کنند و نگذارند حیات پیدا کند.

ولی هر چه بیشتر جستند، کمتر یافتند و بانوی بارداری نیافتند. هنگامی که مهدی علیه السلام ولادت یافت، اهل خانه به یکدیگر بشارت دادند و هنگامی که به راه افتاد، به من از سوی حضرت عسکری علیه السلام امر شد که برای مولای کوچکم در هر روز همراه گوشت، استخوان قلمی که مغز دارد، بخرم.^۱

۱ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۰۸-۵۰۷، ح ۳۱۷ به نقل از شیخ طوسی کتاب الغیبة.

کودک و معجزات

«کامل مدنی» شرفیاب حضور حضرت امام حسن عسکری علیه السلام می شود و در دل می گوید: باید از حضرتش بپرسم؛ چه معرفتی و چه گفتاری موجب دخول بهشت می گردد؟
در کنار دری می نشیند که پرده‌ای بر آن آویخته بوده، در این هنگام، بادی وزیدن می گیرد و پرده را بالا می زند.
چشم کامل به کودکی چهار ساله می افتد که چهره اش مانند ماه می درخشد.

کودک، کامل را به نام می خواند. لرزه سرپایش را فرا می گیرد و می گوید: لَبِیک یا سَیِّدِی.

سپس کودک می فرماید: «نزد ولیّ خدا و حجّت حق و باب الله آمدی که بپرسی: آیا به جز کسی که معرفتش مانند معرفت تو و گفتارش مانند گفتار تو باشد، به بهشت می رود؟»
کامل می گوید: آری یا سَیِّدِی، بهشتیان کیانند؟

فرمود: «مردی که در اثر دوستی علی علیه السلام به حق او سوگند می خوردند، هر چند فضیلت و برتری علی علیه السلام را نمی دانند.» سپس خاموش شد.

آن گاه فرمود: «آمدی بپرسی کسانی که قائل به تفویض هستند، درست می گویند؟»

نه، دروغ می گویند، دلهای ما و عاء خواسته خداست، آنچه او بخواهد ما می خواهیم.

خدا خودش می گوید:

(وَمَا تَشَاؤُنَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ)^۱

سپس پرده می افتد و کامل نمی تواند پرده را بالا بزند.^۲

طلا کردن سنگریزه

«ازدی» به طواف کعبه اشتغال داشت و شش دور را انجام داده بود و می خواست دور هفتم را انجام دهد؛ می بیند در سمت راست کعبه، گروهی گرد جوانی خوشرو حلقه زده اند که بوی عطر از وجودش به مشام می رسد، با آن که جوان است، ولی دارای هیبتی مخصوص است و برای حاضران سخن می گوید. ازدی به حضورش مشرف می شود و سخنانش را می شنود.

۱- الانسان / ۳۰، التکویر / ۲۹.

۲- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۶۸۳ باب ۳۳، ح ۹۱ به نقل از شیخ طوسی کتاب الغیبة.

می‌گوید: خوش سخن‌تر از او کسی ندیدم و زیباتر از کلامش، کلامی نشنیدم، پرسیدم: این کیست؟

گفتند: فرزند رسول خدا ﷺ است که سالی یک روز، برای دوستانش ظاهر می‌شود و سخن می‌گوید.

ازدی به حضرتش عرض می‌کند: مرا هدایت کنید.

حضرت سنگریزه‌ای کف دستش می‌نهد، ازدی دستش را می‌بندد. کسی از او می‌پرسد: چه به تو داد؟

ازدی می‌گوید: سنگریزه، ولی وقتی که دستش را باز می‌کند، می‌بیند شمش طلاست.

سپس حضرت به وی می‌فرماید: «حجت بر تو تمام شد و حق بر تو آشکار گردید؟ ازدی می‌گوید: آری. سپس از ازدی می‌پرسد: «مرا می‌شناسی؟»

ازدی می‌گوید: نه. حضرت می‌فرماید: «من مهدی هستم که زمین را از عدل و داد پر خواهم کرد، وقتی که از ظلم و جور پر شده باشد. این امانتی است نزد تو، به جز برای برادرانت که اهل حقند، به کسی نگو.»^۱

۱- اثبات الهداة، ج ۲، ص ۶۷۱-۶۷۰، باب ۲۳، ح ۳۹ به نقل از اکمال الدین.

روایات ائمه اطهار علیهم السلام در مورد امام زمان عجل الله فرجه

«إِنِّي لَأَدْعُو لِمُؤْمِنٍ يَذْكُرُ مُصِيبَةَ جَدِّي الشَّهِيدِ، ثُمَّ يَدْعُو لِي بِتَعْجِيلِ
الْفَرَجِ وَ التَّأْيِيدِ»^۱

«من برای هر مؤمنی که درد و رنجهای جدّ شهیدم را یاد کند و سپس برای تعجیل در ظهور من و تأیید من به دعا بپردازد، دعا می‌کنم.»

حماد از نزدیکان امام صادق علیه السلام نقل می‌کند:

شب بیست و یکم ماه رمضان خدمت امام جعفر صادق علیه السلام رسیدم. به من فرمودند: غسل کرده‌ای؟ پاسخ مثبت دادم. حضرت زیراندازی خواستند و به امر ایشان، من هم کنار ایشان قرار گرفتم، حضرت تا سحرگاه نماز خواندند و زمانی هم دعا فرمودند و من آمین گفتم.

هنگام طلوع فجر، به اذان و اقامه ایستاده، دو رکعت نماز صبح را خواندند و من و غلامان ایشان، پشت سر ایشان، نماز را به جماعت گزاردیم. آن بزرگوار، در رکعت اول سوره مبارکه حمد و سوره *اِنَّا أَنْزَلْنَاهُ* و در رکعت دوم حمد و *قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ* را تلاوت فرمودند.

پس از نماز صبح، به تسبیح و تقدیس و حمد و ثنای خداوند پرداخته، بر پیامبر و آل پیامبر علیهم السلام درود فرستادند و برای همه مؤمنان و مسلمانان دعا فرمودند. در انتها، سر به سجده گزاردند. مدتی فقط صدای نفسهای مبارک حضرت را می شنیدم.

پس از مدتی، صدای مناجات آن بزرگوار به گوشم رسید که عرض می کرد لا إله إلا أنت *مُقَلَّبُ الْقُلُوبِ وَ الْأَبْصَارِ* و...

و سپس به این قسمت رسیدند:

وَ أَسْأَلُكَ بِجَمِيعِ مَا سَأَلْتُكَ وَ مَا لَمْ أَسْأَلْكَ مِنْ عَظِيمِ جَلَالِكَ مَا لَوْ عَلِمْتُهُ لَسَأَلْتُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ أَنْ تَأْذَنَ لِفَرَجِ مَنْ بِهِ يَفْرَجُهُ فَرَجُ أَوْلِيَائِكَ وَ أَصْفِيَائِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَ بِهِ تُبِيدُ الظَّالِمِينَ وَ تُهْلِكُهُمْ، عَجَّلْ ذَلِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.

پروردگارا! تو را به حق هر آنچه از عظمت تو خواندم و آنچه از عظمتت که اگر می دانستم تو را به آنها نیز می خواندم، درخواست دارم که بر محمد و آلش درود بفرستی و نیز اجازه فرج آن کس را صادر فرمایی که اگر فرج او انجام شود، فرج همه اولیا و برگزیدگان از آفریدگانت خواهد شد و به وسیله او همه ستمگران را نابود و

هلاک خواهی کرد.

ای پروردگار عالم! در این امر تعجیل فرما.

حضرت باز به دعای خود ادامه دادند و سر از سجده برداشتند.

حماد می گوید: خدمت حضرت عرض کردم: آیا مگر خود شما آن

کس نیستید که به فرج شما فرج همه اولیا و اصفیا خواهد بود؟

حضرت فرمودند: خیر، او قائم آل محمد علیهم السلام است.

عرض کردم: آیا برای خروج آن بزرگوار علامتی هست؟

فرمودند: بله به هنگام طلوع خورشید کسوف انجام می شود و...

به همین مقدار اکتفا کن. فقط هر شب و هر روز انتظار وقوع فرج را

داشته باش، زیرا که خداوند هر روز در کاری است و هیچ کاری او را

از کار دیگر باز نمی دارد. خدای تو چنین است. اولیای خدا به کمک

خدا محفوظند و تنها از خدا می ترسند.^۱

برخی از حقوق حضرت ولی عصر علیه السلام

و نیز محبت‌های آن بزرگوار نسبت به ما

آنچه از روایات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام مشخص

می شود آن است که خداوند، نظام خلقت را به این طریق قرار داده

است که ابتدا مقام روحانی حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آفریده شده و

۱ - مکیال المکارم، ج ۲، ص ۲۶-۲۴ به نقل از کتاب اقبال.

بعد از ایشان حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام و ائمه علیهم السلام خلق گردیده‌اند. خلقت ملائکه و انسانها، از مقامات و مراتب الهی ائمه علیهم السلام می‌باشد، به این ترتیب، وجود انسانها از وجود ائمه علیهم السلام است و بنابراین آن بزرگواران بر ما، حق وجود دارند.

از امام زمان علیه السلام در توقیعی نقل شده است که حضرت فرمودند:

نَحْنُ صَنَائِعُ رَبِّنَا وَ الْخَلْقُ بَعْدُ صَنَائِعُنَا^۱

ما ساخته شده خدایمان هستیم و خلائق، مصنوعات ما هستند. در توقیع دیگری حضرت ولی عصر علیه السلام در پاسخ افرادی که موضوع خلقت و روزی دادن توسط ائمه علیهم السلام را سؤال کرده بودند، فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى هُوَ الَّذِي خَلَقَ الْأَجْسَامَ وَ قَسَّمَ الْأَرْزَاقَ لِأَنَّهُ لَيْسَ بِجِسْمٍ وَ لَا حَالٌ فِي جِسْمٍ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ. فَأَمَّا الْأَئِمَّةُ علیهم السلام فَإِنَّهُمْ يَسْأَلُونَ اللَّهَ تَعَالَى فَيَخْلُقُ وَ يَسْأَلُونَهُ فَيَرْزُقُ، إِبْجَاباً لِمَسْئَلَتِهِمْ وَ إِعْظَاماً لِحَقِّهِمْ^۲

خداوند تعالی اجسام را آفریده و روزی‌ها را تقسیم می‌نماید، زیرا که جسم نیست و در جسم هم حلول ننموده است. هیچ چیزی مانند خدا نیست. و اوست که شنوا و بیناست. اما ائمه علیهم السلام از خداوند تعالی درخواست می‌کنند تا بیافریند و نیز روزی عنایت فرماید و

خداوند در جهت بزرگداشت حق آنان، خواسته ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ را پذیرفته است. می آفریند و روزی می دهد.

حق ادامه حیات در دنیا

از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل شده که فرمودند:

لَوْ بَقِيَّتِ الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ لَسَاخَتْ^۱

چنانچه زمین بدون امام باشد اهل خود را فرو می برد.

حق قرابت با رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

خداوند در قرآن می فرماید:

قُلْ لَا اسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى^۲

ای پیامبر! به مردم بگو که من از شما اجری را نمی طلبم، جز آن که اهل بیتم را دوست بدارید.

یکی از برجسته ترین خصوصیات امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ اضطرار آن بزرگوار در برابر همه نابسامانیهاست. آن حضرت، پیوسته نظاره گر آنهاست. در هر لحظه، او شاهد بیدادگریها و انحرافهای فراوانی از مسیر خدا و حق و عدالت است. اما او که برای برپایی حق و عدالت، ذخیره شده، از مشاهده بیدادگریها متأثر و متألم است تا

جایی که مضطر می شود و در مسجد الحرام کنار خانه خدا دو رکعت نماز گزارده، دست به دعا برداشته و این آیه شریفه را تلاوت می فرماید:

أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ^۱

کیست که خواسته مضطر را اجابت کرده، رفع ناراحتی نماید. امام علیه السلام فرموده اند که مضطر واقعی حضرت مهدی علیه السلام است و خداوند به دنبال این درخواست فرج حضرت را اجازه می فرماید.^۲

تحمل ناراحتی های ما توسط حضرت مهدی علیه السلام

امام صادق علیه السلام فرموده اند:

روز قیامت، خداوند حساب شیعیان ما را به ما وامی گذارد. آن خطاهایی که بین مردم و خداوند وجود دارند و عصیان مردم در برابر خداوند می باشند.

پیامبر صلی الله علیه و آله از خداوند درخواست گذشت و بخشش آنها را می نماید.

و اما حقوقی هم که دیگر مردمان بر گردن شیعیان ما دارند، پیامبر صلی الله علیه و آله ادا کرده، صاحبان حق را راضی می نماید. البته در مواردی که شیعیان بر ما ستمی روا داشته و ما حقی بر آنها داشته

۲- تفسیر علی بن ابراهیم، ص ۴۷۹.

۱- نمل/۶۲.

باشیم، خود ما از آنها گذشت خواهیم نمود و بدین ترتیب، بدون حساب وارد بهشت می شویم.^۱

جمع کردن همه سخن‌ها بر مسیر توحید و اسلام

امام صادق علیه السلام در توضیح این آیه شریفه:

(وَلَهُ اسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعاً وَكَرْهاً)^۲

می فرمایند: زمانی که قائم علیه السلام، قیام می کند، در تمامی سرزمین‌ها ندای شهادت بر وحدانیت خدا و رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله بر می خیزد.^۳

حبّ حضرت مهدی علیه السلام نسبت به ما

محبت آن بزرگوار به شیعیان، عامل عمده‌ای است که حضرت توجه فراوان به آنان می نمایند، بدیهی است در برابر این لطف عظیم، باید پیوسته در حق مولایمان دعا کنیم.

یادآوری این نکته لازم است که محبت این بزرگوار به مردم تا زمانی ادامه دارد که انسانها اطاعت از فرامین خدا را گردن نهاده و از گناه دوری نمایند.

۱- بحار، ج ۷، ص ۲۷۴، باب ۱۱ حدیث ۴۸.

۲- آل عمران / ۸۲.

۳- المحجة فی ما نزل فی القائم علیه السلام، ص ۷۲۷، به نقل از تفسیر عیاشی.

امام باقر علیه السلام به جابر جعفی فرمودند: ^۱
 هر کس اطاعت خدا را گردن نهد، دوست ما می باشد و آن کس که
 به مخالفت با خدا پردازد، دشمن ما می باشد. و جز با عمل نیک و
 ورع و تقوا کسی نمی تواند محبت ما را دریافت کند.
 موسی بن یسار از امام رضا علیه السلام نقل می کند که حضرت فرمودند:
 آیا نمی دانی که اعمال شیعیان ما هر صبح و شام به ما عرضه
 می شود.
 چنانچه در نامه اعمالشان نقطه خلاف و سیاهی باشد، از خداوند
 درخواست می نمایم تا آنها را پاک فرماید؛ و چنانچه کار خیری
 انجام داده باشند، از پروردگار درخواست پاداش می نمایم. ^۲

۱- مکیال المکارم، ج ۱، ص ۸۲، به نقل از دارالسلام.

۲- بحار، ج ۳، ص ۲۵۲، سطر ۱۸.

رفع بلا و عذاب از مردم به واسطه امام زمان علیه السلام

امام باقر علیه السلام فرمودند:

زمانی بر مردم فرا خواهد رسید که امامشان از دیدگانشان پنهان می شود. خوشا بر احوال کسانی که در زمان غیبت امام عصر علیه السلام ایمان به حضرتش را حفظ نمایند. پاداش ایشان آن است که خداوند به او خطاب نموده، می فرماید: بنده من! در پنهانی ولیم او را تصدیق نموده و ایمان آوردی. تو را به پاداش نیک بشارت می دهم.

ای بنده من! این عهد را از تو می پذیرم و از تو در می گذرم و گناهانت را می بخشایم. به خاطر شما باران را برای مردم می فرستم و بلایا را از ایشان دور می کنم. اگر شما نمی بودید عذاب من بر مردم نازل می شد.^۱

۱ - کمال الدین، ص ۳۳۰، باب ۳۲، حدیث ۱۵.

راحتی مردم در زمان ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام

امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام فرمودند:

چنانچه قائم ما به پا خیزد، آسمان باران را بر مردم می بارد و از زمین همه گیاهان می روید و بغض و کینه از دل مردم رخت بر می بندد و درندگان و چهارپایان به صلح و صفا زیست می کنند. امنیت به قدری فراوان می شود که زنی به تنهایی بین عراق و دمشق که بسیار خشک و بی آب و علف می باشد، بر سرزمینی قدم نمی گذارد، مگر آن که آن سرزمین سرسبز و خرم باشد.

این زن، تاج زینت خود را بر سر دارد، ولی کسی به او طمع نامناسب نمی ورزد و آن زن از هیچ چیزی نمی ترسد.^۱

امام باقر علیه السلام فرمودند:

تمامی اموال دنیا، چه آنچه بر روی زمین است و یا آنچه در دل زمین پنهان است - در اختیار حضرت مهدی علیه السلام خواهد بود، به همه مردم گفته می شود: هر چه از شما به هر نحوی به ناحق گرفته شده باز پس گیرید. به آنها چیزهایی داده می شود که هرگز قبل از آن داده نشده بوده است.^۲

۱- مکیال المکارم، ج ۱، ص ۱۰۱، ش ۲۲۸.

۲- بحار، ج ۵۲، ص ۳۹۰، باب ۲۷، ح ۲۱۲.

شفاعت آن بزرگوار

در روایتی^۱ از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است:

به هر یک از ائمه علیهم السلام در روز قیامت مقامی داده شده است و مقام شفاعت در اختیار حضرت مهدی عج است. این بزرگوار هر که را بخواهد شفاعت می‌کند و خداوند بنا به درخواست حضرت مهدی افراد را می‌آمرزد.

۱ - مکیال المکارم، ج ۱، ص ۱۰۶، به نقل از غایة المرام.

عدالت امام زمان عجل الله فرجه

ویژگی استثنایی آن بزرگوار که مورد توجه تمامی انبیا و اولیا در طول تاریخ بوده و همه مکاتب بدان افتخار می‌کنند، گستردگی عدالت در زمان ظهور حضرتش می‌باشد. کمتر حدیثی درباره این بزرگوار شرف صدور یافته که این ویژگی در آن ذکر نشده باشد. سخن درباره حضرت مهدی عجل الله فرجه ترادف عجیبی با ظهور عدالت و دادگستری دارد.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:... مهدی عجل الله فرجه آن کسی است که گیتی را از دادگری و عدالت پر می‌کند، همان گونه که آکنده از ظلم و جور و بیدادگری است. سوگند به آنی که مرا بشارت دهنده بر حق برانگیخت، اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نماند، خداوند آنچنان روز مزبور را طولانی می‌کند که سرانجام فرزندم مهدی عجل الله فرجه خروج نماید...^۱

فصل و جدایی بین حق و باطل

از مشکلاتی که برای نوع انسانها پیش آمده و می آید، سختی در تشخیص بین حق و باطل است. زیرا شیطان به انواع وسایل، کوشش در آن داشته که باطل لباس حق را بپوشد و به گونه حق جلوه کند.

اما از الطاف الهی آن است که در روزگار مهدی علیه السلام حق و باطل به صورت صریح در برابر یکدیگر صف می بندند و حق به صورتی آشکار بر باطل چیره می شود.

در قرآن مجید آمده است:

«مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ يَمِيزَ الْخَبِيثُ مِنَ الطَّيِّبِ»^۱

«خداوند، مؤمنان را به آنچه شما برآنید و انمی گذارد، تا پلید را از

پاکیزه جدا گرداند.»

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«گذر ایام، به جایی می‌رسد که منادی از آسمان صدا می‌زند: اهل حق و اهل باطل، صف جدا کنند و چنین می‌شود.

راوی سؤال می‌کند: آیا بعد از این ندا، باز این دو گروه مخلوط می‌شوند؟ حضرت فرمودند: هرگز! زیرا که خداوند در قرآن می‌فرماید:

مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ^۱

قتل شیطان به دست امام عصر علیه السلام

زمانی که شیطان از خداوند مهلت خواست تا روز قیامت به گمراه کردن مؤمنان پردازد، خداوند تا روزی که به تعبیر قرآن یوم الوقت المعلوم است، به او مهلت داد.

این روز بر اساس بیان روایات توسط ائمه علیهم السلام روز ظهور حضرت مهدی علیه السلام است. در این زمان شیطان به دست حضرت نابود می‌شود.^۲

لازم به یادآوری است که با ظهور حضرت مهدی علیه السلام دوران

۲- بحار، ج ۵۲، ص ۳۷۶، باب ۲۷، ح ۱۷۸.

۱- آل عمران / ۱۷۹.

مهلت به کفار تمام می‌شود. کفار و منافقین به عذاب برخاسته از کارهای ناپسند خود و کفران نعمت‌های الهی مبتلا می‌شوند.

داستانی بسیار مشهور نزد اهل نجف

این ماجرا در قرن هشتم هجری اتفاق افتاده است.

فردی به نام حسین مدلل، گرفتار فلج می‌شود، وی توانایی حرکت نداشته است. بنابراین زن و فرزندش سالهای چندی در حرکت کردن او را یاری می‌داده‌اند.

کم‌کم فشار زندگی و کمبود درآمد و خستگی‌های حاصله از رسیدگی به حسین مدلل، آنان را در سختی قرار داد.

شبی از شبها در سال ۷۲۰ هجری قمری، نیمه شب اهل خانه را بیدار می‌کند و به آنها روشنایی استثنایی خانه را نشان می‌دهد و می‌گوید: امام زمان علیه السلام بزرگوارانه تشریف فرما شدند و مرا به برخاستن امر کردند و من که توانایی حرکت نداشتم، عرضه کردم: مگر می‌توانم برخیزم؟

دست مرا گرفتند و من به روی پا ایستادم.

از آن هنگام، تمامی ناراحتی از من دور شد. سپس مرا امر فرمودند: تا هر شب به زیارت امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام مشرف شویم و من هم امر آن بزرگوار را پذیرا شده و برای سپاسگزاری به

زیارت مولایم امیرالمؤمنین علیه السلام شتافتیم.^۱

ندای امام عصر علیه السلام به عنوان درخواست از مردم

برای دعای بر فرج امام زمان علیه السلام در توقیعی چنین فرموده‌اند:

«وَأَكْثَرَ وَالدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجَكُمْ»^۲

دعای بر فرج را زیاد انجام دهید، زیرا که همین دعا گشایش شماست، پاسخ مثبت به این خواسته مولای بزرگوار که قرن‌ها در اسارت غیبت و یا زندان غیبت، به سر می‌برند، امری منطقی و ضروری است، جایی که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرمایند:

«هر کس صبحگاهان که آغاز کار می‌نماید، اهتمامی در رفع گرفتاریهای مسلمانان نداشته باشد، نمی‌توان او را مسلمان انگاشت و آن کس که ندای مسلمانی را به کمک بشنود و به یاری او نشتابد، نام مسلمانی نگیرد.»^۳

آزمون خلق

چه بسیار انسانهایی که در شرایط عادی به گونه‌ای سخن می‌گویند و اظهار نظر می‌کنند، اما به محض بروز کوچکترین تغییر و تحوّل، رنگ می‌بازند و سخن به گونه‌ای دیگر ساز می‌کنند.

۱- بحار، ج ۵۲، باب ۱۸، ص ۷۳-۷۴. ۲- احتجاج، ج ۲، ص ۲۸۴.

۳- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶۴، ح ۵.

به فرموده حضرت علی علیه السلام: «در دگرگونیها، گوهر واقعی انسانها نمایان می شود.

بنی اسرائیل تنها در یک آزمایش ساده و تمدید ده روزه میقات حضرت موسی علیه السلام راه گوساله پرستی پیش گرفتند و دست از پیامبر خدا کشیدند. قرآن به مواردی از پایداری یا سُستی پیروان پیامبران اشاره کرده است.

اساساً زندگی همه ما بستر همین دگرگونیها و بروز پایداری ما است. آزمودن خلق از سنتهای الهی است و خداوند بزرگ نیز پهنه آفرینش را صحنه آزمون انسانها قرار داده است:

«الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا.»^۱

خدای یکتا مرگ و حیات را آفرید تا شما را بیازماید که کدام یک نیک کردارترند.

با این مقدمه یادآور می شویم که چه بسا غیبت امام زمان علیه السلام یکی از آزمایشهای مردم باشد که در این آزمایش، حساب آنان که علی رغم به طول انجامیدن این دوران و بروز انواع شبهات و مشکلات همچنان بر این عقیده ثابت قدم مانده اند، از حساب دیگرانی جدا شود که کوچکترین شبهه یا تحویل ساده اجتماعی ایشان را از این عقیده روی گردان کرده است. این موضوع در یکی

از پیامهای حضرت مهدی علیه السلام نیز مورد تأکید قرار گرفته است و حضرتش از این که مردمی بر اثر محنتهای دوران غیبت تمایلاتی به این سو و آن سو پیدا کرده‌اند و دست از عقیده‌ی راستین خود شسته و به همه‌ی واقعیتها پشت پا زده‌اند، اظهار تأسف می‌کند و در عین حال درباره‌ی وقوع امتحان مردم در این مسأله با صراحت می‌فرماید:

من از تاریکی پس از روشنایی و از گمراهی پس از هدایت و از کردارهای زشت و فتنه‌های تردیدآمیز به خدای بزرگ پناه می‌برم، همچنین می‌فرماید: «آیا مردم گمان برده‌اند که با اظهار ایمان رها شده و آزمایش نمی‌شوند؟» اینان چگونه در دامان فتنه‌ها سقوط کرده و به سرگردانی افتاده‌اند و به چپ و راست می‌زنند؟ آیا از دین خود جدا شده‌اند، یا به شک و دودلی افتاده، یا به دشمنی با حق روی آورده‌اند؟

آیا آن همه روایات درست و اخبار صحیح را نمی‌دانند، یا آن که آگاهند و آنها را به دست فراموشی سپرده‌اند؟^۱

از امام غایب چگونه بهره می‌بریم؟

نخست باید دانست در اعتقاد ما امام واسطه فیض میان خدا و خلق در تمامی زمینه‌هاست. پشتوانه این عقیده آیات و روایات و دلایل متقنی است که طرح آنها خود بحثی مستقل را می‌طلبد. خلاصه این که، بر اساس این بینش، هستی مرهون وجود امام است. برای نمونه در حدیث می‌خوانیم:

اگر حتی برای لحظه‌ای زمین بدون امام بماند، اهلیش را فرو خواهد برد و چونان دریا پر از موج خواهد شد.

این پیام از امام زمان علیه السلام مشهور است که:

وَإِنِّي لِأَمَانٍ لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ.^۱

همان‌طور که ستارگان موجب امان آسمانیان هستند،

من نیز ایمنی‌بخش زمینیان هستم.

و این مطلب بیان دیگری از فرموده پیامبر عظیم‌الشان اسلام ﷺ خطاب به جابر بن عبدالله انصاری است که سالیانی پیش در پایان حدیثی طولانی دربارهٔ شئون امامت و جایگاه امامان در نظام هستی فرموده‌اند:

«بِهِمْ يُمَسِّكُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ اللَّهُ بِأَذْنِهِ وَ بِهِمْ يَحْفَظُ اللَّهُ الْأَرْضَ أَنْ تَمِيدَ بِأَهْلِهَا.»^۱

خداوند به برکت وجود ایشان (ائمه معصومین علیهم‌السلام) است که آسمان را از فرو افتادن بر زمین - جز با اجازهٔ خویش - حفظ می‌کند و زمین را نیز از این که اهلش را در کام گیرد، محافظت می‌فرماید.

انتظار در روایات و سنت

مجموعهٔ اخبار و روایاتی که تا کنون از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه اطهار علیهم‌السلام به دست ما رسیده است، به خوبی فضیلت و معنای انتظار و ابعاد عملی و نتایج مترتب بر آن را برای ما بازگو می‌کند.

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرموده‌اند:

أَفْضَلُ أَعْمَالٍ أُمَّتِي أَنْتَظَرُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.^۲

برترین اعمال امت من، انتظار رسیدن فرج، از نزد خدای عزیز جلیل است.

امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام می فرمایند:

«أَفْضَلُ عِبَادَةِ الْمُؤْمِنِ أَنْتَظَارُ فَرَجِ اللَّهِ»^۱

برترین عبادت مؤمن چشم به راه فرج خدایی داشتن است. در حقیقت، انتظار ظهور مهدی موعود علیه السلام، که «فرج اعظم الهی» نیز نام گرفته است، به عنوان عبادت افضل، موجب پالایش فردی و اجتماعی جامعه مسلمین خواهد بود، چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در این باره می فرمایند:

خوشا به حال منتظرانی که به حضور «قائم» برسند، آنان که پیش از قیام او نیز پیرو اویند، با دوست او عاشقانه دوستند و موافق، و با دشمن او خصمانه دشمنند و مخالف.^۲

این آمیختگی شدید منتظران راستین حضرت مهدی علیه السلام با حق و «عدالت» که در گفتار و کردار مستمر آنان تجلی دارد، باعث چنان ارتقای مقامی برای آنان می شود که «انتظارشان» نیز جزء فرج قرار می گیرد. به تعبیر امام رضا علیه السلام در پاسخ سئوال حسن بن جهم درباره فرج: نمی دانی که انتظار فرج، جزء فرج است؟

- نه نمی دانم. مگر از شما بیاموزم.

آری انتظار فرج، جزء فرج است.

۲ - الغیبه، شیخ طوسی.

۱ - المحاسن برقی، ص ۲۹۷.

حکومت فراگیر و جهانی مستضعفان

از دیگر ره آورده‌های دوران حکومت حضرت مهدی عج ایجاد حکومتی جهانی و فراگیر است که با کمک مستضعفان و وارثان زمین به انجام می‌رسد.

قرآن کریم در این باره چنین وعده داده است:

خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند وعده داده است که به یقین ایشان را بر روی زمین خلیفه کند، همچنان که مردمی را که پیش از آنان بودند خلیفه ساخت، و دینشان را - که خود برای ایشان برگزیده بود - استوار سازد، و وحشتشان را به امنیت بدل کند، و (آن گاه) آنان مرا می‌پرستند و هیچ چیزی را با من شریک نمی‌سازند.^۱

این آیه کریمه که به تأیید ائمه اطهار علیهم‌السلام درباره حضرت

مهدی علیه السلام و زمان ظهور ایشان است، به نحوی، حاکمیت فراگیر و جهانی ایشان را که متضمن استقرار امنیت و برقراری توحید است بیان می‌دارد.

امام علی علیه السلام می‌فرمایند:

ایشان (مستضعفان میراث بر زمین) خاندان پیامبرند که خداوند، پس از سختیها، مهدی ایشان را بر می‌انگیزد و به آنان عزت می‌بخشد و دشمنانشان را خوار می‌سازد.^۱

بحث و مناظره

یکی از وظایف شیعه دلباخته به امام زمانش (ارواحنا فداه) دفع نمودن اعتراضات و ایرادات باطل که مخالفین در امر حضرتش یا کلیه امور دین می‌کنند، می‌باشد و در این راه از خطرات و گرفتار شدن هیچ وحشت و ترسی از خود نشان نمی‌دهند و هر چه دارند فدا می‌کنند و بخل نمی‌ورزند و خداوند راجع به آنان می‌فرماید:

«و يُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ»^۲

«مؤمنین در راه حق هر چه دارند فدا می‌کنند و در گرفتاریها و سختیها) خود و نفسشان را مقدم می‌دارند، گر چه خود به آنچه که فدا می‌کنند نیازمند باشند.»

لذا هر مؤمنی که با توکل بر خداوند در راه او قیام کند و برای رضای پروردگارش قدم بردارد، خداوند وی را حتماً یاری می‌کند و قدمش را ثابت می‌گرداند، چنان که می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ»^۱

«یعنی ای کسانی که ایمان آوردید، اگر خدا را یاری کنید، خداوند نیز شما را یاری دهد، تا بر دشمنان غالب و پیروز شوید و قدمهای شما را استوار می‌سازد.»

یاری رساندن به خداوند یعنی در تبلیغ از حجت خدا و پیشبرد احکام و دستورات الهی، کمک و تلاش کردن تا دین خداوند در میان بندگانش رواج یابد و با بی‌دینان مبارزه و جنگ و جهاد نمودن و در این میدان از هیچ خطری هراس نداشتن است.

لذا شیخ مفید (رحمة الله علیه) در آن زمانی که هر فرقه‌ای با مکتبهای فاسد و با نامها و عنوانهای مختلف و تبلیغات فریبنده در اعتقادات مردم، ایجاد سستی و ضعف می‌کردند، قیام کرد و به این آیه شریفه عمل نمود که می‌فرماید:

«وَلِتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ...»^۲

«باید از شما گروهی باشند که مردم را به خیر دعوت کنند و به

معروف و... وادارند.»

و چنان که حضرت رسول اکرم ﷺ می فرمایند:

«اذا ظهرت البدع فعلى العالم ان يظهر علمه»^۱

شیخ مفید نیز علم خود را ظاهر ساخت و دست به جهاد و انقلاب فرهنگی بزرگی زد.

چنان که حضرت رسول اکرم ﷺ فرمودند:

«ان المؤمن مجاهد بسيفه و لسانه»^۲

«مؤمن مجاهدی است که هم با شمشیرش و هم با زبانش جهاد می کند.»

شیخ مفید نیز با زبان و بیان در مجالس بحث و مناظره مشغول جهاد با افکار انحرافی شده و تبلیغ از امام زمانش می نمود.

۱ - غیبت شیخ طوسی، ص ۴۶: بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۲۵۲.

۲ - تفسیر المیزان، ج ۱۵، ص ۳۳۷.

تشکیل مجالس در حفظ شعائر

یکی از وظائف بسیار مهم در زمان غیبت، احیا نمودن امر ائمه علیهم السلام است که باعث ظهور جلالت و بزرگواری ایشان و واضح شدن حقیقتشان می‌گردد، یکی از راههای احیاء امر ائمه علیهم السلام برپا نمودن مجالس در ذکر فضایل و معارف اهل بیت علیهم السلام می‌باشد که خود یک نوع تبلیغ شعائر و دعوت خلق به ساحت مقدّسشان است و در زمان ما که امام زمان علیه السلام غیبت به سر می‌برند و پیروان حضرتش همانند ایتامی گشته‌اند که پدر مهربانی را از دست داده‌اند، همان‌طور که حضرت امام رضا علیه السلام خبر داده و فرموده‌اند: چه بسیار زنان جگر سوخته مؤمنه و بسیار مردان مؤمن اسفناک جگر سوخته خواهد بود، آن گاه که ماء معین «قائم آل محمد (ارواحنا فداه)» مفقود و غایب گردد.^۱

لذا این نوع مجالس هم مرهمی بر دل‌های سوخته و شیفته آن امام عزیز است و هم دعوتی برای کسب معارف و کمال ایمان است و هر کس تشکیل چنین مجالسی در توانش نباشد، باید توجه داشته باشد که حضور در آن مجالس و یا هر سعی و کوشش و خدمت در اقامه آن مجالس، از اهل آن مجلس محسوب می‌شود و در اجر احیاکنندگان امر حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) داخل خواهد شد و نیز موجب شادی آن حضرت می‌گردد، چنان که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام به فضیل بن یسار فرمودند: ای فضیل بن یسار! آیا می‌نشینید و با هم در امر ما اهل بیت حدیث می‌کنید؟
فضیل بن یسار عرض می‌کند: بله فدایت شوم.
امام علیه السلام فرمود:

به درستی که این مجالس را دوست می‌دارم، پس امر ما را احیا کنید، آن گاه در حالی که دعا می‌کردند، فرمودند:
خداوند رحمت کند هر کسی را که امر ما را زنده نگهدارد.^۱
در روایت دیگری نقل شده است که فرمودند:
«خیر الناس بعدنا من احيى امرنا و دعا الناس الینا»^۲
«بهترین مردم بعد از ما (ائمه علیهم السلام) کسی است که امر ما را احیا کند و مردم را به سوی ما دعوت نماید.»

تاریخچه مسجد جمکران

پیدایش این مسجد از اوایل غیبت صغرای حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) می باشد که در نوشته های قدیمی این مسجد دارای سه نام است:

۱- مسجد جمکران ۲- مسجد حسن بن مثله ۳- مسجد صاحب الزمان علیه السلام و هر کدام از این سه اسم به مناسبتی گفته می شود، مسجد جمکران گفته شده، چون متصل است به قریه جمکران که یکی از قریه های شهر مذهبی قم است. این مسجد را مسجد حسن بن مثله می گویند، نظر به این که در زمان او و به همت او این مسجد ساخته شده و مسجد صاحب الزمان علیه السلام گویند، چون به امر حضرت بنا شده و وجود مبارکش در این مسجد مکرر دیده شده است، این مسجد شریف مورد احترام همه شیعیان از اول زمان غیبت تا امروز بوده است.»

اما ماجرای تشریف حسن بن مثله جمکرانی به محضر مقدس

امام عصر علیه السلام: شب سه شنبه هفدهمین شب ماه پربرکت و پرمعنویت رمضان به سال ۳۹۳ هجری قمری بود و من در روستای زادگاه خویش جمکران در خانه خود خوابیده بودم، پاسی از نیمه شب گذشته بود که ناگاه گروهی به خانه من آمدند و مرا از خواب بیدار کردند و گفتند: حسن مثله! بیدار شو و دعوت امام عصر علیه السلام را اجابت کن. چرا که حضرت مهدی علیه السلام شما را فرامی خواند. لحظات وصف ناپذیری بود، به سرعت به پا خاستم و ناباورانه آماده دیدار شدم.

گفتم: اجازه دهید تا لباسم را بر تن کنم و به خدمت شرفیاب شوم و کوشیدم که لباسی را به سرعت در همان تاریکی اتاق بر تن کنم و بشتابم، گفتند: حسن آن لباس از آن تو نیست، لباس خویش را بپوش، آن لباس را رها کردم و لباس خود را یافتم، زیر جامه‌ای داشتم آن را برای پوشیدن برداشتم که باز ندا از سوی آنان برخاست که آن هم از آن تو نیست، زیر جامه خود را بر تن کن، آن را دور افکندم و لباس دیگری را پوشیدم به سرعت به سوی کلید رفتم تا در خانه را بگشایم، اما باز ندا آمد «حسن بیا نیاز به کلید نیست، چرا که در خانه گشوده است و ما منتظر تو هستیم.»

شتابان به در خانه آمدم و با چهره‌های وزین و پرشکوه روبه‌رو شدم، آنان در کنار هم با وقار و ادب ایستاده و گویی در انتظار آمدن من بودند. سلام کردم و آنان نیز با لطف و محبت بسیار پاسخ مرا

دادند و مرا تحسین کردند و با اشاره آنان حرکت کردیم و تا نقطه‌ای که اینک مسجد جمکران است مرا راهنمایی و همراهی نمودند.

با رسیدن به آن جایگاه مقدس هنگامی که به دقت نگاه کردم، در آن جا تختی بسیار زیبا دیدم که فرش‌های جالب و تماشایی بر آن گسترده و پشتیهای زیبایی بر آن نهاده بودند و جوانی پرشکوه و پرصلابت که حدوداً سی ساله بودند و بسان خورشید نورافشانی می نمودند بر آن بساط مجلل تکیه زده و در برابرش پیرمردی وزین و بزرگوار نشسته و در حالی که کتابی در دست داشت برای ایشان می خواند و در همان حال بیش از شصت نفر با جامه‌های سفید و سبز باشکوه و نظم خیره کننده‌ای بر گرد خورشید وجود آن حضرت در آن مکان مبارک به نماز و نیایش ایستاده و دست نیاز به درگاه خداوند متعال برداشته بودند. آنان را نشناختم، اما به گونه‌ای برایم روشن شد که آن خورشید جهان افروز که در اوج کمال و جمال و... بر آن تخت تکیه زده است، محبوب دلهای پاک امام عصر علیه السلام است و آن پیرمرد نورانی و با عظمت که در برابر ایشان قرار دارد، حضرت خضر علیه السلام می باشد.

آن پیرمرد نورانی که حضرت خضر علیه السلام بود، مرا دعوت به نشستن کرد و پس از این که ناباورانه به دیدار کعبه مقصود و قبله موعود مفتخر شدم، رو به من کرد و مرا با نام و نشان خواند و فرمود: حسن مثله! آمدی؟

گفتم: آری سرورم.

پس از لطف و کرامتی بسیار فرمود: اینک نزد کشاورز این زمین حسن بن مسلم برو و این پیام را از سوی ما به او برسان، پرسیدم: کدام پیام؟ فرمود: بگو شما اکنون سالهاست که این زمین را کشت می‌کنی و ما آن را از بین می‌بریم، شما آن را آباد می‌کنی و ما آثار غاصبانۀ تو را محو می‌کنیم، اینک سالی که در پیش است، باز همان تصمیم را داری، اما آگاه باش که اولاً بر این کار مجاز نیستی و نباید اقدام کنی، بعلاوه باید استفاده‌ای را که تاکنون از این زمین کرده‌ای برگردانی تا در این مکان شریف مسجدی برپا گردد، چرا که این زمین پرشرافت و مقدس است و خداوند آن را از دیگر زمینها امتیاز بخشیده و تو آن را به زمینهای خود افزوده‌ای و با خیره‌سری آن را غصب نموده‌ای، تو به کیفر این کارت دو فرزند جوانت را از دست دادی، اما به خود نیامدی و اگر به خود نیایی و همچنان گستاخی و خیره‌سری کنی، کیفری که بدان نیندیشیده‌ای بر تو فرود خواهد آمد.

پس از شنیدن سخنان دلنشین و حیاتبخش آن گرامی گفتم: سرورم به دیده منت برای انجام خدمت با همه وجود آماده‌ام، اما باید همراه این پیام جانبخش نشانی باشد چرا که مردم، پیام بدون نشان و دلیل آشکار را از من نمی‌پذیرند و گفتارم را باور نمی‌دارند و سخنم را تصدیق نمی‌کنند.

فرمود: درست است نشان ما صداقت و راستی تو و عدالت و درستی پیام را در همین جا قرار خواهیم داد، شما برو و پیام ما را برسان و در این مورد مطمئن باش و با قوت قلب کارت را انجام بده. آن بزرگوار خطاب به من فرمود:

۱- نخست نزد سید ابوالحسن در شهر قم بشتاب و به او بگو که به همراه تو حرکت کند و کشاورز این زمین را بخواهد و منافع سالهای گذشته را از او باز ستاند.

۲- پس از آن به کمک مردم خیرخواه و علاقه‌مند بی‌درنگ طرح مسجد پر شکوهی را در این زمین برپا کنید.

۳- از منافع املاکی که در «رهق» در ناحیه «اردهال» می‌باشد و از آن ماست برای تکمیل این مسجد استفاده کنید و به او بگو که ما نصف ملک رهق را وقف این مسجد نموده‌ایم، بنابراین همه ساله استفاده آن را به ساختمان این مسجد برسانید و در راه شکوه و عظمت آن مصرف نماید.

۴- به مردم بگو این مکان مقدس را گرامی دارند و عارفانه و باخلاص به این جا روی آورند و در این مکان پرمعنویت و شریف این گونه به نیایش پروردگار بپردازند. آن گاه حضرت فرمودند:

۱- کسانی که به این جا مشرف می‌شوند، نخست دو رکعت نماز تحیت مسجد بخوانند و آن بدین صورت است که در هر رکعت پس

از سوره مبارکه حمد هفت بار سوره اخلاص و هفت بار ذکر رکوع و سجود مقرر شده است.

۲- پس از نماز تحیت مسجد دو رکعت نماز به نیت نماز «صاحب الامر علیه السلام» بخوانند که آن هم بدین گونه مقرر شده است:

پس از نیت و شروع سوره فاتحه تا جمله «ایاک نعبد و ایاک نستعین» بخوانند و آن گاه این جمله را یکصد بار با همه وجود و شور و اخلاص تلاوت و زمزمه کنند و بعد یک بار سوره اخلاص را بخوانند و ذکر رکوع و سجده‌ها را نیز هفت مرتبه بخوانند و رکعت دوم را نیز همین گونه ادامه دهند، پس از نماز در برابر خدا سر تعظیم فرود آورده و او را بزرگ بدارند و ستایش کنند و تسبیحات حضرت فاطمه علیها السلام را بگویند و آن گاه سر به سجده نهند و یکصد بار (صلوات بفرستند) و بر پیامبر و بر خاندانش که سلام خدا بر آنان باد درود فرستند.»

آن گاه فرمودند: «حسن مثله! هر کس دو رکعت نماز عارفانه و خالصانه و همراه با همه شرایط در این مکان شریف به جای آورد، چنان است که گویی در کعبه این نماز را خوانده است.»

من پیام آن حضرت را به دقت و با همه وجود به گوش جان سپردم و تا آخرین واژه همه را به جان خریدم، آن گاه پس از پایان پیام به خود گفتم که گویی آن مکان مورد نظر این جا است و این مسجد همان مسجد باشکوه است...

و با نوعی تصدیق و تأیید اشاره فرمودند که درنگ نکن و برای رسیدن پیام دقت کن، از تماشای دل آرای حضرت سیر نشده بودم، همچنان بسان تشنه‌ای در عشقش بودم که با اشاره ایشان بازگشتم.

با گامهای استوار می‌آمدم که دگر بار مرا خواندند و فرمودند: حسن مثله! در گله گوسفند جعفر کاشانی چوپان، بزی ابلق و پرمو است که هفت علامت سیاه و سفید دارد، این نشانه‌ها همانند سکه درهم هستند که سه علامت در یک طرف و چهار علامت در طرف دیگر آن حیوان است، شما باید این بز را به کمک مردم با پول شخصی خریداری کنید، آن را شب آینده به این مکان مقدس بیاورید و ذبح نمایید، آن گاه گوشت آن را روز چهارشنبه برابر با هجدهم ماه رمضان در میان بیماران تقسیم کنید که خداوند آنان را به وسیله این گوشت شفا خواهد بخشید...

برای رساندن پیام و اجرای دستور حرکت کردم که برای سومین بار مرا فرا خواندند و آن خورشید جهان افروز فرمودند: ما هفت یا هفتاد روز دیگر به این جا خواهیم آمد تا پیشرفت کار را ملاحظه کنیم. به سوی خانه آمدم، با دمیدن طلوع بامداد نماز خویش را خواندم و مأموریت خود را آغاز کردم، نخست جریان را با یکی از دوستانم در میان نهادم و با او به مکان مقدسی که دیشب دعوت شده بودم، آمدم و پس از بازدید از آن جا به برخی از

نشانه‌هایی که امام عصر علیه السلام شب گذشته فرموده بود، بر خوردیم و آن عبارت بود از زنجیر و میخهایی که در آن جا نصب شده بود. آن گاه همراه دو ستم به منزل سید گرانقدری که امام دیشب دستور داده بود و من او را نمی‌شناختم، شتافتیم. هنگامی که به در خانه سید ابوالحسن رسیدیم، برخی فرزندان و کارگزارانش گویی در انتظار ما هستند و با دیدن ما گفتند:

آیا شما از جمکران آمده‌اید؟ گفتم: آری. گفتند:

سید ابوالحسن از طلوع فجر تا کنون منتظر شماست و برای آمدنتان بی‌صبرانه لحظه شماری می‌کند. وارد خانه شدیم و ضمن تقدیم سلام و اظهار تواضع با پاسخ گرم و احترام او روبه‌رو شدیم، او مرا در جایگاه خویش نشاند و پیش از این که من سخن را شروع کنم، گفت: حسن مثله! من شب گذشته خواب بودم که در عالم رؤیا بزرگ مردی را دیدم که به من فرمود: بامداد فردا مردی به نام حسن مثله از جمکران به خانه شما خواهد آمد، آنچه او به تو گفت باور کن و به او اعتماد داشته باش، چرا که سخن او پیام ما و نپذیرفتن آن در حقیقت نپذیرفتن پیام ما است، در همان لحظه بیدار شدم و تاکنون در انتظار شما لحظه شماری می‌کردم. حسن مثله می‌گوید:

جریان دیشب را به طور دقیق با او در میان نهادم و سید دستور داد اسبها را آماده نمودند و سوار بر مرکبها حرکت کردیم، در راه خویش و در نزدیکی روستای جمکران بود که به گله جعفر کاشانی

رسیدیم و آن بزی را که نشانه‌های صداقت و درستی پیام من بود در میان گله یافتیم و خواستم قیمت آن را بپردازم که چوپان گفت: به خدا سوگند این بز در گله من نبود، تنها امروز آن را دیدم، هر چه کوشیدم نتوانستم آن را بگیرم که حالا این حیوان به آسانی به طرفتان آمد و شما آن را گرفتید و به این صورت بود که حیوان را به نقطه‌ای که حضرت فرمان داده بود، آوردیم و ذبح کردیم و همان گونه که دستور داده شده بود به بیماران دادیم و هر کس که از آن گوشت مصرف نمود، شفا یافت و خبرش به اطراف رسید.

طرح مسجد جمکران اجرا شد و با اموال و منافع و املاک منطقه اردهال سقف آن را برافراشتیم.

آن میخها و زنجیرها را سید ابوالحسن به خانه خود برد که هر گاه آنها را با بیماران تماس می‌دادند، به اذن خداوند بیماران شفا می‌یافتند. پس از رحلت سید یکی از فرزندانش بیمار شد و برای شفای خویش سر صندوقی رفت که زنجیرها و میخها در آن نگهداری می‌شد، اما با شگفتی بسیار با صندوق خالی رو به رو شد و میخها و زنجیرها را نیافت. آری بدینسان مسجد پرشکوه جمکران به فرمان قبله‌خوبان دوازدهمین امام نور و به لطف خود آن حضرت پایه‌گذاری شد تا محل عبادت عارفان گردد.

اکنون این واقعه را به روایت دیگری نیز نقل می‌نماییم:

شیخ حسن مُثَلِّه جمکرانی می‌گوید:

در شب سه شنبه ۱۷ رمضان سال ۳۹۳ هـ ق یا (۳۷۳ هـ ق) در خانه خود بودم که کسی در منزل را زد و مرا از خواب بیدار کرد و گفت برخیز و امر مولایت مهدی علیه السلام را اجابت کن.

و مرا به محلی که اکنون مسجد است برد، حضرت را دیدم که بر تختی نشسته بود و پیرمردی هم که حضرت خضر علیه السلام بود، کنارش نشسته بود، حضرت مرا به نام صدا زد و فرمود: برو به حسن مسلم بگو این زمینی را که در آن کشاورزی می‌کنی، محل مقدّسی است، و خداوند آن را برای عبادت و محل مسجد برگزیده و دیگر نباید در این مکان کشاورزی کنی و این مکان چهار رکعت نماز دارد. دو رکعت نماز تحیت مسجد، که در هر رکعت سوره (قل هو الله احد) هفت بار و ذکر رکوع و سجود هم هفت مرتبه، و دو رکعت نماز امام زمان علیه السلام که در هر رکعت (ایاک نعبد و ایاک نستعین) صد مرتبه و سوره (قل هو الله احد) یک مرتبه و ذکر رکوع و سجود هفت مرتبه، در پایان نماز تسبیحات حضرت زهرا علیه السلام و در سجده صد مرتبه صلوات فرستاده شود.

حضرت فرمود: که این نماز ثوابی به اندازه دو رکعت نماز در کعبه دارد، و این مسجد، حج فقیران است.

عرض کردم: یا مولا! حتماً باید دلیلی و نشانه‌ای داشته باشم که مردم کلام مرا قبول کنند و گرنه مردم مرا تکذیب می‌کنند.

فرمودند: در گله گوسفند جعفر کاشانی بزی مو بلند و سیاه و

سفید وجود دارد، آن را بگیرید و ذبح کنید و هر کس از گوشت آن بخورد، اگر بیمار باشد، شفا یابد.

صبح هنگام به قم برو، و سید ابوالحسن را پیدا کن، و به او بگو که حسن مسلم را احضار کند و سود و استفاده چندین ساله این زمین را از او بگیرد و با آن مسجدی در این مکان برپا کند، حسن مثله می گوید: تا صبح نتوانستم بخوابم، صبح به اتفاق دوستم (علی المنذر) به همان مکان دیشب رفتیم. زنجیری دیدم که دور زمین کشیده شده بود، که طبق گفته حضرت حدود و اندازه مسجد را مشخص می کرد.

بعد به قم رفتیم تا جریان را به سید بگوییم، تا به منزل او رسیدیم خادم او گفت: شما از جمکران آمده اید؟ سید از سحر در انتظار شماست. به خانه سید رفتیم و بسیار به ما احترام گذاشت و فرمود، در خواب دیدم شخص والامقامی به من گفت: حسن مثله از جمکران به نزد تو می آید، او را تصدیق کن و به صحبتش گوش فراده که سخن او سخن ماست.

از خواب بیدار شدم و تا اکنون بیدارم تا تو بیایی. حسن مثله می گوید: ماجرای دیشب را برای سید تعریف کردم، سید بلافاصله دستور داد تا اسبها را زین کردیم و به سوی جمکران حرکت نمودیم، در بین راه گله گوسفند جعفر کاشانی را دیدیم و همان بز مو بلند و سیاه سفید در گله بود، گفتیم: این بز را چقدر به ما

می فروشی؟

گفت: این بز چند روز است در گله من آمده و بسیار چابک است، و هیچ کس نمی تواند آن را بگیرد، اگر می توانید شما بگیرید.
حسن مثله، می گوید: به طرف آن رفتم، اصلاً فرار نکرد، در محل مسجد آن را ذبح کردیم و به هر کسی که بیمار بود، دادیم، بلافاصله شفا یافت و خیرش در قم و شهرهای اطراف پیچید و همه این معجزه را شنیدند و از هر سو به طرف جمکران آمدند و جمعیت زیادی در محل جمع گردید.

سید، حسن مسلم را احضار کرد و منافع زمین را از او گرفت و مسجدی در آن مکان برپا ساخت، آن گاه سید زنجیر و میخهایی را که در اطراف زمین بود، با خود به قم آورد و در خانه خود گذاشت و هر بیماری که آن زنجیر را لمس می کرد، شفا می یافت.
تا زمانی که خود سید بیمار شد و خواست از آن استفاده کند، زنجیر ناپدید گشت و دیگر کسی آن زنجیر را ندید و سید وفات نمود. از آن زمان تا اکنون این مکان مقدس محل عبادت عاشقان حضرت مهدی علیه السلام گشته است.^۱

۱- از کتاب مهدی علیه السلام معجزه جاودان محمدحین طسوجی.

اسامی مقدس امام زمان عجل الله فرجه

در مذاهب مختلف جهان چنین است:^۱

در کتاب انجیل یوحنا (تسلی دهنده، و روح راستی)

در کتاب انجیل مسیحی ها (مهمید آخر)

در صحف ابراهیم علیه السلام (صاحب)

در کتاب زبور داود علیه السلام (قائم)

در صحیفه آسمانی (کلمة الحق)

در تورات عبری (ماشع)

در زمزم زرتشت (سروش ایزد)

در کتاب شعیای نبی (فیروز)

در کتاب قبروس رومیان (فردوس الاکبر)

در کتاب صحیفه آسمانی (لسان الصدق)

در مذهب دو هر (بقیة الله)

در کتاب دانیال نبی علیه السلام (قائم)

در مذهب دادنگ بودائیان (دست راستین)

در کُتُبِ دیگر (مسیح الزمان) آمده است.

۱- کتاب شریف اقوام الاثمه، ج ۱، ص ۲۲۹.

اکنون روایتهای مختلف را دربارهٔ ولادت حضرت مهدی علیه السلام بیان می‌کنیم:

- ۱- علی بن محمد^۱ می‌گوید: «حضرت صاحب الزمان علیه السلام در نیمه شعبان، سال دویست و پنجاه و پنج متولد شد.»^۲
- ۲- حکیمه دختر امام جواد علیه السلام می‌گوید: امام عسکری علیه السلام در نیمه شعبان سال دویست و پنجاه و پنج کسی را به دنبال من فرستاد...^۳
- ۳- در ارشاد مفید آمده است: «تولد امام مهدی علیه السلام در شب نیمه شعبان سال دویست و پنجاه و پنج واقع شد.»^۴
- ۴- در روایت معلی بن محمد آمده است: (... برای امام عسکری علیه السلام در سال دویست و پنجاه و پنج فرزندی متولد شد و او را (م ح م د) نامید...)^۵
- ۵- محمد بن حسن کرخی می‌گوید: (از یکی از دوستانم به نام ابی هارون شنیدم که می‌گفت: صاحب الزمان علیه السلام را دیدم، ولادت آن حضرت در روز جمعه سال دویست و پنجاه و شش واقع شد.)^۶

۱- احتمالاً همان علی بن محمد بن ابراهیم بن ابان رازی کلینی صاحب کتاب اخبار القائم است.
 ۲- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۷، روایت ۲۵.
 ۳- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۳، روایت ۳۶.
 ۴- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۴، روایت ۴.
 ۵- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵، روایت ۱۶.

- ۶- از حکیمه (از طریق دیگری غیر از سند روایات شماره دو) نقل شد که گفت: «امام عسکری علیه السلام در شب نیمه شعبان سال دویست و پنجاه و پنج کسی را دنبال من فرستاد.»^۱
- ۷- علان می گوید: «مولایمان مهدی علیه السلام در سال دویست و پنجاه و شش هجری، دو سال پس از رحلت امام هادی علیه السلام متولد شد.»^۲
- ۸- شیخ کمال الدین بن طلحه می گوید: حجة بن الحسن علیه السلام در بیست و سوم رمضان سال دویست و پنجاه و هشت در سامرا متولد شد.^۳
- ۹- عیسی بن محمد جوهری می گوید: «همراه گروهی برای تبریک به امام عسکری علیه السلام به خاطر تولد حضرت مهدی علیه السلام از منازل خود خارج شدیم، برادرانمان گفتند که زمان ولادت، هنگام طلوع فجر شب جمعه در ماه شعبان بوده است...»^۴

۱- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۹، روایت ۲۶.

۲- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۳، روایت ۳۵.

۳- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۳، روایت ۳۵.

۴- اثبات الهداة، ج ۲، ص ۵۷۲، روایت ۶۹۶.

کسانی که آن حضرت را در خردسالی دیده‌اند

۱- غیاث ابن اسد می‌گوید:

«از محمد بن عثمان عمری (قُدِس سرّه) یکی از نواب اربعه و نمایندگان ولی عصر علیه السلام شنیدم که می‌گفت: هنگامی که حضرت مهدی علیه السلام به دنیا آمد، از سر مبارکش نوری به سمت آسمان اوج گرفت، آن گاه حضرت به سجده افتاد و در برابر پروردگار جبین به خاک سائید، سپس سر برداشت و چنین فرمود:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَ الْمَلَائِكَةُ وَ أُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ، إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ.»^۱

با این تفاوت که آیه این گونه شروع می‌شود: «أَشْهَدُ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ...» ترجمه: خداوند و ملائکه و صاحبان علم گواهی می‌دهند که خدایی جز او نیست، او قائم به قسط است و جز او خدای مقتدر شکست ناپذیری که ساخته و پرداخته‌اش خالی از هر عیب و نقصی است هیچ خدایی نیست، دین پذیرفته شده در نزد خداوند، همانا اسلام است.

محمد بن عثمان اضافه کرد: ولادت آن بزرگوار در شب جمعه بود.^۲

۲- احمد بن اسحاق سعد اشعری در یک حدیث طولانی از امام

۲- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵، روایت ۱۹.

۱- آل عمران / ۱۹-۱۸.

عسکری رضی الله عنه نقل می‌کند که از ایشان سؤال کردم:
 یابن رسول الله! امام و خلیفه بعد از شما چه کسی است؟
 امام رضی الله عنه به سرعت از جا برخاست و وارد خانه شد، پس در حالی
 که پسری ماهروی سه ساله را به همراه داشت، خارج شد و فرمود:
 ای احمد بن اسحاق! اگر تو در نزد خدا و ائمه رضی الله عنهم احترام نداشتی،
 این پسر را به تو نشان نمی‌دادم، او همنام و هم کنیه رسول
 الله صلی الله علیه و آله است و زمین مالا مال از ستم را از عدل و داد سرشار خواهد
 کرد.^۱

۲- یعقوب بن منقوش می‌گوید: «بر امام عسکری رضی الله عنه وارد شدم،
 ایشان بر روی سکویی در خانه نشسته بودند، در سمت راست آن
 حضرت اتاقی بود که پرده‌ای جلوی در آن آویزان بود.
 عرض کردم: «مولای من صاحب الامر کیست؟ فرمود: این پرده
 را بالا بزن» پرده را بالا زدم، پسری هشت ساله با قدی در حدود یک
 متر و اندی با پیشانی بلند، چهره‌ای نورانی، چشمانی درشت و
 درخشنده، دستهایی قوی و زانویی برجسته که خالی بر گونه
 راست و پارچه‌ای بر سر داشت خارج شد، روی پای امام
 عسکری رضی الله عنه نشست، امام فرمود: «این صاحب شماس است» سپس به
 سرعت از جا بلند شد و فرمود: «پسر را به داخل خانه برو تا زمان

مقرّر.» در حالی که من به سیما و قد و قامتش نگاه می‌کردم داخل خانه شد. امام عسکری علیه السلام فرمودند:

«یعقوب! نگاه کن بین در خانه کیست؟»

من وارد اتاق شدم، اما هیچ کس را ندیدم.^۱

۴- محمد بن حمزه علوی می‌گوید:

از امام عسکری علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: ولی خدا و حجت او بر بندگانش جانشین من، پاک و پاکیزه و مختون (ختنه شده) در هنگام طلوع فجر در شب نیمه شعبان سال دویست و پنجاه و پنج متولد شد.^۲

۱- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۸۰، روایت ۱۸۳.

۲- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۷۰، روایت ۶۸۳.

سنّ حضرت مهدی عج در آغاز امامت

- ۱- محمد بن جعفر اسدی^۱ می گوید: امام قائم محمد بن حسن علیه السلام در نیمه شعبان دویست و پنجاه و پنج متولد شد و به هنگام رحلت پدرش پنج ساله بود.^۲
- ۲- علی بن مهزیار می گوید: «امام هادی علیه السلام به امامت حضرت عسکری علیه السلام در حالی که حضرت امام حسن عسکری علیه السلام هفت ساله بود تصریح فرمود، من عرض کردم: مولای من! آیا می شود که پسری هفت ساله امام باشد؟
آن حضرت فرمود: آری و می شود پسری پنج ساله امام باشد.^۳
- ۳- ارشاد مفید می گوید: «ولادت آن حضرت در شب نیمه شعبان سال دویست و پنجاه و پنج واقع شد و مادرش کنیزی به نام نرجس

۱- وی از کسانی است که هیچ خدشهای در موردش نشده است.

۲- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۶۸، روایت ۵۷۸.

۳- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۷۹، روایت ۷۵۴.

بود و سنّ آن حضرت هنگام رحلت پدرش پنج سال بود که خداوند به او حکمت عنایت فرمود و حق را در دل و زبان او نهاد و وی را آیتی برای جهانیان قرار داد.

همان طور که به یحیی علیه السلام در کودکی حکمت عطا کرد، به او نیز حکمت بخشید و همان گونه که عیسی بن مریم علیه السلام را در گهواره به نبوت رساند، مهدی علیه السلام را نیز مقام امامت داد...^۱

عقیده علمای اهل سنت درباره وجود مقدّس امام زمان علیه السلام

سویدی، یکی از علمای اهل تسنن می گوید:

آنچه علما بر آن اتفاق دارند، آن است که حضرت مهدی علیه السلام در پایان روزگار قیام می فرماید و زمین را پر از عدل و داد می کند و احادیث راجع به حضرت مهدی علیه السلام و ظهور ایشان بسیار است.^۲

ابن ابی الحدید می گوید:

در آخر الزّمان مردی از اهل بیت علیهم السلام ظاهر خواهد شد که دین را تأیید و عدل را آشکار فرماید و مسلمانان از او پیروی نمایند و بر ممالک اسلامی مستولی شود و نام او مهدی علیه السلام است.^۳

محمد بن طلحه شافعی از اهل سنت می گوید:

«هو ابنُ ابي مُحَمَّد العسکری علیه السلام وَ مؤلدهِ بِسامراء».

۱ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۳، روایت ۳۶.

۲ - مقدمه ابن خلدون، ص ۳۶۲.

۳ - سیانک الذهب، ص ۷۸.

او فرزند ابی محمد امام حسن عسکری علیه السلام می باشد و محل تولدش سامرا بوده است.^۱
 ابو عبدالله فقیه محمد بن یوسف گنجی شافعی از اهل سنت می گوید:

«أَنَّ الْمَهْدِيَّ وَالِدِ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ فَهُوَ حَيٌّ مَوْجُودٌ بَاقٍ مِنْهُ إِلَى الْآنَ وَلَا اِمْتِنَاعُ فِي بَقَائِهِ بِدَلِيلِ بَقَاءِ عَيْسَى وَ الْخَضِرِ وَ الْيَاسِ عليه السلام».

به درستی که مهدی علیه السلام فرزند حسن عسکری علیه السلام است، او از زمان غیبت تا کنون زنده و موجود و باقی است، بقای از امتناع ندارد به دلیل بقای عیسی علیه السلام و خضر علیه السلام و الیاس علیه السلام.^۲

شیخ الاسلام حموینی از اهل سنت می گوید:

شیخ الاسلام حموینی در فرائد السمطین از محدث و فقیه شافعی ابراهیم بن یعقوب کلابادی نجاری و خواجه کلان شیخ سلیمان بلخی حنفی در ینابیع الموده از جابر بن عبدالله انصاری نقل می نماید که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

«مَنْ أَنْكَرَ خُرُوجَ الْمَهْدِيِّ فَقَدْ كَفَرَ بِمَا أَنْزَلَ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ صلی الله علیه و آله و سلم».

کسی که خروج حضرت مهدی علیه السلام را منکر شود، محققاً کافر است به آنچه بر محمد صلی الله علیه و آله و سلم نازل گردیده است.^۳

۱ - مطالب الثوول فی مناقب آل الرسول.

۲ - البیان فی اخبار صاحب الزمان آخر باب ۲۰.

۳ - فرائد السمطین.

محب‌الدین طبری از اهل سنت می‌گوید:

محب‌الدین طبری از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که فرمودند: «اگر از دنیا نماند مگر یک روز خداوند آن روز را طولانی می‌کند تا مردی را از اهل بیت من که نامش نام من است مبعوث نماید. سلمان پرسید: یا رسول الله! از کدام فرزندت؟

حضرت دست مبارکش را روی شانه حسین علیه السلام نهادند و فرمودند: این فرزندم.^۱

شیخ محیی‌الدین از اهل سنت می‌گوید:

بدانید که چاره‌ای نیست از خروج مهدی علیه السلام و لکن او خروج نمی‌کند تا این که زمین پر از ظلم و جور گردد و آن گاه آن را پر از عدل و داد می‌کند، مهدی علیه السلام از عترت رسول خدا صلی الله علیه و آله و از فرزندان فاطمه علیها السلام و جدش حسین بن علی بن ابیطالب و پدرش امام حسن العسکری بن الامام علی النقی علیه السلام...^۲

محمد بن طلحه شافعی از اهل سنت می‌گوید:

محمد بن طلحه شافعی از تفسیر ثعلبی از قول انس بن مالک می‌نویسد، پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: (نحن وَاَلَدُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ سَادَةُ اَهْلِ الْجَنَّةِ اَنَا وَ حَمْزَةُ وَ جَعْفَرُ وَ عَلِيُّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ الْمَهْدِيُّ) ما فرزندان عبدالمطلب سروران اهل بهشت هستیم، من و حمزه و جعفر و علی و

حسن و حسین و مهدی علیهم السلام ^۱ ابن جوزی از اهل سنت می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«در آخر الزمان مردی از فرزندان من خروج می کند که نامش مانند نام من و کنیه اش مانند کنیه من است، زمین را پر از عدل می کند، چنان که از ظلم پر شده است و این همان مهدی علیه السلام است.»^۲

آیاتی از قرآن کریم که دلالت بر علم امام زمان علیه السلام دارند

۱- (عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ)^۳
خداوند داننده غیب است و جز آن کسی را از میان فرستادگانش که خود بدان راضی باشد، کسی دیگری را بر علوم غیب مطلع نخواهد کرد.

۲- (قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولَٰئِكَ)^۴

بگو آیا آنان که می دانند با آنهایی که بی نصیب از دانش هستند برابرند؟ منحصرأ اندیشمندان متذکر می شوند و به حقیقت میل می کنند.

۳- (وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ)^۵

۲- تذكرة الخواص، ص ۳۴۰.

۴- زمر/۹.

۱- مطالب الاصول، ص ۸۹.

۳- جن/۲۷-۲۶.

۵- آل عمران/۷.

از حقیقت و باطن ناپیدای آن جز خداوند و آنان که جانیشان در ژرفای دانش الهی آرام گرفته‌اند کسی باخبر نیست.

۴- (بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتُّوَالِعِلْمَ) ^۱

چنین نیست، بلکه قرآن همان آیات روشن الهی است که در قلوب صاحبان دانش و فرهیختگان واقعی جای گرفته است.

۱- حمران بن اعین از امام باقر علیه السلام در مورد آیه (عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا) توضیح خواست، امام علیه السلام ادامه آیه را که می‌فرماید: إِلَّا مَنْ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ (تلاوت کرده و فرمود: به خدا قسم محمد صلی الله علیه و آله و سلم از کسانی بود که پروردگار بر علم و اطلاع او به غیب، رضا داده بود، اما این که فرموده است: (عَالِمُ الْغَيْبِ) به این معنی است که خداوند قبل از این که چیزی را خلق کند و علم و تدبیر آن را به ملائکه بسپارد، خود به آنچه از قضا و قدر الهی که از آفریده‌ها پنهان است عالم است.

حمران! این همان علمی است که فقط در نزد خداوند است، و مشیت خدا نیز در دایره همین علم الهی قرار دارد که هر وقت بخواهد آن را به انجام می‌رساند و هر گاه مصلحتی باشد، بدا (توقف از انجام کار) حاصل می‌شود و مشیتش را جاری نمی‌نماید. اما علمی که از قلم تقدیر الهی بگذرد، دیر برگشتنی در آن نیست و آن همان

علمی است که از ناحیه پروردگار به رسول الله صلی الله علیه و آله و سپس به ما می‌رسد.^۱

۲- امام باقر علیه السلام در مورد آیه: (هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَكْفُرُونَ وَالَّذِينَ لَا يَكْفُرُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ) فرمود: «آنها که می‌دانند، ما هستیم، و بی‌نصیبان از دانش، دشمنان ما هستند و اندیشمندان متذکر شونده شیعیان ما هستند.»^۲

۳- امام صادق علیه السلام: راسخون و آرام گرفتگان در ژرفای دانش الهی ما هستیم و حقیقت باطن آن می‌دانیم.^۳

۴- امام صادق علیه السلام درباره آیه (بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُتُوا الْعِلْمَ) فرمودند: (الَّذِينَ أُتُوا الْعِلْمَ) (صاحبان دانش و فرهیختگان)، ما امامان هستیم.»^۴

۵- امام صادق علیه السلام: «همان طور که گیاه از بهترین بذر می‌روید و نهال در نهایت بالندگی می‌روید، علم به کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله نیز همان گونه در دل مهدی علیه السلام می‌روید، پس هر کدام از شما که عمرش به جایی رسید که او را ببیند باید او را مخاطب قرار داده و عرض کند:

۱- اصول کافی، ج ۱، ص ۲۵۶، روایت ۲.

۲- اصول کافی، ج ۱، ص ۲۱۲۱، روایت ۱.

۳- اصول کافی، ج ۱، ص ۲۱۳، روایت ۱.

۴- اصول کافی، ج ۱، ص ۲۱۴، روایت ۲.

(السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ الرَّحْمَةِ وَالنُّبُوَّةِ وَ مَعْدِنَ الْعِلْمِ وَ مَوْضِعَ
الرَّسَالَةِ)^۱

سلام بر شما ای خاندان رحمت و واسطه نزول آیات الهی بر بشر
و ای اصل و اساس دانش و فرودگاه رسالت الهی.

۶- امام باقر علیه السلام درباره آیه (قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ
يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ)^۲

«بگو اگر آبی که می آشامید به زمین فرورود، چه کسی آب گوارا
را به شما خواهد رساند؟ فرمود: این آیه درباره امام قائم علیه السلام نازل
شده است، یعنی اگر امام شما غایب شود که ندانید در کجاست چه
کسی امامی ظاهر برای شما به پهنه هستی خواهد آورد تا اخبار
زمین و آسمان و حلال و حرام خدا را برای شما بیان نماید؟...
به خدا قسم تأویل و حقیقت این آیه نیامده است و قطعاً خواهد
آمد»^۳

۷- امام صادق علیه السلام می فرمایند: «وقتی نوبت به حضرت مهدی علیه السلام
برسد، خداوند هر بلندی دور از دسترس را برای او پست، و هر
پستی را برایش بلند خواهد کرد تا این که دنیا برای او مثل کف
دستش خواهد شد»^۴

۱- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۶، روایت ۵.

۲- ملک / ۳۰. ۳- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۶۷، روایت ۱۲۰.

۴- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۴، روایت ۲۵۲.

مقام و پاداش کسانی که در اعتقاد خود به امام زمان علیه السلام راسخ هستند

۱- امام صادق علیه السلام: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

«خوشا به حال - بهشت، گوارا باد بر - آنان که قائم اهل بیت مرا درک کنند و در دوره غیبت و قبل از قیامت از او تبعیت کنند، دوستانش را دوست بدارند و با دشمنانش دشمنی ورزند، او از یاران و دوستانان من و از گرامی ترین افراد امتم نزد من است.»^۱

۲- حضرت علی علیه السلام فرمودند:

«بدانید! هر کس از شیعیان که، بر دینش محکم باقی بماند، و از به درازا کشیدن غیبت امام، دلش به زنگار شک، تیره و سخت نگردد، روز قیامت او با من و در رتبه من است.»^۲

۳- امام سجّاد علیه السلام فرمودند:

«هر کس در دوره غیبت قائم ما، بر ولایت ما، استوار باقی بماند، خداوند اجر هزار شهید از شهدای بدر و اُحُد به او عطا می فرماید»^۳

۴- امام صادق علیه السلام فرموده اند:

«بهترین سبب نزدیکی بندگان به خداوند و برترین چیزی که موجب خشنودی او از ایشان می شود، این است که در ایام غیبت

۱- اثبات الهداة، ج ۲، ص ۴۶۰، روایت ۱۰۴.

۲- اثبات الهداة، ج ۲، ص ۴۶۴، روایت ۱۱۵.

۳- اثبات الهداة، ج ۲، ص ۴۶۶، روایت ۱۲۷.

حجت خدا که مردم، مکان او را نمی دانند معتقد باشند که حجت خدا بر حق است و روی زمین وجود دارد...»^۱

۵- مفضل بن عمر می گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام که می فرمودند:

«کسی که در حال انتظار فرج صاحب الامر علیه السلام، از دنیا برود، نه تنها مثل کسی است که با امام قائم علیه السلام، در کنار او و در اردوگاهش است، بلکه همچون مجاهد جنگاوری است که در رکاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شمشیر می زند.»^۲

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«هر یک از شما که بر اعتقاد به صاحب الامر علیه السلام و در غیبتش بمیرد، مثل کسی است که در راه خدا شمشیر می زند.»^۳

آگاهی حضرت مهدی علیه السلام از اعمال شیعیان

عبید بن زراره می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمودند: «مهدی علیه السلام از دیده مردم غایب می شود، او در موسم حج، بر اعمال مردم ناظر است، آنها را می بیند ولی آنها او را

۱- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۷۰، روایت ۱۴۲.

۲- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۷۱، روایت ۱۴۳.

۳- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۶، روایت ۱۷.

نمی بینند.»^۱

از امام رضا علیه السلام درباره قائم علیه السلام سؤال شد، فرمودند: جسمش دیده نمی شود، و نامش برده نمی شود.»^۲

حسن بن علی بن فضال می گوید:

از امام رضا علیه السلام شنیدم که فرمودند: «خضر علیه السلام» از آب حیات نوشید و تا نفخ صور زنده است، نزد ما می آید، به ما سلام می کند، صدایش را می شنویم، اما خودش را نمی بینیم.»

تا این که فرمود: «و خداوند، در دوره غیبت، به وسیله او غربت و تنهایی قائم ما را به انس و الفت بدل خواهد کرد.»^۳

ابوهاشم جعفری می گوید: شنیدم که امام هادی علیه السلام فرمودند: «جانشین من فرزندم حسن است، با جانشین بعد از جانشین چه خواهید کرد؟» عرض کردم: فدایت شوم چرا چنین چیزی می فرمایید؟» فرمودند: «زیرا شما خودش را نمی بینید و جایز نیست با نامش از او یاد کنید.»

عرض کردم، «پس چگونه از او یاد کنیم؟»

فرمودند: بگویید حجت آل محمد»^۴

۱- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۴۳، روایت ۱۹.

۲- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۷۷، روایت ۱۷.

۳- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۸۰، روایت ۱۸۱.

۴- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۰، روایت ۲۲۹.

امام صادق علیه السلام فرمودند: امیر المؤمنین علیه السلام فرموده‌اند: «بدانید که زمین از حجت خدا خالی نیست، اما خداوند به واسطه ستم و نادانی مردم، دیده ایشان را از دیدارش می‌پوشاند، و اگر زمین لحظه‌ای از حجت خدا خالی باشد، اهلش را در خود فرو خواهد بود، اما حجت خدا، مردم را می‌شناسد، ولی مردم ایشان را نمی‌شناسند، همان طور که یوسف علیه السلام، مردم (برادرانش) را می‌شناخت و آنها او را نمی‌شناختند.»^۱

علائم حتمی ظهور حضرت مهدی علیه السلام در آخر الزمان

زیدالعمی می‌گوید: امام زین العابدین علیه السلام فرمود: «در یکی از سالها، قائم ما برای گرفتن حق مردم قیام می‌کند.»
و فرمودند: «آیا قیام بدون ظهور سفیانی واقع می‌شود؟
ظهور قائم، از ناحیه خداوند، حتمی است،
و ظهور سفیانی - نیز از ناحیه خداوند - حتمی است و ظهور
قائم بدون ظهور سفیانی شدنی نیست.»
عرض کردم: «فدایت شوم» امسال چنین چیزی واقع می‌شود؟
فرمودند: هر چه خدا بخواهد»
عرض کردم: «سال آینده چنین خواهد شد؟

فرمودند: «خداوند هر چه بخواهد انجام می دهد.»^۱
 عامربن وائله از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می کند:
 پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: قبل از رستاخیز و قیامت، این وقایع قطعاً
 اتفاق می افتد:

«ظهور سفیانی، آمدن دجال، پیدا شدن دود در آسمان، خروج
 دابه، خروج قائم، طلوع خورشید از مغرب، گرفتگی در مشرق،
 خسوف در جزیره العرب، ظاهر شدن آتشی از دور دست در عدن
 که مردم را به یک جا می راند و جمع می کند.»^۲

امام صادق علیه السلام فرمودند: «در یک سال، یک ماه و یک روز سه نفر
 خروج خواهند کرد: خراسانی، سفیانی و یمانی، و در بین آنها بیرق
 یمانی، رهیافته تر و به حق نزدیکتر است.»^۳

امام صادق علیه السلام فرمودند: «ندای آسمانی، ظهور سفیانی، کشته
 شدن نفس زکیه و پیدا شدن دستی در آسمان، از امور حتمی
 است.»^۴

ابوهاشم جعفری می گوید: نزد امام محمدتقی علیه السلام نشسته بودم
 صحبت از سفیانی و حتمی بودن ظهور مهدی علیه السلام در روایات به میان

۱- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۲، روایت ۵.

۲- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۹، روایت ۴۸.

۳- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۰، روایت ۵۲.

۴- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۳، روایت ۹۸.

آمد.

به امام جواد علیه السلام عرض کردم: «آیا در امر حتمی بدای الهی (تغییری) جاری می شود؟»

فرمودند: «آری» عرض کردم:

«آیا نمی ترسید که در قیام قائم علیه السلام بدا جاری شود؟»

فرمودند: «قیام قائم علیه السلام، میعاد است و خداوند از وعده تخلف نمی فرماید: (وَ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ الْمِعَادَ) ^۱

(و خداوند از وعده خود بر نمی گردد).

اینها بخشی از احادیثی بودند که بیانگر نشانه های حتمی ایام نزدیک ظهور حضرت مهدی علیه السلام هستند، اما تمام این نشانه ها، چه حتمی و چه غیر حتمی، بر حسب این که در قضای الهی رقم خورده باشند، یا در قدر الهی تعیین شده باشند، قطعی تخلف ناپذیر نیستند و قابل تغییرند و مشیت و بدای الهی ممکن است در آنها جاری شود و اساساً هیچ کدام واقع نشوند، چنان که در قرآن کریم فرموده است:

«يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ.» ^۲

«خداوند آنچه را بخواهد از صفحه وجود پاک می کند و آنچه را

بخواهد برقرار می نماید.»

۱ - اثبات الهداة، ج ۲، ص ۷۴۰، روایت ۱۲۳.

۲ - رعد/ ۳۹.

و امّ الكتاب و لوح اصلی حاکی از هستی و عدم نیز نزد اوست.»
و حدیث ابوهاشم جعفری که در آخر همین روایات نقل شد،
شاهد دیگری بر این مطلب است.
آری قیام قائم علیه السلام از چیزهایی است که بدا (توقف از انجام کار) در
آن جاری نمی شود، زیرا قیام قائم علیه السلام از مصادیق میعاد است و
خداوند میعاد را قطعاً عملی می سازد.

محل ظهور و دعوت امام زمان علیه السلام

امام باقر علیه السلام فرمودند:

«قائم علیه السلام از راه گردنه ذی طوی فرود می آید، سیصد و سیزده نفر
- به تعداد مجاهدان بدر - همراه او هستند، تا این که پشتش را به
حجرالاسود تکیه می دهد و بیرق پیروزی را به اهتزاز درمی آورد.»^۱
صالح بن عقبه از قول امام صادق علیه السلام در مورد آیه:

(أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ
الْأَرْضِ...) ^۲

«کیست آن هنگامی که مضطرّ و درمانده او را می خواند پاسخ
گوید، و بلا و رنجوری را برطرف می کند و شما را جانشینان روی
زمین قرار می دهد»، نقل می کند که فرمود: «در باره قائم

۱ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۲۷، روایت ۵۲۱.

۲ - نمل / ۶۲.

آل محمد صلی الله علیه و آله نازل شده است که در مقام ابراهیم علیه السلام، دو رکعت نماز می‌گزارد، و خداوند را می‌خواند، خدا او را پاسخ می‌گوید و ناراحتی او را برطرف می‌نماید و او را خلیفه و جانشین خود بر روی زمین قرار می‌دهد.»^۱

مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمودند: «مولای قائم ما به کعبه تکیه می‌زند و می‌گوید:

«ای مردم! بدانید! که هر کس می‌خواهد به آدم علیه السلام و شیث علیه السلام بنگرد، همانا من، آدم علیه السلام و شیث علیه السلام هستم، هر که می‌خواهد نوح علیه السلام را ببیند، بداند که من نوح علیه السلام هستم، هر که می‌خواهد ابراهیم علیه السلام و اسماعیل علیه السلام را نظاره کند، من ابراهیم علیه السلام و اسماعیل علیه السلام هستم، هر که میل نگاه به چهرهٔ موسی علیه السلام و یوشع بن نون نبی علیه السلام را دارد، بداند که من موسی علیه السلام و یوشع بن نون نبی علیه السلام هستم،

هر که جمال و کمال عیسی علیه السلام و شمعون را طالب است، من عیسی علیه السلام و شمعون هستم، هر که می‌خواهد به محمد صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام بنگرد - و معنی حُسن و کمال را دریابد - من محمد صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام هستم،

هر که می‌خواهد جلوهٔ حسن علیه السلام و حسین علیه السلام را درک کند، من حسن علیه السلام و حسین علیه السلام هستم،

و هر که می خواهد امامان سلاله حسین علیهم السلام را بنگرد، من آن امامان هستم، درخواست و دعوت مرا پاسخ مثبت گوئید، من به شما از همان چیزی خبر می دهم که به شما خبر داده شده است و شما به گوش نگرفته اید. هر کس اهل خواندن کتابها و صحف آسمانی و فهم آنهاست، پس به من گوش بسپارد.»

سپس شروع به خواندن صحفی که خداوند بر آدم علیه السلام و شیث علیه السلام نازل کرده می نماید.

امت آدم صفوة الله و شیث هبة الله می گویند:

«به خدا قسم که بی هیچ تردیدی، این همان صحف است، به ما چیزی نمایاند که از آن بی خبر بودیم و بر ما پوشیده بود، هیچ چیز از آن کم نشده، عوض نشده و تحریف نگشته است.»

سپس صحف نوح علیه السلام و ابراهیم علیه السلام و تورات و انجیل و زبور را می خواند، آن گاه اهل انجیل و تورات و زبور می گویند:

«به خدا قسم که بی هیچ تردیدی، این همان صحف نوح علیه السلام و ابراهیم علیه السلام است و چیزی از آن کم نشده، عوض نشده و تحریف نگشته است، و به خدا قسم این همان تورات و زبور و انجیل کامل و دست نخورده است و بیش از آن چیزی است که به دست ما رسیده بود.»

سپس، آن حضرت قرآن را تلاوت می فرماید، آن گاه مسلمانان می گویند:

«به خدا قسم، بدون هیچ تردیدی، این همان قرآنی است که خداوند بر محمد صلی الله علیه و آله نازل کرده است، هیچ چیز از آن کاسته نشده، عوض نشده و تحریف نگشته است.»^۱

ویژگی‌های یاران امام قائم علیه السلام

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

«یاران مهدی علیه السلام جوان هستند و پیر در میان آنها وجود ندارد، مگر فقط به مقدار سُرمه در چشم و نمک در غذا، و کمترین چیز در میان غذا نمک است.»^۲

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«قائم علیه السلام را بر منبر کوفه می‌بینم که سیصد و سیزده تن از یارانش به عدد مجاهدان بدر، گرداگردش را گرفته‌اند، آنها یاران بیرقها و حکام خدا بر روی زمین هستند...»^۳

امام باقر علیه السلام فرمودند:

«گویا اصحاب و یاران امام قائم علیه السلام را می‌بینم که شرق و غرب را پر کرده‌اند، هیچ چیز در عالم پیدا نمی‌شود مگر این که از آنها اطاعت می‌کند، و حتی درندگان و پرندگان وحشی نیز مطیع آنها هستند،

۱- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۰-۹ از روایات طولانی باب ۲۵.

۲- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۱۷، روایت ۳۷۷.

۳- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۲، روایت ۲۲۷.

همه چیز در روی زمین خواهان به دست آوردن رضایت آنهاست تا جایی که قطعه‌ای از زمین بر قطعه‌ای دیگر افتخار می‌کند و می‌گوید:

«امروز مردی از یاران قائم علیه السلام از روی من عبور کرد.»^۱

ابوبصیر می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرمودند:

«این که لوط علیه السلام به قومش گفت:

(لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِي إِلَىٰ رُكْنٍ شَدِيدٍ)^۲

ای کاش در برابر شما نیرویی داشتم یا به شخص قابل اعتماد و قدرتمندی پناه می‌بردم. چیزی جز آرزوی داشتن نیروی حضرت قائم علیه السلام و تکیه به قدرت یاران آن حضرت نبود، به هر مردی از یاران امام قائم علیه السلام نیروی چهل مرد داده شده و دلشان از پاره‌های آهن محکمتر و قوی‌تر است، اگر از کوهها عبور کنند، کوهها از هم می‌پاشند، تا خداوند عزوجل راضی نشود شمشیرهایشان را غلاف نخواهند کرد.»^۳

مفضل بن عمر می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرمودند:

آیة (أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا)^۴

«هر کجا که باشید همه شما را گرد هم می‌آورد.»

درباره آن عده از اصحاب امام قائم علیه السلام که غایب هستند، نازل

۱- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۴، روایت ۲۲۸.

۲- هود/ ۸۰

۳- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۴، روایت ۲۲۹.

۴- بقره/ ۱۲۸.

شده است که ناگاه شب هنگام از بسترهایشان غایب می شوند و صبح در مکه هستند، بعضی از آنها در میان ابر حرکت می کنند، اسم آنها، نام پدرشان و سیما و قیافه و نسبشان شناخته می شود. مفضل می گوید: عرض کردم:

فدایت شوم، ایمان کدام یک از آنها قویتر است؟

فرمودند: «آن که روز در میان ابر حرکت می کند.»^۱

جابر جعفی می گوید: امام باقر علیّه فرمودند:

«در بین رکن و مقام، سیصد و سیزده نفر، به تعداد مجاهدان بدر، با امام بیعت می کنند، که برگزیدگان مصر، شایستگان اهل شام، و نیکان عراق در میان آنها وجود دارند، آن گاه آنچه خداوند اراده کند به دست قائم علیه السلام برپا می شود.»^۲

ابان بن تغلب می گوید:

با امام محمد باقر علیّه در مسجد مکه - مسجد الحرام - بودم، آن حضرت در حالی که دستم را گرفته بود، فرمود:

«ای ابان! سیصد و سیزده نفر به این مسجد خواهند آمد، مردم مکه می دانند که هنو پدران و اجداد آن افراد به دنیا نیامده اند، شمشیرهایی با خود دارند که روی هر کدام، نام صاحب شمشیر، و نام پدرش و حسب و نسبش نوشته شده است.»

۱ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۳، روایت ۲۴۶.

۲ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۱۷، روایت ۳۷۸.

آن گاه منادی ندا می‌دهد که:

این مهدی علیه السلام است که چون داوود علیه السلام و سلیمان علیه السلام قضاوت می‌کند، و در قضاوت کردن احتیاجی به دلیل و شاهد ندارد.»^۱

امام باقر علیه السلام فرمودند:

شمشیرهایی بر خود بسته‌اند که روی هر کدام هزار کلمه نوشته شده و هر کلمه کلید هزار کلمه است، باد از هر ناحیه‌ای وزیدن می‌گیرد ندا می‌دهد که: «این مهدی علیه السلام است که همچون داوود علیه السلام قضاوت می‌کند به شاهد و مدرک احتیاج ندارد.»^۲

امام باقر علیه السلام فرمودند:

«یاران قائم، سیصد و سیزده نفر از فرزندان عجم هستند، بعضی از آنها به هنگام روز در میان ابر حرکت می‌کنند، به اسم خودشان و نام پدرشان و حَسَب و نَسَب شناخته می‌شوند، بعضی از آنها بر بستر خوابیده‌اند، ولی ناگهان بدون قرار قبلی در مکه گرد هم می‌آیند.»^۳

حسین بن ثویر بن ابی فاخته از پدرش، از امام زین العابدین علیه السلام نقل می‌کند که فرمودند: «وقتی قائم ما قیام کند، خداوند مرض و ناراحتی را از شیعیان ما می‌برد و دل‌هایشان را چون پاره‌های آهن،

۱- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۲۶، روایت ۵۲۷.

۲- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۲۶، روایت ۵۲۹.

۳- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۲۷، روایت ۵۴۰.

محکم قرار می‌دهد و نیروی هر مردی را با نیروی چهل نفر برابر می‌گرداند و آنها را حاکم و رئیس بر مردم قرار می‌دهد.^۱

امام صادق علیه السلام فرمودند: «اصحاب حضرت موسی علیه السلام طبق آیه: (إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ)^۲؛ خداوند شما را به نهر آبی می‌آزماید. با خوردن از آب نهری امتحان شدند، یاران قائم علیهم السلام نیز تحت چنین امتحانی واقع خواهند شد.»^۳

امام مهدی علیه السلام در عینیت تاریخ

از دیگر ویژگیهای این امام بزرگوار آن است که از نسل امام حسین علیه السلام بوده و دوازدهمین پیشوای معصوم و فرزند حضرت امام حسن عسکری علیه السلام یازدهمین امام معصوم است. آن گونه که تاریخ نویسان ذکر کرده‌اند آن حضرت در پگاه نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری، در خانه حضرت عسکری علیه السلام در شهر سامرا، پای به عرصه این جهان نهاد و علی رغم تلاشها، کارشکنی‌ها و مزاحمت‌های مُنکران و مخالفان و حاکمان ظالم که نمی‌خواستند آن موعود الهی به دنیا آید، در روند تحقق وعده‌های الهی، آن حضرت متولد شد و زندگی در دامن مادر گرامی خویش، حضرت نرجس خاتون، را آغاز نمود. نافرجام ماندن تلاش خلفای عباسی برای

۱ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۶، روایت ۲۵۹.

۲ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۱۶، روایت ۳۶۷.

۳ - بقره/۲۴۹.

کشتن آن حضرت نشان دهنده اراده الهی در بقای آخرین حجّت و پیشوای ربّانی است، همچنان که به رغم خواست فرعون، موسی علیه السلام در دربار خود او بزرگ می شود تا معلوم گردد که هیچ کس تاب مقاومت در برابر اراده الهی را ندارد.

هنوز بیش از سه روز از تولّد آن حضرت نگذشته بود که حضرت عسکری علیه السلام حضرت مهدی علیه السلام را به برخی از یاران خاص خود نشان داده و فرمودند: بعد از من، این صاحب امر شما و جانشین من است.

اوست قائمی که همه در انتظار ظهور او روزگار بگذرانند و چون زمین پر از ظلم و جور شود، ظهور کند و آن را پر از عدل و داد سازد.^۱

در همین اوان به جمعی دیگر از یارانشان فرمودند:

ستمکاران می پنداشتند که مرا خواهند کُشت تا فرزندم به دنیا نیاید، اما هم اکنون توانایی خدا را چگونه یافتند؟^۲
و در روایتی دیگر به طول عمر آن وجود مبارک در غیبتش اشاره فرمودند و گفتند:

پس از من، فرزندم قائم علیه السلام صاحب امر دین و امامت است، و اوست که مانند پیامبران عمری دراز خواهد داشت و غایب

۱- ینابیع الموده، ص ۴۶۰، خواجه کلان سلیمان قندوزی حنفی.

۲- از حضرت عسکری علیه السلام به نقل از سید بن طاووس.

خواهد شد.

در غیبت طولانی او دل‌هایی تیره گردد.

فقط کسانی در اعتقاد به او پای برجا خواهند ماند که دل آنان به

فروغ ایزدی رخشان باشد و روح خدایی به آنان مدد برساند.^۱

چرا باید درباره دولت حضرت سخن گفت؟

وقتی سخن از دولت امام مهدی علیه السلام به میان می‌آید، سؤالاتی درباره چگونگی تشکیل آن به ذهن متبادر می‌شود، بخصوص که این دولت هنوز تحقق نیافته و این واقعه تاریخی به وقوع نپیوسته است.

اکنون در پاسخ به سؤال می‌گوییم:

از دو حدیثی که آینده ذکر می‌شود، این نتیجه به دست می‌آید که باید مقدمات دولت مهدی علیه السلام را فراهم آورد، و روشن است که آمادگی برای آن دولت، خود به خود، شناسایی آن را هر چند به اجمال لازم می‌نماید، دولت امام علیه السلام، همان دولت اسلام است. دولت امام منتظر علیه السلام که همان دولت اسلام است، دولتی است که در تحقق خارجی آن احکام دین اسلام به طور کامل و عادلانه، در تمام زمینه‌های گوناگون زندگانی فردی و اجتماعی، و نیز در اجتماعات

مردم و افراد دولت، تجسم یافته باشد.
(مصدق گذشته این دولت) دولتی است که در زمان حکومت
پیامبرمان برقرار شد، هنگامی که اولین دولت اسلامی در مدینه
منوره تشکیل شد.^۱

تفاوت دولت پیامبر ﷺ و دولت امام منتظر عجل الله فرجه

ممکن است گفته شود:

موقعیتهای زمانی و مکانی که دولت پیامبر ﷺ را به وجود
آورد و با آن همراه بود، با موقعیتهای دولت امام عجل الله فرجه تفاوت بسیاری
دارد، آیا این تفاوتها، تفاوت میان این دو دولت را ایجاب نمی‌کند؟
این سؤال بسیار بجایی است، بویژه آن که قانون تنظیم یافته اسلام
در بسیاری از مقررات خود، برای تطبیق احکام با وظیفه دولت به
تفصیل پرداخته و در غالب احکام کشوری و لشکری جز قواعد کلی
و مسائل عمومی را متذکر نشده است، در حالی که با پیشرفت
زندگی و پیدایش تمدنهای جدید، روشهای گذشته، و وسائل اجرای
آن قوانین از اعتبار و اهمیت افتاده است.

اما وقتی ما، بر این باوریم که وظیفه امام قانونگذاری و مانند
پیامبر ﷺ، تشکیل حکومت است،

۱ - در انتظار امام عجل الله فرجه حیات و غیبت، عبدالهادی فضلی، ترجمه دکتر حبیب
روحانی.

و از طرفی، علم او هم از روی اجتهاد نیست که ممکن است به واقع، برسد یا نرسد، بلکه از حقیقت امور آگاه است.^۱

نفوذ سیاسی جهان شمول امام منتظر عجل الله فرجه

درباره دولت آن حضرت، از احادیث اهل عصمت چنین استفاده می‌شود که نفوذ سیاسی آن، تمام جهان را فرا خواهد گرفت، تا وعده خداوند به جهانی بودن اسلام - که آیات ذیل می‌گوید - تحقق یابد:

۱- «ما، در کتاب زبور که بعد از تورات آمده، نوشته‌ایم که البته بندگان نیکوکار ما وارثان زمینند.»^۲

۲- «خداوند کسانی از شما را که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند، وعده داده است که در ظهور امام زمان عجل الله فرجه در زمین خلیفه قرار دهد، چنان که امت‌های صالح پیامبران سلف، خلفای پیشینیان خود شدند و علاوه بر خلافت دین پسندیده، آنان را بر همه ادیان تمکن و تسلط عطا کند.

و به همه مؤمنان پس از خوف و اندیشه از دشمنان، ایمنی کامل دهد تا مرا به یگانگی بدون هیچ شائبه شرک و ریا پرستش کنند.»^۳

۳- «او (خدا) کسی است که پیامبر خود را با دین حق به هدایت

۲- انبیاء/ ۱۰۵.

۱- محمد تقی حکیم، ص ۱۸۴.

۳- نور/ ۵۵.

خلق فرستاد، تا آن را بر همه ادیان عالم تسلط و برتری دهد، هر چند که مشرکان ناراضی باشند.»^۱

روایاتی که در این زمینه وارد شده است عبارت است از:

۱- امام زین العابدین علیه السلام و امام باقر علیه السلام:

«خداوند، هنگام قیام قائم علیه السلام دین اسلام را بر همه ادیان غالب

می گرداند.»^۲

۲- امام صادق علیه السلام از پدرش امام باقر علیه السلام نقل می کند که فرمودند:

(هنوز) تأویل این آیه: (با تمام مشرکان بجنگید چنان که آنها با

همه شما می جنگند) تحقق نیافته است، و هنگامی که قائم ما قیام

کند، هر کس او را ملاقات کند، تأویل این آیه را مشاهده می کند، و هر

جا را که تاریکی شب ظلمانی گناه و ستم فرا گرفته باشد، دین

محمد صلی الله علیه و آله به آن سرزمین می رسد.^۳

۳- و نیز از امام صادق علیه السلام روایت شده است:

«وقتی که قائم؛ مهدی علیه السلام قیام کند هیچ قطعه ای از زمین باقی

نمی ماند مگر این که ندای شهادت به یکتایی خدا، و رسالت

۱- توبه / ۳۳.

۲- ان الاسلام قد يظهره الله على جميع الأديان، عند قيام القائم.

۳- لم يجرى تأويل هذا الآية (و قاتلوا المشركين كافة كما يقاتلونكم كافة) و لو، قد قام

قائمنا، سیری من یدرکه، ما یكون من تأویل هذه الآية، و لیبلغن دین محمد صلی الله علیه و آله

ما بلغ اللیل.

محمد صلی الله علیه و آله در آن، بلند می شود.»^۱

سیره حمیده آن حضرت

- ۱- آراء مختلف را به قرآن باز گرداند.
- ۲- اختلافها را رفع می کند.
- ۳- از اصحاب نظر خواهی می کند.
- ۴- از حرم خروج کند.
- ۵- از دشمنان اهل بیت علیهم السلام انتقام می گیرد.
- ۶- از کوچکترین حقی چشم نمی پوشد.
- ۷- از مفتیان بی تقوا انتقام می گیرد.
- ۸- از موضع قدرت سخن گوید.
- ۹- اسلام را آشکار سازد.

۱- اذاقام القائم المهدی لا تبغی ارض الا نودی فیها، شهادة الا اله الا الله، و ان محمداً رسول الله، الا ان خاتم الأئمة منّا القائم المهدی. الا انه الظاهر علی الدین. الا انه المنتقم من الظالمین. الا انه فاتح الحصون و هادئها الا انه غالب کُل قبيلة. آگاه باشید! همانا آخرین امام، قائم مهدی از ماست. هان! او بر تمامی ادیان چیره خواهد بود.

هشدار! که اوست انتقام گیرنده از ستمکاران.

هشدار! که اوست فاتح دُرها و منهدم کننده آنها.

هشدار! که اوست چیره بر تمامی قبایل مشرکان و راهنمای آنان.

هشدار! که او خونخواه تمام اولیای خداست.

- ۱۰- اشرار را نابود سازد.
- ۱۱- اصلاحات را از قریش آغاز کند.
- ۱۲- الواح موسی علیه السلام را در آورد.
- ۱۳- امر امت را اصلاح کند.
- ۱۴- انتقام آل محمد علیهم السلام را بگیرد.
- ۱۵- انگشتر سلیمان علیه السلام را در آورد.
- ۱۶- با سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله رفتار کند.
- ۱۷- باطل را ریشه کن سازد.
- ۱۸- با علم خود رفتار کند.
- ۱۹- با کسی حساب خویشاوندی ندارد.
- ۲۰- بالکنها را می شکند.
- ۲۱- بخشش های خود را پس نمی گیرد.
- ۲۲- بدعتها را نابود سازد.
- ۲۳- بدهکاری باقی نمی گذارد.
- ۲۴- برادر ناشناخته را ارث دهد.
- ۲۵- بر اساس سنت پیامبر صلی الله علیه و آله بجنگد.
- ۲۶- بردگان را آزاد سازد.
- ۲۷- بندها را بگسلد.
- ۲۸- به بهره کشی انسان از انسان خاتمه دهد.
- ۲۹- به حجرالاسود تکیه کند.

- ۳۰- به دیوار کعبه تکیه کند.
- ۳۱- به طور ناگهانی ظاهر شود.
- ۳۲- به کتاب خدا عمل کند.
- ۳۳- به کتاب و سنت و ولایت دعوت کند.
- ۳۴- بیعت ستمگری به گردنش نباشد.
- ۳۵- بینه مطالبه نکند.
- ۳۶- بینوایان را نوارساند.
- ۳۷- پاکی را برگرداند.
- ۳۸- پرچمهای مخالف را سرنگون نماید.
- ۳۹- پنجره‌ها را ببندد (مقصود پنجره‌هایی که عامل تجسس و چشم چرانی است).
- ۴۰- پیامی به سوی اهل مکه می‌فرستد.
- ۴۱- پیرمرد زناکار را می‌کشد.
- ۴۲- تابوت سکینه (بنی اسرائیل) را در می‌آورد.
- ۴۳- تا هنگام ظهور در حال تقیه می‌باشد.
- ۴۴- تقوا را پیشه سازد.
- ۴۵- توبه مطالبه نکند.
- ۴۶- تورات و انجیل درآورد.
- ۴۷- ثروت را به طور مساوی تقسیم کند.
- ۴۸- ثروت را در مصالح عمومی خرج کند.

- ۴۹- جامه خشن بپوشد.
- ۵۰- جزیه نپذیرد.
- ۵۱- جواهرات بیت المقدس را درآورد.
- ۵۲- حدود را اجرا کند.
- ۵۳- حق را استوار سازد.
- ۵۴- حق را به صاحبش بازگرداند.
- ۵۵- حق مظلوم را از ظالم باز ستاند.
- ۵۶- حقیقت را بر همگان روشن سازد.
- ۵۷- خزائن بیت المال را تقسیم کند.
- ۵۸- انتقام خون اهل بیت علیهم السلام را می گیرد.
- ۵۹- انتقام خون محسن فاطمه علیها السلام و حسین فاطمه علیهما السلام را می گیرد.
- ۶۰- داوری به کلام خدا کند.
- ۶۱- دربان نمی گیرد.
- ۶۲- در مگه ظهور کند.
- ۶۳- در عهد او کسی تازیانه نخواهد خورد.
- ۶۴- در مورد سفیانی با کسان خود مشورت کند.
- ۶۵- در میان هر قومی با کتاب خودشان داوری کند.
- ۶۶- در میدان جنگ عقب نشینی نکند.
- ۶۷- درهای باطل را ببندد.
- ۶۸- دست دزدان کعبه را ببرد.

- ۶۹- دشمنان اهل بیت علیهم السلام را نابود سازد.
- ۷۰- دشمنان خدا را نابود سازد.
- ۷۱- دعوت خدا را آشکار سازد.
- ۷۲- دوستی واقعی پدید می آورد.
- ۷۳- دین را آشکار سازد، دین را احیا کند.
- ۷۴- دین را به اتمام رساند.
- ۷۵- راهها را امن سازد.
- ۷۶- ربا را ریشه کن سازد.
- ۷۷- رشوه را ریشه کن سازد.
- ۷۸- روابط نامشروع را پایان دهد.
- ۷۹- روز شنبه قیام کند.
- ۸۰- روز عاشورا قیام کند.
- ۸۱- زبور را از دریاچه طبریه درآورد.
- ۸۲- زمین را آباد سازد.
- ۸۳- زمین را از غیر شیعه باز ستاند.
- ۸۴- زمین را از ارث دشمنان خدا پاک سازد.
- ۸۵- زمین را از لوٹ شرک پاک سازد.
- ۸۶- زمین را از لوٹ فساد پاک سازد.
- ۸۷- زمین را از لوٹ منافقان پاک سازد.
- ۸۸- زمین را اصلاح کند.

- ۸۹- زمین را با نور خدا روشن سازد.
- ۹۰- زمین را پر از عدل و داد کند.
- ۹۱- زمین‌های مصادره شده را باز گرداند.
- ۹۲- زمینه ستم را از بین ببرد.
- ۹۳- زمینه جنایتها را از بین ببرد.
- ۹۴- زناکار را سنگسار کند.
- ۹۵- زندانیان را رها سازد.
- ۹۶- سفیانی را به دست خویش سر می‌برد.
- ۹۷- شرق و غرب را بگشاید.
- ۹۸- شکیبایی را پیشه خود سازد.
- ۹۹- شهرها را فتح کند.
- ۱۰۰- شیوه زندگی اش چون امیرالمؤمنین علیه السلام است.
- ۱۰۱- عطایای دلچسب دهد.
- ۱۰۲- فتوحات بسیار انجام دهد.
- ۱۰۳- فرمان خدا را دقیقاً انجام دهد.
- ۱۰۴- قلعه‌های خلافت را فتح کند.
- ۱۰۵- کلمه توحید را سرتاسر جهان حاکم سازد.
- ۱۰۶- کور را شفا بخشد.
- ۱۰۷- مانع الزکات را می‌کشد.
- ۱۰۸- مائده بنی اسرائیل را در می‌آورد.

- ۱۰۹- مشروبات الکلی را ریشه کن سازد.
- ۱۱۰- مؤمنان را عزیز گرداند.
- ۱۱۱- نفس زکیه را به سوی مگه می فرستد.
- ۱۱۲- وامهای شیعیان را بپردازد.
- ۱۱۳- وحدت کلمه ایجاد کند.
- ۱۱۴- هشت ماه شمشیر حمایل کند.
- ۱۱۵- همه را بر توحید گرد آورد.
- ۱۱۶- ستم را ریشه کن سازد.
- ۱۱۷- همه ساله در مراسم حج شرکت کند.^۱

۱- فهرست راهنمای روزگار رهایی، ص ۱۲۸۵، کامل سلیمان، طالبین روایات به
آدرس فهرست مراجعه نمایند.

حکومت طولانی حضرت مهدی عجالت

همان طور که مولا علی علیه السلام می فرمایند:

عدالت سبب حفظ دولت‌ها و جور و ستم باعث نابودی آنها خواهد شد.^۱ دولت حضرت مهدی عجالت به خاطر عدالت گستریش طولانی خواهد بود.

گرچه درباره مدت حکومت حضرت احادیث مختلفی در منابع اسلامی دیده می‌شود که از ۵ یا هفت تا ۳۰۹ سال (مقدار توقف اصحاب کهف در آن غار تاریخی) ذکر شده که در واقع ممکن است اشاره به مراحل دورانهای آن حکومت باشد (آغاز شکل گرفتن و پیاده شدنش پنج یا هفت سال و دوران تکاملش ۴۰ سال و دوران نهایی آن بیش از سیصد سال)! ولی قطع نظر از روایات اسلامی، مسلم است که این آوازه‌ها و مقدمات برای یک دوران

۱ - غررالحکم کلام ۱۰۲۰۰: چیزی همانند عدالت، دولت‌ها را حفظ نکند و هیچ چیز دولت‌ها را به مانند عدالت نگهداری ننماید. (ک. ۸۱۲۶)

کوتاه مدت نیست، بلکه قطعاً برای مدتی طولانی است که ارزش این همه تحمل زحمت و تلاش و کوشش را داشته باشد! حکومت جهانی حضرت تا پایان دنیا استمرار خواهد داشت و بعد از حضرت فرزندان وی که ادامه دهندگان راه آن حضرت می باشند به حکومت می رسند، آن گاه بعضی از پیامبران و امامان اهل بیت علیهم السلام به دنیا باز می گردند و تا پایان این جهان حکمرانی خواهند کرد.^۱

ابن طاووس رحمة الله علیه از بعضی کتب عامه معتبره روایت کرده که عمر دنیا صد هزار سال است، بیست هزار سال از سایر مردم و هشتاد هزار سال مدت پادشاهی آل محمد صلی الله علیه و آله و ملک ایشان.^۲ در حدیثی دیگر از امام صادق علیه السلام حضرت می فرمایند: ... خداوند در عهد او به چرخ گردون فرمان می دهد که آرامتر بگردد که مقدار یک روز در روزگار او معادل ده روز از روزهای شما باشد و هر ماه، به مقدار ده ماه و هر سالی به مقدار ده سال از سالهای شما باشد.^۳

همچنین از امام صادق علیه السلام پرسیدند:
سالها چگونه طولانی می شود؟ فرمودند:

۱ - عصر ظهور، علی کورانی، ص ۲۶۹.

۲ - حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام - آیت ا... مکارم شیرازی ص ۲۸۱ - رجعت،

علامه مجلسی، انتشارات قلم. ۲ - روزگار رهایی، ح ۹۲۷.

خداوند تبارک و تعالی به فلک دستور می دهد که آرامتر گردش کند، با کندن شدن گردش چرخ گردون، روزها، ماهها و سالها طولانی می شود. عرض کردند: دانشمندان می گویند: اگر گردش فلک تغییر یابد، تباہ می شود.

فرمودند: آن سخن ملحدان است، اما مسلمانها راهی به این حرفها ندارند، خداوند برای رسول گرامی اش ماه را شکافت (شق القمر). برای او و پیش از او برای یوشع بن نون خورشید را برگردانید (ردالشمس). و از دراز شدن روزهای قیامت خبر داد که هر روزش به مقدار هزار سال از سالهای دنیا است.^۱

مهدی علیه السلام سختگیر و قاطع در عین داشتن رحمت و مهربانی به مردم

امام مهدی علیه السلام در عین مهربانی و رحیم بودن در اجرای احکام الهی نسبت به کارگزاران خویش قاطع و سختگیر است. امام باقر علیه السلام فرمودند: خداوند متعال دین خود را به وسیله او آشکار می گرداند، هر چند مشرکان نپسندند و ویرانیهای زمین همه آباد می گردد.^۱

امام صادق علیه السلام می فرمایند: حضرت مهدی علیه السلام محبوب دلهای مردم است، و خداوند به وسیله او آتش فتنه ناگوار را خاموش می گرداند.^۲

ابن حماد آورده است که:

از نشانه های حضرت مهدی علیه السلام سخت گیری نسبت به کارگزاران

و بخشنده بودن با مال و دلسوز نسبت به بینوایان است.^۱
و نیز آمده است که مهدی علیه السلام بخشنده‌ای است که مال را به وفور
می‌بخشد، به مسئولین کشوری بسیار سخت می‌گیرد، و با بینوایان
بسیار رئوف و مهربان است.^۲

حاکمیت عشق و محبت الهی

حاکمیت عشق و علاقه بین خدا و مردم و بین ساکنان زمین و
آسمان با حضرت مهدی علیه السلام و همچنین حیوانات با هم،
از نشانه‌های حکومت مهدی علیه السلام است.
چنان که روایت است: ساکنان زمین و آسمان به او عشق
می‌ورزند، آسمان بارانش را فرو می‌فرستد، زمین گیاهانش را
می‌رویاند. هفت، هشت یا نه سال در میان آنها زندگی می‌کند.
زنده‌ها آرزو می‌کنند که ای کاش نیاکانشان زنده بودند و آن
عدالت و آرامش را مشاهده می‌کردند و می‌دیدند که خداوند چگونه
برکات خود را بر اهل زمین نازل کرده است.^۳
طبق آیه قرآن مجید (مائده/ ۵۴) خداوند قومی را می‌آورد که آنها

۱- روزگار رهایی، کامل سلیمان به نقل از نسخه خطی ابن حماد، ص ۹۸.

۲- همان منبع (روزگار رهایی، کامل سلیمان) ح ۷۷۹.

۳- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۰۴.

را دوست می‌دارد و آنها نیز او را دوست می‌دارند، کسی که در میان آنها غریب است، بر آنها حکومت می‌کند، همه ممالک اسلامی را با امنیت و آسایش تحت سیطره خود اداره می‌کند، روزگار با او سازگار می‌شود، پیر و جوان از او فرمان می‌برند، زمین آباد می‌شود و به وسیله مهدی علیه السلام خرم و سرسبز می‌شود. فتنه‌ها از بین می‌رود و خیر و برکت فراوان می‌گردد.^۱

و همچنین حضرت مهدی علیه السلام محبوب همه خلایق است. مهدی علیه السلام در میان همه مخلوقات محبوب است، خداوند به وسیله او آتش فتنه را خاموش می‌گرداند.^۲

موت و دوستی به انسانها محدود نمی‌شود، بلکه بین انسانها و حیوانات و... هم وجود دارد: حضرت مهدی علیه السلام شرق و غرب جهان را تحت سیطره خود درآورد، گرگ و گوسفند در یک مکان زندگی کنند، کودکان خردسال با مارها و عقربها بازی کنند و آسیبی به آنها نرسد، شر از جهان رخت بربندد و تنها خیر باقی می‌ماند.^۳

و همچنین: پیرو هیچ آیینی نمی‌ماند، جز این که به آیین اسلام می‌گردد، گوسفند از خطر گرگ در امان می‌ماند، به انسان از مار آسیبی نمی‌رسد، هیچ موشی گونی جوالی را سوراخ نمی‌کند، در چنین مقطع زمانی، مهدی علیه السلام قیام می‌کند.^۴

۱ - ینابیع الموده، ج ۳، ص ۱۲۱. ۲ - بشارة الاسلام، ص ۱۸۵.

۳ - منتخب الاثر، ص ۱۸۵. ۴ - بشارة الاسلام، ص ۲۷۹.

امام حسن مجتبی علیه السلام نیز می فرمایند:

«در دولت مهدی علیه السلام درندگان سازش می کنند، زمین نباتات خود را خارج می کند، آسمان برکاتش را فرو می فرستد، گنجهای نهفته در دل زمین برای او آشکار می شود و بین مشرق و مغرب را مالک می شود، خوشا به حال کسی که آن روزگار مسعود را درک کند و دستوراتش را با گوش جان بشنود.»

در روایتی راجع به مهرورزی مردم به مهدی علیه السلام آمده است:

«امت اسلامی به مهدی علیه السلام مهر می ورزند و به سویش پناه می برند، آن چنان که زنبوران عسل به سوی ملکه خود پناه می برند. عدالت را در پهنه گیتی می گستراند و صفا و صمیمیت صدر اسلام را به آنها باز می گرداند. خفته‌ای را بیدار نمی کند (کسی به آسایش کسی مزاحم نمی شود) و خونی به ناحق نمی ریزد.»^۱

۱- روزگار رهایی، کامل سلیمان ج ۲، ص ۵۹۹ به نقل از منتخب الاثر، ص ۴۸۸.

انجیل و کلیه کُتب آسمانی در دست مهدی علیه السلام است

در حدیثی که مفصل بود، عمر از امام صادق علیه السلام نقل کرده است و ضمن اخبار و قایع هنگام ظهور می فرمایند:
در تمام آن روز حضرت صاحب الامر علیه السلام پشت به کعبه داده و می گوید:

هر که خواهد نظر کند به آدم علیه السلام و شیث علیه السلام و نوح علیه السلام و سام علیه السلام و ابراهیم علیه السلام و اسماعیل علیه السلام و موسی علیه السلام و یوشع علیه السلام و عیسی علیه السلام و شمعون علیه السلام، پس نظر کند به من که علم و کمال همه با من است و هر که خواهد نظر کند به محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و ائمه از ذریه حسین علیه السلام، پس نظر کند به من و آنچه خواهد از من سؤال کند که علم همه نزد من است و آنچه آنها مصلحت ندانسته و خبر نداده اند، من خبر می دهم و هر که کتب آسمانی و صحت پیغمبران می خواهد بیاید و از من بشنود،

پس ابتدا کند و صحف آدم علیه السلام و شیث علیه السلام که در آن هیچ تغییری

راه نیافته است، و خواند بر ما از آن صحف آنچه نمی دانستیم،
صحف نوح علیه السلام و صحف ابراهیم علیه السلام و تورات موسی علیه السلام و انجیل
عیسی علیه السلام و زبور داوود علیه السلام را بخواند،

پس علمای آن ملت‌ها شهادت دهند که این است آن کتاب‌ها به
نحوی که از آسمان نازل شده و تغییر نیافته و آنچه از ما فوت شده
بود و به ما نرسیده بود، همه را بر ما خواند، پس خواند قرآن را به
نحوی که حق تعالی بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله نازل ساخته، بی آن که
تغییر و تبدیل شده باشد...^۱

پس حضرت مهدی علیه السلام حاضر گرداند، حتی عصای آدم علیه السلام و
نوح علیه السلام و ترکه هود علیه السلام و صالح علیه السلام و مجموعه ابراهیم علیه السلام و
صالح علیه السلام و یوسف علیه السلام و کیل و ترازوی شعیب علیه السلام و عصای
موسی علیه السلام و زره داوود علیه السلام و انگشتری سلیمان علیه السلام و تاج او، و اسباب
عیسی علیه السلام و میراث جمیع پیغمبران.^۲

۱ - رجعت، علامه مجلسی، ترجمه بیدار از انتشارات رسالت قلم، قم (۱۳۷۰)،

۲ - همان منبع، ص ۶۸

ص ۶۱، چاپ دوم.

نقش حضرت عیسی علیه السلام در ظهور حضرت مهدی عجل الله فرجه

مشهور میان علمای شیعه و سنی است که آن حضرت در آسمان باقی است به حیاتی که داشت در زمین و آن که زنده به آسمان بالا رفت و شربت مرگ نچشید و نخواهد چشید تا آن که در آخر الزمان فرود آید و پشت سر مهدی عجل الله فرجه نماز خواند و زیر فرمان حضرت باشد.^۱

از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت است که فرمودند: قسم به آن که مرا به راستی به پیغمبری فرستاد که اگر نماند از دنیا مگر یک روز، خدا آن روز را طولانی می کند تا خروج کند در آن روز، فرزند ما مهدی، و فرود آید روح الله، عیسی بن مریم و نماز کند خلف او.^۲

و نیز از حضرت محمد صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمودند:

۱ - نجم الثاقب، محدث نوری، انتشارات جمکران، قم (۱۳۸۰)، چاپ چهارم، ص ۶۷۳.

۲ - همان، ص ۱۸۵.

حضرت مهدی علیه السلام با اصحاب خود مشغول نماز صبح است در بیت المقدس که عیسی بن مریم علیه السلام فرود می آید. پس حضرت به پشت سر بر می گردد تا عیسی علیه السلام پیش افتد و امام مردم شود در نماز، پس عیسی علیه السلام دو دست خود را بر کتف آن حضرت می گذارد و به او می گوید: مقدم شو! و در اخبار مکرر آمده افضلیت حضرت مهدی علیه السلام بر آن حضرت که امام باید اقر و اعلم و افقه و اصبح باشد و... و نیز از آن حضرت علیه السلام نقل شده که فرمود: پس ملتفت می شود مهدی علیه السلام که عیسی بن مریم نازل شده و گویا از مویش آب می چکد. حضرت مهدی علیه السلام به او می فرمایند: مقدم شو، و برای مردم نماز کن.

اما عیسی علیه السلام می گویند: برپای نشده نماز مگر برای تو. پس، نماز می کند عیسی علیه السلام، پشت سر مردی از فرزندان من و چون نماز کرد، می نشیند و عیسی علیه السلام در مقام با او بیعت می کند^۲ و این دلیل بر افضل بودن حضرت مهدی علیه السلام از حضرت عیسی علیه السلام است.^۳

در بعضی از احادیث قتل دجال را که از نشانه های ظهور است را به دست حضرت عیسی علیه السلام می دانند.^۴

۲- همان، ص ۱۸۷.

۱- همان، ص ۱۸۷.

۴- همان، ص ۱۸۹.

۳- همان، ص ۱۸۸.

تقدیم به «او» که عصاره و خلاصه «همه انبیا و اولیای خدای بزرگ است.

«او» که امید و آرمان کلیه صالحان و خوبان و منتظران عدل و عدالت و تمام زیبایی‌هاست.

«او» که مرهم همه دلهای شکسته و شوریده و مملو از درد است. و «او» که مفسر واقعی تورات و انجیل و قرآن مجید و همه کتب آسمانی است.

و «او» که با ظهورش جان و روح الهی را در دل فسرده جهان و جهانیان می‌دمد.

و تقدیم به ارواح پدر و مادرم، بخصوص مادرم که هر چه آموخته دینی و آموزه زندگی دارم از اوست.

و تقدیم به همه خوبان، آنهایی که خوب زندگی می‌کنند و پیرو علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام زهرا علیها السلام هستند.

خاک پای همه اولیای خدا

و کمترین دوست شما علیرضا کربندی